

# آخراالزمان - مکاشفه های آینده

خایرو پابلو آلوز د کاروالیو

## معرفی

بسیاری از آخرین کتاب کتاب مقدس را خبر بدی می دانند. فقط نام آخراالزمان برای بسیاری از مردم ترس ایجاد می کند. اما این به این دلیل است که ما از ناشناخته ها می ترسیم. بچه ها وقتی چراغ های اتاقشان را خاموش می کنیم، با وجود اینکه هیچ خطری در اطرافشان وجود ندارد، احساس ترس می کنند. وقتی نور واقعی موجود در مکاشفه ذهن را روشن می کند، تمام ترس از بین می رود. "خدا عشق است" (اول یوحنا 4: 8) و آخراالزمان مکاشفه ای از جانب خداست، همانطور که در ابتدای آن آمده است: "مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد" (مکاشفه 1: 1) بنابراین، مکاشفه، با درک درست، عشق به خدا را آشکار می کند. اگر خوب مطالعه شود، انسان را به تحسین بیشتر شخصیت پدر مهربان آسمانی خود و تمایل به نزدیک شدن به او سوق می دهد. این که مطالعه مکاشفه با هدایت این کتاب شما و سایر خوانندگان آن را به این تجربه هدایت کند، امید خالصانه ما است.

نویسنده و ویراستاران.

## فصل 1

یک رویا پایان را آشکار می کند

نام "آخراالزمان" به معنای "وحی" است. در آیه اول آن آمده است:

"مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد" مکاشفه 1:1

در زمان مکاشفه، پیش‌بینی‌های همه کتاب‌های دیگر کتاب مقدس تحقق می‌یابد - به همین دلیل است که توسط او نازل می‌شوند. به ویژه به پیشگویی های کتاب دانیال مربوط می شود. هنگامی که فرشته از دادن مکاشفه های مهم در مورد روزهای آخر به پایان رسید، گفت: "و تو ای دانیال، کلمات را ببند و این کتاب را تا آخراالزمان مهر کن" (دانیال 12:4). در برابر چشمان افشاگر آخراالزمان گشوده شد: «در دست راست او که بر تخت می‌نشست، کتابی را دیدم که در درون و بیرون نوشته شده بود و با هفت مهر مهر شده بود... و هنگامی که بره یکی از مهرها را باز کرده بودم، نگاه کردم...» (مکاشفه 1: 6؛ 5: 1) می توان گفت که در حالی که دانیال نبوت است، مکاشفه همان وحی است. دومی وحی های تکمیلی را برای اولی به ارمغان می آورد. بنابراین، برای اینکه ما درک بهتری از کتاب مکاشفه داشته باشیم، خوب است که پیشگویی های کتاب دانیال را درک کنیم. برای این منظور، اکنون فصل 2 را مطالعه می کنیم. با خواندن آیات 1 تا 25 شروع می کنیم:

«در سال دوم سلطنت نبوکدنصر خوابی دید. روحش پریشان شد و خوابش از بین رفت. سپس پادشاه به دنبال جادوگران، جادوگران، ساحران و کلدانیان فرستاد تا به پادشاه بگویند که چه خوابی دارد. آمدند و خود را به حضور شاه رساندند. پادشاه به آنها گفت: من خوابی دیدم و روحم از دانستن آن آشفته است. کلدانیان به زبان آرامی به پادشاه گفتند: ای پادشاه تا ابد زنده باش! خواب را به بندگانت بگو تا تعبیر کنیم. پادشاه پاسخ داد و به کلدانیان گفت: یک چیز مسلم است: اگر خواب و تعبیر آن را به من نگویند، تکه تکه خواهید شد و خانه های شما خاکریز می شود. اما اگر خواب و تعبیر آن را به من اعلام کنید، هدایا، جوایز و افتخارات بزرگی از من دریافت خواهید کرد. پس خواب و تعبیر آن را به من اعلام کن. آنها بار دوم پاسخ دادند و گفتند: اجازه دهید پادشاه خواب را به غلامان خود بگوید و ما تعبیرش را به او خواهیم داد. پادشاه برگشت و گفت: خوب می فهمم که می خواهی وقت به دست آوری، زیرا می بینی که آنچه گفتیم حل می شود، یعنی: اگر خواب را به من نرسانی، یک جمله مال تو می شود؛ زیرا تو سخنان دروغ و منحرف را ترتیب داده ای تا در حضور من صحبت کنی تا اوضاع تغییر کند. پس خواب را به من بگو تا بدانم تعبیرش را به من می دهی. کلدانیان در حضور پادشاه پاسخ دادند و گفتند: «هیچ انسانی بر روی زمین نیست که بتواند آنچه را که پادشاه می خواهد آشکار سازد. زیرا هرگز پادشاهی وجود نداشت، هر چقدر هم که بزرگ و قدرتمند بود، چنین چیزی را از هیچ جادوگر، افسونگر یا کلدانی نخواهد. چیزی که پادشاه می خواهد سخت است و هیچ کس نمی تواند آن را در برابر شاه آشکار کند جز خدایان و اینها با مردان زندگی نمی کنند.

سپس پادشاه بسیار عصبانی و خشمگین شد. و به آنها دستور داد که همه حکیمان بابل را بکشند. فرمانی صادر شد که بر اساس آن، خردمندان باید کشته شوند. و به دنبال دانیال و یارانش رفتند تا کشته شوند. سپس دانیال با اندرز و احتیاط با آریوخ، رئیس نگهبان پادشاه که برای کشتن حکیمان بابل بیرون رفته بود، صحبت کرد. و به آریوخ، مأمور پادشاه گفت: «چرا فرمان پادشاه اینقدر شدید است؟ سپس آریوکو قضیه را برای دانیال توضیح داد. دانیال نزد پادشاه رفت و از او خواست که زمان را تعیین کند و او تعبیر را برای پادشاه فاش کند.

سپس دانیال به خانه رفت و به حنابا، میشائیل و عزاریا، یاران خود گفت که در مورد این راز از خدای آسمان طلب رحمت کنند تا دانیال و یارانش با بقیه حکیمان بابل هلاک نشوند. سپس این راز در رؤیایی شبانه برای دانیال آشکار شد. دانیال خدای بهشت را برکت داد. دانیال گفت: نام خدا از ازل تا ابد مبارک باد، زیرا حکمت و قدرت از آن اوست. اوست که زمان و فصل را تغییر می دهد، پادشاهان را بر می دارد و پادشاهان را برپا می کند. به خردمندان حکمت می دهد و به خردمندان فهم، ژرف و پنهان را آشکار می کند؛ و آنچه را در تاریکی است می داند و نور با او زندگی می کند.

ای خدای پدرانم، تو را شکر و ستایش می کنم، زیرا به من حکمت و قدرت بخشیدی. و اکنون آنچه را که از تو می خواهیم به من اعلام کردی، زیرا این موضوع پادشاه را به ما اطلاع دادی.

از این رو، دانیال نزد آریوخ رفت، که پادشاه او را برای نابودی حکیمان بابل تعیین کرده بود. وارد شد و به او گفت: حکیمان بابل را نکش. مرا به حضور پادشاه بیاور تا تعبیرش را برای پادشاه فاش کنم. سپس آریوخ به سرعت دانیال را به حضور پادشاه آورد و به او گفت: یکی از آنها را پیدا کردم

فرزندان اسیران یهودا که این تعبیر را برای پادشاه آشکار خواهند کرد.» دانیال 1-25: 1

نبوکدنصر خوابی دید که او را پریشان کرد، اما به یاد نداشت که چگونه بود. او که می خواست معنای آن را بداند، با جادوگران و منجمان خود مشورت کرد و از آنها خواست که به او بگویند این خواب و تعبیر آن چیست. جادوگران گفتند که نمی توانند این کار را انجام دهند - فقط خدایان می توانند. سپس پادشاه فهمید که جادوگران

و منجمانی که او با آنها مشورت می کرد، حکمتی از بهشت نداشتند، بلکه در واقع فریبکار بودند. او حتی به جادوگران گفت که در واقع متوجه شده است که آنها در حال آماده کردن کلمات دروغ برای گفتن او هستند. پادشاه که از این امر خشمگین شده بود تصمیم به کشتن خردمندان گرفت.

با این حال، در میان آنها مردان خداترس وجود داشت - دانیال و یارانش. فقط بندگان خدا برای درک آیات او حکمت دریافت خواهند کرد. آنها به خدای آسمان دعا کردند که خواب دانیال پادشاه و تعبیر آن را داد. سپس دانیال از پادشاه تقاضای ملاقات کرد که به او اجازه داده شد. در ادامه این گزارش می پردازیم:

«پادشاه پاسخ داد و به دانیال که بلطشصر نام داشت گفت: آیا می توانی آنچه را که در خواب دیدم و تعبیر آن را به من بگویی؟ دانیال در حضور پادشاه پاسخ داد و گفت: رازی را که پادشاه می خواهد، نه جادوگران و نه منجمان نمی توانند آن را برای پادشاه آشکار کنند. اما خدایی در آسمان است که اسرار را آشکار می کند، زیرا او آنچه را که در روزهای آخر خواهد بود به نبوکدنصر پادشاه اعلام کرده است.» دانیال 2:26-28

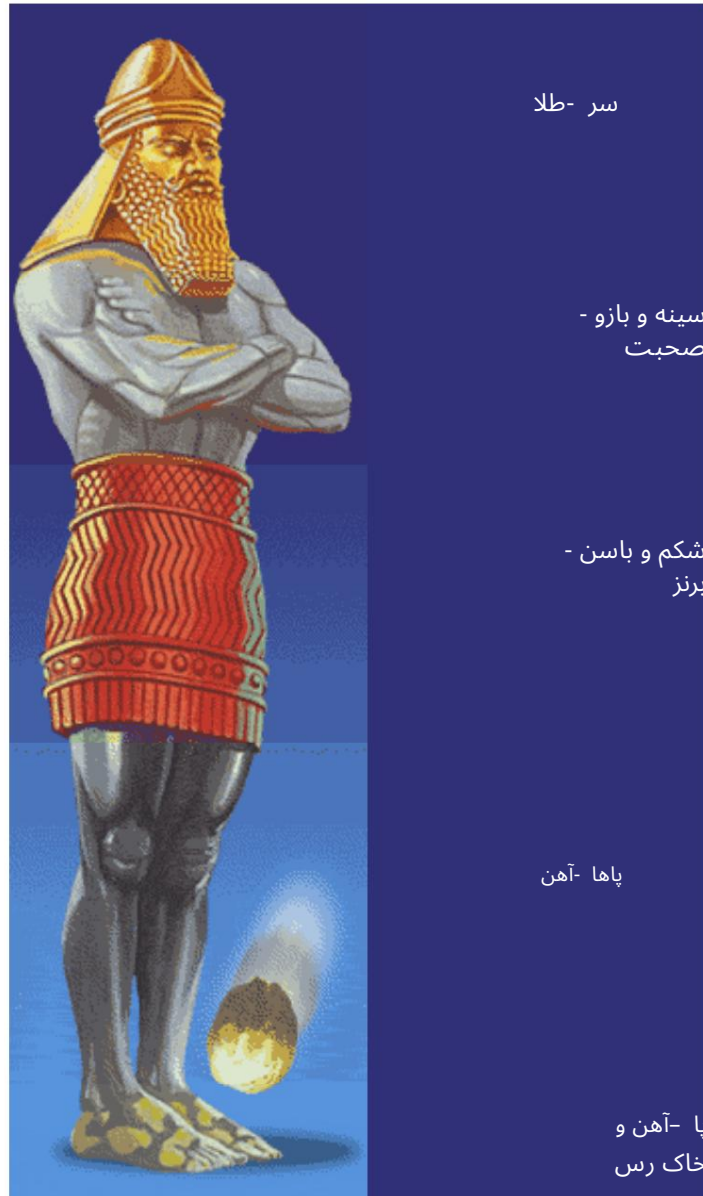
تعبیر «آخرین روزهای» در کتاب مقدس به چه معناست؟ به چه ساعتی اشاره می کند؟ تا آخرین روزهای تاریخ زمین. در دوم تیموتائوس فصل 3 خداوند می گوید که در روزهای آخر زمانهای "سختی" وجود خواهد داشت. و آیا این دوران سختی نیست که ما در آن زندگی می کنیم؟ بیکاری، دزدی ها، قتل ها، گرم شدن زمین، بی عدالتی اجتماعی، همه این چیزها در روزگار ما رخ می دهد و نشان می دهد که ما واقعاً در آخرین روزهایی که دانیال به آن اشاره کرده زندگی می کنیم. تفسیر نبوت امروزه مورد توجه ماست. در ادامه می خوانیم:

«رویای تو و رؤیاهایی که در سرت بود، وقتی بر بالینت بودی، اینها است: ای پادشاه، در حالی که تو بر بالین خود بودی، در مورد آنچه بعد از آن خواهد بود به تو فکر کرد. کسی که اسرار را آشکار می کند، آنچه را که باید باشد، برای تو آشکار کرده است. و این راز بر من آشکار شد، نه به این دلیل که در من حکمت بیشتر از همه زندگان است، بلکه برای اینکه تعبیر آن به پادشاه آشکار شود و شما افکار ذهن خود را درک کنید. ای پادشاه، تو نگاه می کردی، و اینک مجسمه ای بزرگ. این یکی که بسیار زیاد و با شکوه فوق العاده بود، در برابر شما ایستاده بود. و ظاهرش وحشتناک بود.» دانیال 2:29-31

این مجسمه نمادی بود که خداوند برای آشکار ساختن آنچه در روزهای ما اتفاق می افتد انتخاب کرد. "ظاهر" او "وحشتناک" بود. آینده ای که اعلام شد، زمان های آسان خوب و رفاه نبود، بلکه روزگار سخت و وحشتناکی بود. جنگها، قحطیها، خشونتها و ظلمها، که تاریخ را نشانه گذاری کرده اند و روزنامهها و تلویزیونها روزانه گزارش می دهند، نشان می دهد که زمانهای کنونی دقیقاً مطابق با توصیف ظاهر مجسمه ای است که در پیشگویی آمده است: «وحشتناک». در ادامه می خوانیم:

«سر از طلای مرغوب، سینه و بازوها از نقره، شکم و باسن از برنز بود. پاها، از آهن، پاها، بخشی از آهن، بخشی از خاک رس. همانطور که شما تماشا می کردید، سنگی بدون کمک دست بریده شد و به پاهای مجسمه از آهن و گل کوئید و آنها را خرد کرد. سپس آهن و خشت و برنز و نقره و طلا را با هم خرد کردند و در تابستان مانند کاه بر خرمنگاه شدند و باد آنها را برد و اثری از آنها نماند. اما سنگی که به تصویر برخورد کرد تبدیل به یک کوه بزرگ شد که تمام زمین را پر کرد. این رویا است؛ و همچنین تفسیر آن را به پادشاه خواهیم گفت.» دانیال 2:32-36

مجسمه وحشتناک از مواد مختلفی ساخته شده بود:



بخشی از مجسمه	ترکیب بندی
سر	طلا
سینه و بازوها	صحبت
شکم و باسن	برنز
پاها	اهن
پا	آهن و خاک رس

سپس دانیال نبی هر قسمت از مجسمه را تفسیر می کند:

«ای پادشاه، ای پادشاه پادشاهان، که خدای آسمان به او پادشاهی، قدرت، قدرت و جلال داده است. فرزندان انسانها در هر کجا که باشند به دست او تسلیم شدند»

ساکن شو، و حیوانات صحرا، و پرندگان آسمان، تا بر همه آنها حکومت کنی، تو سر طلایی.» دانیال 2:37 و 38

توجه داشته باشید که پیامبر به پادشاه فرمود: «تو ای پادشاه، تو سر طلایی.» دانیال پادشاه با کی صحبت می کرد؟ آیات 27 و 28 نشان می دهد:

"دانیال در حضور پادشاه پاسخ داد و گفت: ... خدایی در آسمان است که اسرار را آشکار می کند، زیرا او به نبوکدنصر پادشاه گفته است که چه خواهد شد." دانیال 2:27 و 28

دانیال به نبوکدنصر پادشاه گفت: «تو سر طلا هستی.» نبوکدنصر او در آن زمان پادشاه کدام قوم بود؟ در دانیال 1:1 پاسخ را می یابیم:

"در سال سوم سلطنت یهوایقیم پادشاه یهودا، نبوکدنصر پادشاه بابل به اورشلیم آمد." دانیال 1:1

نبوکدنصر پادشاه بابل، عالی ترین نماینده آن بود. از این رو دانیال هنگام تفسیر نماد سر مجسمه به پادشاه گفت: تو سر طلایی.

سر مجسمه نمایانگر پادشاهی بابل بود که نبوکدنصر پادشاه آن بود. پیامبر در ادامه این تعبیر می فرماید:

"بعد از تو پادشاهی دیگری پدید خواهد آمد که از پادشاهی تو پایین تر است" دانیال 2:39

پادشاهی بابل برای همیشه دوام نخواهد آورد. در آن زمان، بابل بر تمام جهان شناخته شده تسلط داشت. این یک امپراتوری جهانی بود. پادشاهی «فرقتر از شما»، یعنی پستتر از بابل، پدید می آید. روی مجسمه، سر طلایی با سینه و بازوهای نقره ای دنیال می شود. نقره فلزی پایین تر از طلا است. در مسابقات فعلی مدال طلا به نفر اول و مدال نقره به نفر دوم داده می شود. این به این دلیل است که نقره از طلا پایین تر است. وقتی پیامبر می گوید که پادشاهی پایینتر از بابل پس از او برمی آید، منظور او پادشاهی است که نقره آن را نشان می دهد - سینه و بازوهای مجسمه، کتاب مقدس در داستان فصل 5 دانیال به ما نشان می دهد که پادشاهی دوم چیست:

«در حالی که بلشصر در حال نوشیدن و لذت بردن از شراب بود، دستور داد ظروف طلا و نقره را که نبوکدنصر، پدرش، از معبدی که در آن بود، بیاورند. اورشلیم» دانیال 2: 5

بلشصر، از نوادگان نبوکدنصر، مست در میهمانی مهمانی، ظروف مقدس را از معبد خدا در اورشلیم گرفت و از آنها استفاده ناپسند کرد. در نتیجه دستی پدیدار شد و پیامی الهی را با شخصیت های نامفهوم برای کلدانیان نوشت. دانیال که برای تفسیر فراخوانده شد، به پادشاه گفت:

"پادشاه! خدای تعالی به پدرت نبوکدنصر پادشاهی و عظمت و جلال و عظمت داد... تو ای بلشصر که پسر او هستی با اینکه همه اینها را می دانستی دلت را خاشع نکردی. و بر پروردگار آسمان قیام کردی... سپس از سوی او فرستاده شد آن دستی که این نوشته را نوشت... این تعبیر آن است: MENE: خداوند پادشاهی تو را شمرد و آن را به پایان رساند. ... PERES: پادشاهی شما تقسیم شد و به مادها و پارسیان داده شد." دانیال 5:18, 22-24, 26, 28

دانیال با اشاره به ملک بلشصر، پادشاه بابل، چنین تعبیر کرد: «خدا پادشاهی تو را شمرده و به آن پایان داده است.» سپس گفت: پادشاهی شما تقسیم شد و به مادها و پارسیان داده شد. خداوند نشان می دهد که کدام امپراتوری کنترل بابل را به دست می گیرد: مادها و پارس ها.

«در همان شب بلشصر، پادشاه کلدانیان، کشته شد ... و داریوش مادها.  
هنگامی که او حدود شصت و دو سال داشت، سلطنت را به دست گرفت.» دانیال 5:30 و 31

بنابراین، امپراتوری ماد، امپراتوری ماد است که با قسمتی از مجسمه که به دنبال سر است - سینه و بازوهای نقره ای نشان داده می شود. با بازگشت به فصل 2، دانیال به تفسیر نمادین مجسمه ادامه داد:

«بعد از تو پادشاهی دیگر قیام خواهد کرد که از پادشاهی تو پایین تر است و پادشاهی سوم، برنز که بر تمام زمین تسلط خواهد داشت.» دانیال 2:39

پس از امپراتوری مادها پارسی، «پادشاهی سومی» برپا خواهد شد که «بر تمام زمین تسلط خواهد داشت». چند سال بعد از سخنان فرشته خطاب به خود دانیال آشکار می شود:

من دوباره با شاهزاده پارسیان خواهم جنگید. و همانطور که من بیرون می روم، اینک، شاهزاده یونان خواهد آمد... اکنون حقیقت را به شما اعلام خواهم کرد: اینک، سه پادشاه دیگر در ایران برمی خیزند و چهارمی از همه ثروت های فراوان پر خواهد شد. و با ثروت خود قوی شده، همه چیز را علیه پادشاهی یونان به کار خواهد گرفت. پس از آن، پادشاه قدرتمندی برخاست که با سلطه عظیم سلطنت خواهد کرد.» دانیال 11:2; 10:20 و 3

از عبارت: «دوباره با شاهزاده پارسیان خواهم جنگید» می بینیم که این کلمات در زمان امپراتوری مادها پارسی گفته می شده است. اما او سپس می گوید: "هنگامی که من بیرون می روم، اینک شاهزاده یونان خواهد آمد." یونان جایگزین امپراتوری ماد و پارس خواهد شد. اما بعداً فرشته این را تأیید می کند و می گوید:

«اینک، سه پادشاه دیگر در ایران برخوانند خاست و چهارمی... همه چیز را علیه پادشاهی یونان به کار خواهد گرفت.» سخنان فرشته در مورد یونان، "با سلطه عظیم سلطنت خواهد کرد"، با توصیف پادشاهی سوم که در مجسمه دانیال نشان داده شده است، مطابقت دارد:

«و سومین پادشاهی برنزی که بر تمام زمین تسلط خواهد داشت.»  
دانیال 2:39

شکم و باسن مجسمه از برنز ساخته شده بود. این قسمت سوم مجسمه بود که نشان دهنده سومین پادشاهی - یونان بود. در دانیال 2، پیامبر به تفسیر نمادین مجسمه ادامه می دهد:

«پادشاهی چهارم مانند آهن قوی خواهد بود. زیرا آهن همه چیز را می شکند و خرد می کند. همانطور که آهن همه چیز را می شکند، او آنها را تکه تکه خواهد کرد و تکه تکه خواهد کرد.» دانیال 2:40

خرد کردن یعنی پودر کردن، آسیاب کردن. کتاب مقدس به ما می گوید که عیسی درهم شکسته خواهد شد:

«بی‌تردید او ناتوانی‌های ما را بر دوش گرفته و دردهای ما را بر دوش گرفته است. و او را مضروب و مظلوم و مظلوم دانستیم. اما او بود

برای گناهان ما سوراخ شد و برای گناهان ما درهم شکست. « اشعیا 53:4

5

عیسی به دستور پیلطس مورد ضرب و شتم قرار گرفت: «به همین دلیل پیلطس عیسی را گرفت و دستور داد تا او را شلاق بزنند. سربازان تاجی از خار یافتند و آن را بر سر او گذاشتند و جامه ارغوانی به او پوشاندند.» یوحنا 1:19 و 2.

پیلطس و سربازانش در خدمت امپراتوری روم بودند. رم امپراتوری آهنینی بود که ناچی ما را «آسیاب کرد». رم امپراتوری بود که پس از یونان، با پاهای آهنین نشان داده شد. ما به تعبیر خواب در دانیال 2:41e 42 ادامه می دهیم:

«آنچه از پاها و انگشتان پا دیدی، بخشی از گل سفال و قسمتی از آهن، پادشاهی تقسیم خواهد شد. اما در آن چیزی از استحکام آهن خواهد بود، زیرا دیدی که آهن با گل مرمر مخلوط شده است. همانطور که انگشتان پاها قسمتی از آهن و قسمتی از گل بود، پادشاهی از یک سو قوی و از سوی دیگر ضعیف خواهد بود.» دانیال 2:41e 42

تا اینجا دیدیم که هر قسمت از مجسمه نمایانگر پادشاهی است که از پادشاهی متناظر با قسمت قبلی مجسمه پیروی می کند. بنابراین، پاهایی که توسط دانیال در متن بالا توضیح داده شده است، نشان دهنده پادشاهی است که پس از آن توسط پاهای مجسمه نشان داده شده است -

رم

دانیال گفت که پاها نمایانگر یک "پادشاهی تقسیم شده" هستند. تا به حال، هر قسمت از مجسمه تنها با یک ماده نشان داده می شد - سر فقط طلا، سینه و دست ها فقط نقره، باسن و شکم فقط برنز و پاها فقط آهن بود. این به این دلیل بود که هر حزب نماینده یک امپراتوری جهانی بود. یک امپراتوری به تنهایی بر کل جهان شناخته شده تسلط داشت. پاهای مجسمه از دو ماده ساخته شده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: آنچه از پاها و انگشتان پا دیدی، قسمتی از گل کوزه گری و قسمتی از آهن. پاها و انگشتان مجسمه از آهن و خشت ساخته شده بود. پیامبر با اشاره به آنها می فرماید: این پادشاهی متفرقه خواهد بود.

این یک امپراتوری جهانی مانند روم و پادشاهی های قبلی نخواهد بود. چندین ملت این پادشاهی را تشکیل خواهند داد. تاریخ می گوید که امپراتوری روم با تهاجم ده قبیله بربر اروپا که عبارت بودند از:

نام های فعلی مردم بربر	
	آنگلوساکسون ها
	آلمانی ها
	فرانک ها
	بوگوندری ها
	لیوبارد ها
	ویزیگوت ها
	سوارث ها
	هرکول
	خزاکاران
	استروگوت ها

می دانیم که اروپا همیشه یک قاره تقسیم شده بوده است. ملل مختلف آن هرگز یک امپراتوری جهانی تشکیل ندادند. درست همانطور که در نبوت گفته شد، این یک "پادشاهی تقسیم شده" بود. پیامبر نیز در سخنانی درباره این پادشاهی می فرماید:

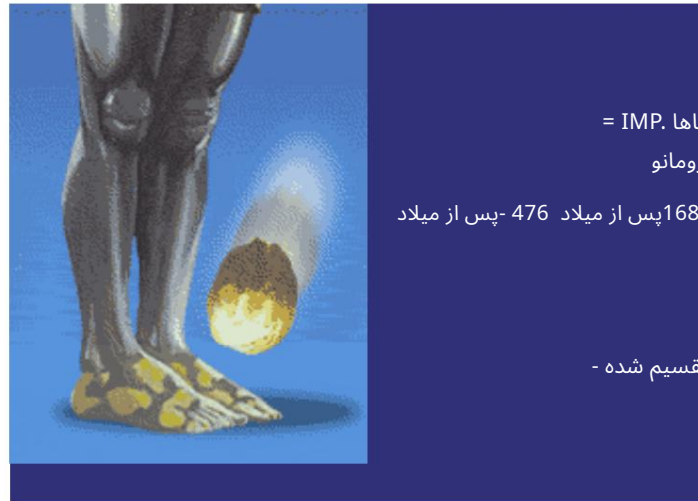
«چنانکه انگلستان پا قسمتی از آهن و قسمتی از گل بود.  
پس پادشاهی از یک سو قوی و از سوی دیگر ضعیف خواهد شد.» دانیال 2:42

سخنان پیامبر بیانگر آن چیزی است که اروپا تا امروز بوده و هست. برخی از کشورها مانند آهن (مثل انگلیس و آلمان) قدرت در نظر گرفته می شوند، در حالی که برخی دیگر مانند خاک رس ضعیف تر هستند (مثلاً پرتغال).

می بینیم که تعبیر مجسمه دانیال از بالا به پایین از سر شروع شد. پادشاهی های بعدی به ترتیب از یکدیگر پیروی کردند. امپراتوری بابل، که توسط سر مجسمه نمایش داده می شود، در 605 قبل از میلاد (قبل از میلاد) آغاز شد. رم، چهارمین امپراتوری، که با پاهای مجسمه نمایش داده می شود، در سال 168 قبل از میلاد به قدرت رسید و تا سال 476 بعد از میلاد ادامه یافت. همانطور که پایین می رویم و قسمت های مجسمه را تفسیر می کنیم، در زمان پیش می رویم. توجه داشته باشید که تا کنون، هر آنچه دانیال نبی به نبوکدنصر پادشاه گفته است، محقق شده است. توالی پادشاهی هایی که توسط مجسمه پیش بینی شده بود، با توالی امپراتوری هایی که پدید آمدند و بر زمین تسلط داشتند، صادقانه عمل کردند. جدول زیر را ببینید:







دقت تحقق نمادها در رویدادهایی که قبلاً گذشته است به ما اطمینان می دهد، این ایمان را به ما می دهد که رویدادهای پیش بینی شده مربوط به زمان ما و آینده با همان دقت محقق خواهند شد.

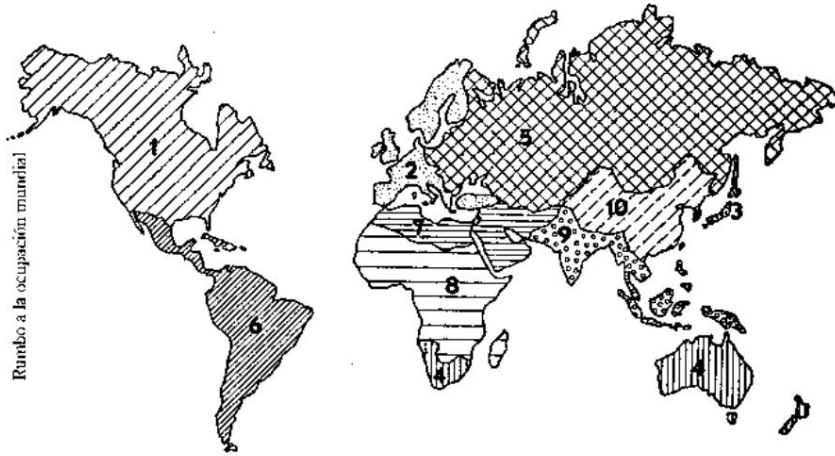
همانطور که مجسمه زمان را "از بالا تا پایین" به ما نشان می دهد، سر نشان دهنده قدیمی ترین پادشاهی است، پاها باید پادشاهی های آخر زمان را نشان دهند، و انگشتان با آخرین صحنه های تاریخ زمین مطابقت دارند. از آنجایی که مجسمه یک مرد هستیم، می دانیم که پاهای او ده انگشت دارد. از این رو می فهمیم که در آخرالزمان حکومت زمین به ده قسمت تقسیم می شود. بررسی تحرکات پشت پرده در سیاست جهانی نشان می دهد که در آستانه افتتاح این آخرین ساختار دولتی هستیم. اخیراً گروهی از افراد بانفوذ و نماینده از سرتاسر کره زمین کارگروهی به نام باشگاه رم را مأمور طراحی یک بخش سیاسی-اقتصادی جهانی کردند. «باشگاه رم (CDR) ادعا می کند که یک سازمان غیررسمی متشکل از کمتر از صد نفر است که به قول خودش «دانشمندان، مرییان، اقتصاددانان، انسان‌گرایان، صنعتگران و کارمندان دولت بین‌المللی» هستند.

وظیفه نظارت بر تقسیم به مناطق و اتحادیه کل جهان به باشگاه رم سپرده شد.

نتیجه‌گیری و توصیه‌های باشگاه هر از گاهی در گزارش‌های ویژه و کاملاً محرمانه منتشر می‌شود که برای اجرا به نخبگان قدرت ارسال می‌شود. در 17 سپتامبر 1973، باشگاه یکی از این گزارش‌ها را با عنوان مدل اقتباس شده توسط مناطق نظام حکومتی جهان ارسال کرد.

این سند نشان می دهد که باشگاه جهان را به ده منطقه سیاسی/اقتصادی تقسیم کرده است که آنها را "پادشاهی" می نامد. منبع: Rumbo a La Ocupación Mundial. صفحات 60، 61. 60 (تاکید و تأکید اضافه شده است).

وقتی نتیجه کار آنها را می بینیم، تحت تأثیر قرار می گیریم، زیرا دقیقاً با آنچه از طریق مجسمه دانیال پیشگویی شده بود، مطابقت دارد. جهان به ده منطقه سیاسی-اقتصادی به نام «پادشاهی» تقسیم شد:



فیگور - تقسیم جهان توسط باشگاه رم (1973)

فونته: کتاب «به سوی اشغال جهانی»

همانطور که روی نقشه می بینیم، امروزه می توانیم چندین مورد از این پادشاهی ها را شناسایی و شناسایی کنیم. اتحادیه اروپا (شماره 2 روی نقشه) که قبلاً دارای دولت و پارلمان است و مرکوسور (6) نمونه هایی هستند. ما در حال حاضر وارد زمان ده انگشت هستیم - صحنه های پایانی تاریخ این زمین. این دولت جدید قبلاً یک نام مستعار دارد: "نظم جدید جهانی". این موضوع در چندین روزنامه منتشر شده است:

رهبران اروپایی خواستار نظم اقتصادی جدید جهانی هستند 18 اکتبر 2008، 09:15 صبح پاریس - (AP) این ایده جاه طلبانه است. رهبران جهان و مشاوران رئیس جمهور منتخب آمریکا پیش از پایان سال جاری در نیویورک دیدار خواهند کرد تا چشم انداز جدیدی را برای اقتصاد جهانی ترسیم کنند.

رهبران خواستار نظم نوین جهانی هستند

منتشر شده در | 1387/11/06 آندره لوکمن، با آژانس ها

رهبران جهان دیروز با باراک رئیس جمهور منتخب ایالات متحده تماس گرفتند

اوباما به ساختن نظم نوین جهانی کمک می کند.

منبع: [www.gazetadopovo.com.br/mundo/conteudo.phtml?tl=1&id=825254&tit=Lideres-pedem-nova-order-mundial](http://www.gazetadopovo.com.br/mundo/conteudo.phtml?tl=1&id=825254&tit=Lideres-pedem-nova-order-mundial)

در تاریخ 2010/06/22 (تأیید شده است) مشاهده شده است.

انسان تر

لولا ایجاد نظم اقتصادی جدید جهانی را پیشنهاد می کند

خبرگزاری فرانسه 11/11/2008 -



جورجیو ناپولیتانو رئیس جمهور ایتالیا دیروز در رم از لوئیژ ایناسیو لولا داسیلوا رئیس جمهور برزیل پذیرایی کرد.

رم- رئیس جمهور برزیل، لوئیژ ایناسیو لولا داسیلوا، دیروز در رم توسط رئیس جمهور جمهوری ایتالیا، جورجیو ناپولیتانو، خواهان ایجاد "نظم اقتصادی جدید جهانی" شد. «بحران مالی کنونی فرصت فوق العاده‌ای را برای ما ایجاد می‌کند تا درباره اشتباهات تأمل کنیم و نظم جهانی جدیدی ایجاد کنیم...» (تاکید شده است)

## تولد نظم جدید



بی بی سی برزیل 03/30/2009 -

پس از طوفان، ما منتظر آرامش هستیم... پس از یک آتش سوزی تقریباً نابود شد نظام مالی بین‌المللی، در بحرانی که از سال 2007 آغاز شد، معماران در حال حاضر روی ساختار جدیدی کار می‌کنند... رهبران 20 اقتصاد اصلی جهان این هفته در لندن با مأموریت آغاز ایجاد یک اقتصاد جدید ملاقات می‌کنند. نظم و سیاست جهانی، جایگزین آنچه پس از جنگ جهانی دوم پدیدار شد. بسیاری از شکاکان تردید دارند که برای مقابله با مشکلات کنونی اقتصاد بیش از یک تعهد نامه دوستانه به دست آید. اما چندین رهبر در جهان توسعه یافته در حال حاضر اذعان می‌کنند: زمانی که کشورهای ثروتمند تصمیم گرفتند آینده جهان را بگیرند به پایان رسیده است.

این همان چیزی است که گوردون براون، نخست وزیر بریتانیا، که قبل از پذیرایی از همکاران گروه 20 در پایتخت خود از برزیل و شیلی دیدن کرد، گفت. منبع: بی بی سی برزیل (تاکید شده است).

طبق پیشگویی دانیال، ده پادشاهی نظم نوین جهانی توسط پادشاهان اداره خواهند شد. هنگامی که این دولت جدید تأسیس شود، جهان منتظر بزرگترین رویداد تمام دوران خواهد بود:

«اما در روزگار این پادشاهان، خدای آسمان پادشاهی را برپا خواهد کرد که هرگز نابود نخواهد شد. این پادشاهی به قوم دیگری منتقل نخواهد شد. او همه این پادشاهی ها را در هم خواهد شکست، اما خودش تا ابد خواهد ماند، همانطور که دیدی چگونه سنگی بدون دست از کوه بریده شد و آهن، برنز، خشت، نقره و طلا را خرد کرد. خدای بزرگ آنچه را که در آینده خواهد بود به پادشاه اعلام کرد. خواب مسلم است و تعبیرش وفادار است.» دانیال 2:44 و 45

پادشاهی که در روزهای ما توسط خدا برپا خواهد شد با یک سنگ نشان داده شده است. کتاب مقدس می گوید: "و سنگ مسیح بود." اول قرنتیان 10:4 این واقعیت که دانیال سنگ را دید که «بدون کمک دست» پرتاب می‌شود، نشان می‌دهد که مسیح برای دومین بار، بدون کمک انسان، به زمین می‌آید - او فرستاده خدا، پدرش خواهد آمد. چه زمانی این اتفاق خواهد افتاد؟

پیشگویی می گوید: «در ایام این پادشاهان، الان داریم به این روزها می رسیم. بنابراین ما در زمان ظهور دوم عیسی هستیم. مسیح در حال بازگشت است! نبوت همچنین گزارش می دهد که وقتی او به این زمین می آید چه خواهد شد:

او آهن، برنز، خشت، نقره و طلا را خرد کرد.» دانیال 2:44

تمام قسمت های مجسمه خرد و تخریب شد. همانطور که قبلاً دیدیم، بخش‌های مجسمه نمایانگر پادشاهی‌های مختلفی است که بر روی این زمین، در این دنیای گناه، طلوع خواهند کرد. اما سنگ، مسیح عیسی، هنگامی که او بیاید، تمام پادشاهی های برپا شده در این دنیای گناه را نابود خواهد کرد. خداوند می فرماید:

«زیرا اینک، من آسمان‌های جدید و زمینی جدید می‌آفرینم. و هیچ خاطره ای از آن باقی نخواهد ماند چیزهای گذشته هرگز خاطره ای از آنها باقی نخواهد ماند.» اشعیا 65:17

به زودی شاهد تحقق این سخنان خواهیم بود. تاریخ این دنیای گناه به زودی به پایان می رسد. به زودی عیسی مسیح برای دومین بار به این زمین خواهد رسید تا کسانی را که برای ملاقات با او آماده شده اند جستجو کند. آیا آماده ای؟ آیا تا به حال خود را بدون قید و شرط به عیسی داده اید؟ آیا او را به عنوان نجات دهنده پذیرفتید؟ آیا تمام گناهان خود را نزد او برده ای؟

او مشتاق پذیرایی از شما، با رحمت و مغفرت است. می گوید: هر که نزد من بیاید هرگز بیرون نمی کنم. یوحنا 6:37 امروز در حالی که وقت هست، می توانید تصمیم بگیرید که از او پیروی کنید و از طریق دعا و مطالعه کلام او راهنمایی بخواهید.

به این ترتیب، او شما را آماده می کند، و شما می توانید با آغوش باز از او استقبال کنید، هنگامی که او به این زمین رسید.

## فصل 2

### دانیل - 7 رؤیای چهار حیوان و دادگاه بهشت

وقتی می‌بینیم که وقایع تاریخ دقیقاً همان چیزی را که خدا از طریق مجسمه‌ای که به نبوکدنصر و دانیال نبی داده بود محقق کرد، متوجه می‌شویم که تمام وقایع تاریخ، ظهور و سقوط پادشاهی‌ها به دست خدا کنترل می‌شود. که هیچ چیز روی زمین بدون اجازه او اتفاق نمی‌افتد.

نبوت فصل 2 دانیال که در فصل قبل مورد مطالعه قرار گرفت، تنها مکاشفه‌ای نبود که خدا به دانیال نبی داد. در فصول دیگر کتابی که نام او را یدک می‌کشد، پیشگویی‌هایی می‌یابیم که جانشینی و سقوط پادشاهی‌ها را از آن زمان تا زمان ظهور دوم عیسی نشان می‌دهد. فصل 7 یک مثال است. اکنون آن را مطالعه خواهیم کرد. مطالعه را با خواندن آیه اول آغاز می‌کنیم:

دانیال در اولین سال سلطنت بلشصر پادشاه بابل، در حالی که بر بستر خود بود، رویا و رؤیاهایی در مقابل چشمان خود دید. او بلافاصله خواب را نوشت و مجموع همه چیز را گزارش کرد. «دانیال 1:7

دانیال این رؤیا را در زمانی که "بلشصر پادشاه بابل" در قدرت بود دید - بنابراین، در زمان امپراتوری بابل. هیچ چیز تصادفی در کلام خدا یافت نمی‌شود. اگر به پیامبر الهام کرد که این رؤیا را در این زمان دید، به این دلیل است که این اطلاعات به بندگان خدا کمک می‌کند تا آن را درک کنند. این آیه همچنین می‌گوید که دانیال «بی‌ادرنگ خواب را نوشت و آنچه را دید گزارش داد». آنچه در ادامه خواهیم خواند زمانی نوشته شده است که امپراتوری بابل هنوز قدرت را در دست داشت.

دانیال سخن گفت و گفت: من در رؤیای شبانه خود می‌نگریستم و اینک، چهار باد آسمان دریای بزرگ را به هم ریخت. چهار حیوان بزرگ و متفاوت از دریا بیرون آمدند. «دانیال 3، 2:7

وقتی خدا به دانیال نشان داد که «چهار باد آسمان دریای بزرگ را به حرکت درآوردند»، او انتظار نداشت که دانیال آنچه را که به معنای واقعی کلمه دیده است بفهمد. همانطور که مجسمه در دانیال 2 نمادین است، چهار بادی که دریا را به حرکت درآوردند نمادهایی هستند که چیزی را نشان می‌دهند. کتاب مقدس منظور آنها را توضیح می‌دهد:

"دروازه‌بانان بر چهار باد بودند: به سمت شرق، به غرب، به سمت شمال و به سمت جنوب." اول تواریخ 9:24

چهار باد نماد چهار جهت است: "شرق، غرب، شمال و جنوب". چهار باد "دریای بزرگ را به هم ریخت". دریا مجموعه بزرگی از آب است، و کتاب مقدس نشان می‌دهد که آب‌ها نشان دهنده مردم هستند:

و او به من گفت: آبهایی که دیدی، جایی که فاحشه نشسته است، قوم‌ها، جماعت، ملت‌ها و زبان‌ها هستند. مکاشفه 17:15

بنابراین، دریای بزرگ، که مجموعه‌ای از آب است، توسط دانیال دیده می‌شود، نشان دهنده انبوهی از مردم، ملت‌ها و زبان‌های روی زمین است. چهار باد که دریای بزرگ را به هم می‌زند، نشان دهنده‌ی مردم و ملت‌های مناطق مختلف زمین است که علیه یکدیگر قیام می‌کنند. بادهایی که آب‌ها را تکان می‌دهند، سناریوی درگیری بین ملت‌ها را توصیف می‌کنند - جنگ. در این سناریو، دانیال دید که "چهار حیوان بزرگ، متفاوت از یکدیگر، از دریا بیرون آمدند". معنای آنها بعداً در خود باب آشکار می‌شود:

من به یکی از کسانی که در آن نزدیکی بودند نزدیک شدم و از او حقیقت را در مورد همه اینها جویا شدم. پس به من گفت و تعبیر چیزها را به من گفت: این حیوانات بزرگ که چهار نفر هستند، چهار پادشاه هستند که از زمین برخوانند خاست. دانیال 17، 16:7

چهار حیوان نشان دهنده پادشاهان امپراتوری هایی هستند که از طریق آن به قدرت رسیده اند از جنگ فتح در ادامه گزارش، حیوانات معرفی می شوند:



«اولین مثل شیر بود و بالهای عقاب داشت، چون نگاه کردم بالهایش کنده شد، از زمین بلند شد و مانند انسان روی دو پا ایستاد و به او فکر کرد. یک مرد.»

دانیال 7:4

کدام پادشاه از طریق این نمادگرایی توصیف شد؟ خود کتاب دانیال به ما آشکار می کند:

«در حالی که پادشاه هنوز صحبت می کرد، صدایی از آسمان نازل شد: ای نبوکدنصر پادشاه به تو گفته می شود: پادشاهی از دست تو گذشته است. تو از میان مردم اخراج خواهی شد و خانه تو با حیوانات صحرا خواهد بود. و شما را مانند گاو گیاهان خواهند خورد و هفت بار بر شما خواهد گذشت تا بدانید که خداوند متعال بر پادشاهی مردم حکومت می کند و آن را به هر که بخواهد می دهد. در همان لحظه، کلام نبوکدنصر برآورده شد. و از میان مردم رانده شد و شروع به خوردن علف کرد، و بدنش از شبنم بهشت خیس شد، تا اینکه موهایش مانند پرهای عقاب و ناخن هایش مانند ناخن پرندهگان رشد کرد. اما در پایان آن روزها، من، نبوکدنصر، چشمان خود را به آسمان بلند کردم، و فهم دوباره به سوی من آمد، و خداوند متعال را برکت دادم، و او را که تا ابد زنده است، سلطنتش جاودانی و پادشاهی از نسلی به نسل دیگر است.» دانیال 34-31: 4

جمله ای از بهشت در مورد نبوکدنصر بیان شد و سپس او درک خود را از دست داد و شروع به خوردن گیاهان مانند حیوانات کرد. سپس «موهایش مانند پرهای عقاب و ناخنهایش مانند ناخن پرندهگان رشد کرد». پس از مدتی، او گفت: "درک دوباره به من رسید." این نشان می دهد که او یک بار دیگر یک دلیل داشته است، یک "ذهن" مانند یک مرد. این واقعیت با ویژگی شیری که در دانیال 7 دیده شده است مطابقت دارد: "او مانند مردان ساخته شد و به او فکر یک انسان داده شد." می بینیم که توصیف اولین حیوانی که دانیال در فصل 7 دید با ویژگی های پادشاه نبوکدنصر مطابقت دارد. قبلاً در فصل قبل دیدیم که نبوکدنصر پادشاه امپراتوری بابل بود. او و پادشاهی که او بر آن حکومت می کرد، بابل، با شیر بالدار که در دانیال 7 دیده می شود، نشان داده می شوند.

در فصل 2 دانیال، پادشاهی بابل، اولین امپراتوری جهانی، با سر طلایی مجسمه نشان داده شد. طلا با ارزش ترین فلزات است. پیش از این در فصل 7، پادشاهی بابل توسط شیری که پادشاه حیوانات در نظر گرفته می شود نشان داده شده است (ر.ک. قضات 14:18؛ امثال 30:30؛ عاموس 3:8) توجه داشته باشید که، در حالی که در فصل 2، بابل توسط رئیس فلزات، در فصل 7 توسط رئیس حیوانات نماینده بود. در هر دو فصل، بابل به عنوان برترین امپراتوری های جهان معرفی شد. اما در هر فصل از طریق نمادهای مختلف انجام می شد. حیوان در رؤیای دانیال 7 مکاشفه ای مشابه با سر طلایی فصل 2 است. تفاوت در این بود که در دانیال 7 جزئیاتی از بابل ارائه شده است که در نمادگرایی مجسمه دانیال 2 آورده نشده بود.

برای مثال، در دانیال 7 آشکار می شود که اولین پادشاه بابل مانند حیوان می چرید و سپس ذهن یک مرد را دریافت می کرد. و این از طریق مجسمه در فصل 2 آشکار نمی شود. همچنین از طریق نماد "بالهای شیر" آشکار می شود که بابل جهان را با سرعت زیادی فتح خواهد کرد. این جزئیات همچنین در نماد دانیال 2 آشکار نمی شود. می بینیم که فصل 7 مکاشفه فصل 2 را تکرار کرد، اما معنای رؤیا را گسترش داد - جزئیات بیشتری را ارائه کرد که قبلاً ارائه نشده بود. وحی همان است، اما اطلاعات اضافه می شود. بنابراین، همانطور که مطالعه فصل 7 دانیال را ادامه می دهیم، می توانیم در نظر بگیریم که در این رؤیا، خدا همان مکاشفه ای را در مورد امپراتوری های جهانی ارائه شده در دانیال 2 ارائه می کند، اما جزئیاتی را اضافه می کند که قبلاً ارائه نشده بود.

بنابراین، اجازه دهید به خواندن دانیال 7 ادامه دهیم:



"به نگاه کردن ادامه دادم و دیدم حیوان دوم مانند خرس است که از یک طرف ایستاده است، در دهانش، بین دندان هایش، سه دنده داشت و به او گفتند: برخیز، بسیار ببلع. گوشت."

دانیال 7:5

آیه ذکر شده نشان می دهد که پیامبر (ص) «حیوان دوم» را دید. قبلاً دیدیم که نماد "حیوان" نشان دهنده "امپراتوری" است. این حیوان دوم نشان دهنده امپراتوری دوم است که پس از بابل خواهد بود.

شیر نماینده بابل بود. بنابراین "حیوان دوم" نشان دهنده امپراطوری است که پس از آن است. همانطور که قبلاً در نبوت دانیال، فصل 2 مطالعه کردیم، امپراتوری پس از بابل، امپراتوری ماد و پارس بود.

دانیل دید که "خرس... ایستاد." "قیام" خرس نشان دهنده به قدرت رسیدن امپراتوری ماد و پارس است. این پیشگویی می گوید که خرس "در یک طرف" ایستاده است. بدیهی است که خرس دو طرف داشت، اما پیامبر خاطر نشان کرد که روی «یکی» از آنها ایستاده است. ظاهراً این تفصیل معنایی دارد. تاریخ نشان می دهد که این امپراتوری از اتحاد دو قوم - مادها و پارس ها - تشکیل شده است.

همانطور که خرس دو طرف داشت، امپراتوری نیز از اتحاد دو قوم تشکیل شده بود. هر طرف خرس نشان دهنده یکی از این موارد است. این واقعیت که پیامبر مشاهده کرد که خرس در «یکی» از طرفین قیام کرد، نشان می دهد که وقتی امپراتوری ماد برخاست و بابل را شکست داد، تنها نماینده «یکی» از این افراد بود که حکومت را به دست گرفت. امپراتوری اگرچه مادها و پارس ها امپراتوری را تشکیل می دادند، اما تنها نماینده یکی از این دو قوم حکومت را به دست می گرفت. ما شرح تحقق نبوت را در دانیال فصل 5 می یابیم:

«پرز: پادشاهی شما تقسیم شد و به مادها و پارسیان داده شد... در همان شب، بلشصر، پادشاه کلدانیان، کشته شد. و داریوش مادها، حدود شصت و دو ساله، پادشاهی را در اختیار گرفت.» دانیال 5:28-31

خرسی که توسط دانیال دیده شد، که نماینده ماد و پارس بود، در یک طرف ایستاد، یعنی از طریق نماینده یکی از مردم - داریوش، مادها - به قدرت رسید.

دانیال دید که خرس 3 «دنده» در دهان داشت (دانیال 5:7). آنها این تصور را منتقل می کنند که متعلق به حیواناتی است که او بلعیده است. قبلاً دیدیم که در نبوت یک حیوان نشان دهنده یک امپراتوری، یک ملت است. بنابراین، سه دنده خرس نشان دهنده سه ملتی بود که توسط مادها و پارس ها شکست خواهند خورد.

تاریخ نشان می دهد که در واقع مادها و پارس ها برای تحکیم قدرت خود سه فتح بزرگ انجام دادند - بابل، لیبی و مصر.

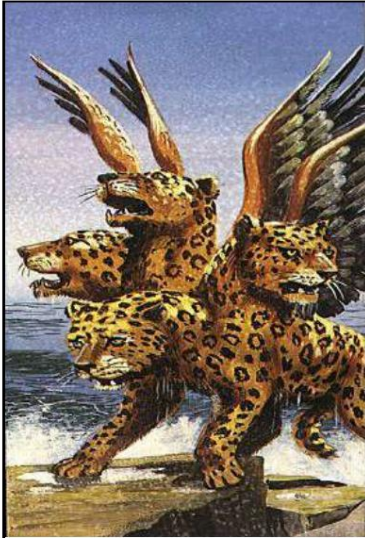
پیامبر همچنین دید که به خرس گفته شد: برخیز، گوشت زیاد بخور. این عبارت نشان می دهد که مادها و پارس ها سلطه خود را از طریق نبردهای زیادی گسترش می دهند. تاریخ نشان می دهد که در واقع مادها و پارس ها بر قلمروی بزرگتر از قلمرو تحت سلطه امپراتوری بابل تسلط داشتند.

این گسترش بیشتر امپراتوری او از طریق جنگ ها به دست آمد. هنگامی که خداوند از پادشاه آهاشورش، از امپراتوری مادها و پارس صحبت می کند، در کلام خود گزارشی به جا گذاشته است که تصویری از گستردگی آن را بیان می کند. در کتاب استر آمده است:

«در ایام آهاشورش، آهاشورش که از هند تا اتیوپی بر صد و بیست و هفت استان سلطنت می کرد... ضیافتی برای همه شاهزادگان و خادمانش برگزار کرد که در آن نخبگان ایران و ماد نماینده بودند.» 3، 1:1

هند و اتیوپی نمایانگر نقاط افراطی جهان شناخته شده در آن زمان بودند. این واقعیت که کتاب مقدس گزارش می دهد که آهاشورش، پادشاه امپراتوری ماد، حتی بر این مناطق سلطنت می کرد، تأیید می کند که قلمرو گسترده بوده و عملاً به تمام جهان شناخته شده در آن زمان رسیده است. ما به شرح رؤیای دانیال 7 ادامه می دهیم:





پیشتر، آیین و حیواناتی که در کتاب چهار پهلوان پادشاه یونان به او فرمانروایی داده شد.

دانیال 7:6

تا اینجا، دیدیم که اولین و دومین حیوانی که دانیال در فصل 7 دید، نشان دهنده همان پادشاهی است که نماد دو قسمت اول مجسمه است. ترتیب حیواناتی که توسط دانیال دیده می شود از ترتیب مکاشفه داده شده توسط قسمت های مجسمه در دانیال 2 پیروی می کند. بنابراین، طبیعی است که ما درک کنیم که این سومین حیوانی که دانیال در فصل 7 دیده است، «شبییه پلنگ است». «نمایانگر همان پادشاهی است که نماد قسمت سوم مجسمه - شکم برنز - یونان بود.

ما جدولی را در زیر ارائه می کنیم که به ما کمک می کند تا آنچه را که توضیح می دهیم بهتر تجسم کنیم:

بخشی از مجسمه - دانیال 2		پادشاهی - دانیال 2
سر طلایی		لویلیان حیوان - شیر
سینه و بازوهای نقره ای		علیو افرا دیوم - خرس
شکم برنز		یویولان سوم - پلنگ

در کتاب دانیال متوجه می شویم که خود فرشته جبرئیل به دانیال چه چیزی را آشکار می کند این پادشاهی بود که از ماد پیروی می کرد:

و گفت: آیا می دانی چرا نزد تو آمدم؟ من دوباره با شاهزاده می جنگم

از پارسیان؛ و چون بیرون می روم، اینک شاهزاده یونان خواهد آمد. «دانیال 10:20»

فرشته اعلام کرد که با شاهزاده «پارسیان» مبارزه خواهد کرد. بدین ترتیب او ذهن دانیال را به زمان امپراتوری ماد سوق داد. سپس گزارش داد که پس از جنگ با شاهزاده ایرانیان چه خواهد شد: «وقتی من رفتم... شاهزاده یونان خواهد آمد». او سومین پادشاهی است که توسط پلنگ نمایندگی می شود.

دانیال دید که پلنگ «چهار بال پرند بر پشت داشت». ما قبلاً مطالعه کرده ایم که بال ها نشان دهنده سرعت هستند. این واقعیت که پلنگ دارای چهار بال است به این معنی است که پادشاهی نماد آن - یونان - با سرعت زیادی کل امپراتوری را فتح کرد.

در واقع، تاریخ به ما نشان می دهد که یونانی ها به رهبری ژنرال اسکندر مقدونی در حدود ده سال تمام امپراتوری جهانی مادها و پارس را فتح کردند.

فتح کل جهان در ده سال شگفت انگیز است. داستان محقق شد، در

تمام جزئیات آن، درست همانطور که خدا آن را از طریق نمادها به دانیال نشان داده بود. تحقق دقیق نبوت نشان می دهد که خداست که از ابتدا غایت را می داند و اوست که با دست توانای خود حوادث زمین را هدایت می کند.

این رؤیا همچنین نشان داد که این حیوان "چهار سر" دارد. اسکندر مقدونی، ژنرال یونانی که آنها را برای فتح امپراتوری رهبری کرد، در سن 33 سالگی در سن 33 سالگی درگذشت. پس از مرگ او، مبارزات سیاسی رخ داد و سرانجام امپراتوری به چهار بخش تقسیم شد، بین چهار ژنرال، که نام آنها بود.

آنها بودند:

- کاساندر؛
- لیسیماکوس؛
- سلوکوس؛
- بطلمیوس

یک بار دیگر می بینیم که تاریخ دقیقاً آنچه را که از طریق نماد پیشگویی شده بود تحقق بخشید.

توجه داشته باشید که دانیال همچنین در مورد پادشاهی که پلنگ نماینده آن است گفت: «سلطنت به او داده شد.» بعداً در کتاب دانیال می بینیم که خود جبرئیل به پیامبر می گوید که پادشاهی که به دنیال ماد و پارس (یونان) می آید، پادشاهی است که با سلطه عظیمی سلطنت می کند:

«اکنون من حقیقت را به شما اعلام خواهم کرد: اینک، سه پادشاه دیگر در ایران برمی خیزند و چهارمی از همه ثروت های فراوان پر خواهد شد. و با ثروت خود قوی شده، همه چیز را علیه پادشاهی یونان به کار خواهد گرفت. آنگاه پادشاهی قدرتمند برخاست و با فرمانروایی عظیم سلطنت خواهد کرد.» دانیال 3، 2: 11

فرشته به دانیال گزارش داد که «سه پادشاه» همچنان برمی خیزند، یعنی در «پارس»، در امپراتوری مادها و پارس سلطنت می کنند. پادشاه چهارم "از همه چیز علیه پادشاهی یونان استفاده خواهد کرد." این سخنان نشان می دهد که ماد و پارس علیه یونان جنگ خواهند کرد. اما چه کسی از این نبرد پیروز بیرون می آید؟ تاریخ نشان می دهد که یونان در جنگ ماد و پارس را شکست داد. سپس فرشته در مورد برنده نبرد یونان صحبت می کند: "بعد" یعنی پس از این جنگ "پادشاهی قدرتمند برمی خیزد که با سلطه ای عظیم سلطنت خواهد کرد". ما در اینجا تأیید می کنیم که یونان امپراتوری است که توسط پلنگ نشان داده می شود و به آن «سلطه» داده می شود (دانیال 6: 17: اکنون به مطالعه چشم انداز فصل 7 می پردازیم:



«بعد از این، در رؤیاهای شبانه نگاه می‌کردم، و اینک وحش چهارم، وحشتناک، ترسناک، و بسیار نیرومند، که دندان‌های آهنی بزرگی داشت، می‌بلعد و پاره می‌کند، و آنچه را که باقی مانده بود زیر پا می‌پاشد. تمام حیواناتی که پیش از آن ظاهر شدند و ده شاخ داشت.»

دانیال 7:7

این حیوان چهارم چه کسی را نشان می‌دهد؟ تشخیص آن کار سختی نیست. تا اینجا دیدیم که هر یک از حیواناتی که پیامبر مشاهده می‌کند، به ترتیبی که ظاهر می‌شوند، نمادی از امپراتوری‌های جهانی است که در قدرت جهانی جانشین یکدیگر شدند. اولین حیوان نشان دهنده اولین امپراتوری - بابل بود. حیوان دوم نماینده ماد و پارس بود، امپراتوری که پس از بابل بود. نفر سوم نماینده یونان بود که پس از ماد و پارس بود. حیوان چهارم باید نشان دهنده قدرتی باشد که سومین را به دنبال داشت - یونان. در مطالعه پیشگویی دانیال، 2 دیدیم که روم از یونان پیروی کرد. بخشی از بدن چهارمین حیوانی که دانیال در فصل 7 مشاهده کرد به ما اجازه می‌دهد تا این موضوع را تأیید کنیم. پیامبر فرمود که «دندان آهنین» دارد. "آهن" ماده ای بود که پایه های مجسمه در دانیال 2 را تشکیل می‌داد و نشان دهنده چهارمین پادشاهی است که روی زمین خواهد بود - روم: "پادشاهی چهارم مانند آهن قوی خواهد بود. زیرا آهن همه چیز را می‌شکند و تکه تکه می‌کند." دانیال، 2:40.

به دنبال فصل 7 دانیال، میل نبی به درک نماد این حیوان چهارم بهتر است:

"سپس من مشتاق دانستم حقیقت را در مورد حیوان چهارم، که با تمام حیوانات دیگر متفاوت بود، بسیار وحشتناک، دندان هایش آهنی، ناخن هایش از جنس برنز، که می بلعید، پاره پاره می شد و زیر پاهایش هر چه زیاد بود، لگدمال می کرد. و همچنین در مورد ده شاخ که بر سر داشت و دیگری که بالا رفت و سه شاخ پیش از آن افتاد، آن شاخ که چشم داشت و دهانی که گستاخی می کرد و از اصحابش قوی تر به نظر می رسید. نگریستم و اینک این شاخ با مقدسین جنگ کرد و بر آنان چیره شد تا آنگاه که قدیم الایام آمد و قدیسان حق تعالی را داد. و زمانی فرا رسید که مقدسین پادشاهی را تصاحب کردند." دانیال 19-22: 7

ما قبلاً می دانیم که حیوان چهارم نشان دهنده پادشاهی روم بت پرست است. با این حال، ما هنوز معنای نمادهای ده شاخ که روی جانور دیده می شود و شاخ کوچک را مطالعه نکرده ایم. ما مانند دانیال هستیم که مشتاق دانستن «حقیقت در مورد چهارمین جانور نمادین» هستیم. در آیات بعدی توضیحاتی را که فرشته داده است می خوانیم:

«سپس گفت: وحش چهارم، پادشاهی چهارم روی زمین خواهد بود که با همه پادشاهی ها متفاوت خواهد بود. و تمام زمین را خواهد بلعید و زیر پاهایش خواهد پاشید و تکه تکه خواهد کرد.» دانیال 7:23

طبق دستور پادشاهی که خداوند از طریق مجسمه از دانیال، 2، جانشینی پادشاهی ها عبارتند از:

پادشاهی	بخشی از مجسمه	پادشاهی
1	سر طلایی	بابل
2	سینه و بازوهای نقره ای	ماد-فارس
4	شکم برنز	یونان
3	پاهای آهنی	رم

فرشته وقتی می گوید چهارمین حیوانی که در دانیال 7 دیده می شود، پادشاهی چهارم روی زمین است، به امپراتوری روم اشاره می کند. در ادامه متن، فرشته معنای شاخ هایی را که روی حیوان چهارم دیده می شود، توضیح می دهد:

«ده شاخ مربوط به ده پادشاهی است که از همان جا برمی خیزند پادشاهی» دانیال 7:24

فرشته گفت که ده شاخ مربوط به «ده پادشاه» است که «از همان پادشاهی» یعنی از پادشاهی روم برمی خیزند. زمانی که حیوان هنوز وجود داشت، شاخ ها جدا شدند. آنها نشان دهنده پادشاهی هایی هستند که پس از وجود امپراتوری روم به قدرت می رسند. بنابراین، می دانیم که ده شاخ نمایانگر ده پادشاهی است که زمانی که روم در قدرت بود، پدیدار می شد. تاریخ نشان می دهد که امپراتوری روم با اقدام ده قبیله بربر از هم پاشیده شد که عبارتند از:

نام های فعلی	مردمان بربر
انگلیسی	آنگلوساکسون ها
آلمانی ها	آلامانوس
فرانسوی	فرانک ها

بورگوندی ها	سوئیس
لومباردها	ایتالیایی ها
ویزیگوت ها	اسپانیایی
سوابی ها	پرتغالی
هرکول	منقرض شده
خرابکاران	منقرض شده
استروگوت ها	منقرض شده

این ده قبیله بربر افرادی هستند که در زمان وجود امپراتوری روم، همانطور که پیشگویی پیش‌بینی شده بود، قیام کردند و با جنگ آن را از بین بردند. این افراد باعث پیدایش کشورهای شناخته شده اروپای امروزی مانند انگلستان، آلمان، سوئیس، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال شدند.

توجه داشته باشید که از ده قوم فوق، سه قوم در حال حاضر منقرض شده اند: "هرولی ها، ویزیگوت ها و استروگوت ها". چه بر سر این افراد آمده است؟ فرشته قبلاً گفته بود که در دانیال 7 چه اتفاقی برای آنها می افتد. ادامه داستان را می خوانیم:

«و بعد از آنها [ده شاخ] دیگری برمی‌خیزد که با شاخ متفاوت خواهد بود  
اول، و سه پادشاه را سرنگون خواهد کرد.» دانیال 7:24

شاخ کوچکی که بلند می شد، سه نفر از ده نفری را که ده شاخ حیوان نشان می دادند، سلاخی می کرد. اینها دقیقاً همانهایی هستند که امروزه منقرض شده اند: "هرولی ها، وندال ها و استروگوت ها". باید دید قدرتی که "شاخ" کوچک نشان می دهد چه کسی بوده است. به دنبال شرح دانیال 7، فرشته شرحی از آنچه این شاخ کوچک انجام می داد را ارائه می دهد. با تجزیه و تحلیل این آیه، می توان قدرت نمادین این شاخ را تشخیص داد:

«[شاخ] سخنانی علیه حق تعالی خواهد گفت، قدیسان حق تعالی را غمگین خواهد کرد، و در پی تغییر زمانه و شریعت خواهد بود. و قدیسان برای مدتی، دو بار و نیم وقت به دست او تسلیم خواهند شد.» دانیال 7:25

شاخ قدرتی است که «اولیای حق تعالی را غمگین می‌کند». تاریخ قدرتی را به ما عرضه می‌کند که میلیون‌ها قدیس حق تعالی را به نام دین، از طریق چوبه‌دار، گیوتین، چوب و شکنجه‌هایی که در قرون وسطی انجام می‌شد، کشت. از طریق «تفتیش عقاید مقدس»، پاپ دانشجویان کتاب مقدس را به مرگ محکوم کرد.

او آنها را بدعت گذار نامید، زیرا آنها با آموزه های مردانی که توسط او تعلیم داده شده مطابقت نداشتند. او با عمل خود، پیشگویی را در مورد شاخ کوچک محقق کرد: "او اولیای حق تعالی را آزار داد".

فرشته همچنین گفت که قدرتی که بوسیله شاخ نمایش داده می‌شود، «به تغییر زمان و قانون رسیدگی می‌کند». روز، یعنی «زمانی» که خداوند برای استراحت تعیین کرده، شنبه است:

«روز سبت را نگه دارید تا آن را مقدس نگه دارید، چنانکه یهوه خدایت به شما امر فرموده است. شش روز کار خواهید کرد و تمام کارهای خود را انجام خواهید داد. اما روز هفتم، سبت یهوه خدای شماست. هیچ کاری نکن، نه تو، نه پسترت، نه دخترت، نه غلامت، نه کنیزت، نه گاو، نه الاغت و نه هیچ حیوانی.

نه مال تو و نه خارجی در دروازه هایت، تا غلام و کنیزت مثل تو آرام بگیرند.» تثنیه 12-14: 5

با این حال، پاپ ادعا می کند که این قدرت را دارد که روز استراحتی را که خداوند تعیین کرده است، یعنی سبت، تغییر دهد و «یکشنبه» را به جای آن قرار دهد. وی در ادامه اعلام می کند که یکشنبه توسط او نهادینه شده است و این تغییر نشانه اقتدار اوست. طبق آنچه کلیسای او فرمان می دهد، کسانی که یکشنبه را برگزار می کنند، اقتدار او را می شناسند: «شما می توانید کتاب مقدس را از پیدایش تا مکاشفه بخوانید و حتی یک خط را پیدا نمی کنید که تقدس روز یکشنبه را مجاز کند. کتاب مقدس دستور می دهد که روز سبت، روزی که ما هرگز آن را تقدیس نمی کنیم، برگزار شود.» (کاردینال گیبون در ایمان پدران ما، چاپ؛ 1892)

ما یکشنبه را به جای شنبه برگزار می کنیم زیرا کلیسای کاتولیک در شورای لائودیسه (364 پس از میلاد) مراسم رسمی شنبه را به یکشنبه منتقل کرد.  
- (Catechism of Catholic Doctrine The Convert's Catechism of Catholic Doctrine, Reverendo Peter Geierman, p. 50 -  
ویرایش سوم. توجه: این اثر در 25 ژانویه 1910 برکت رسولی پاپ پیوس دهم را دریافت کرد.

«یکشنبه یک نهاد کاتولیک است و رعایت آن فقط با اصول کاتولیک قابل تعریف است. از آغاز تا پایان کتاب مقدس نمی توان یک قطعه را یافت که اجازه دهد عبادت عمومی هفتگی، از آخرین روز هفته به اولین روز هفته تغییر کند.» (چاپ کاتولیک، سیدنی، استرالیا، 25 اوت، 1900)

پاپ نیز تقویم را تغییر داد. تقویم فعلی که ما می شناسیم «تقویم گریگوری» نام دارد و به درخواست پاپ گریگوری ساخته و ایجاد شده است. تا آن زمان، تقویم ژولیانی، توسط امپراتور روم جولیس، به تصویب رسید.

بنابراین، پاپ با "شاخ کوچک" مطابقت دارد که "به تغییر زمان و قانون توجه می کند".

فرشته زمانی را که در طی آن علناً قدیسان را می کشد نشان داد  
بالاترین:

"قدیسان برای مدتی، دو بار و نیم وقت به دست او تسلیم خواهند شد" دان. 7:25

تعبیر «قدیسانها به دست آنها تسلیم خواهند شد» نشان می دهد که پاپ قدرت شکنجه و کشتن مقدسین را دارد. و او این کار را برای "یک زمان، دو بار و نیم زمان" انجام می دهد. با جمع کردن دوره های "زمان" داده شده توسط فرشته، به محاسبه زیر می رسیم:

1 • بار؛

2 • ضربه و ½ • ضربه

مجموعاً سه و نیم بار (3.5 برابر). این یعنی چه مدت؟ در خود کتاب دانیال پاسخ را می یابیم:

«زیرا پادشاه شمال بازخواهد گشت و جمعیتی بیشتر از اولی را به میدان خواهد فرستاد و پس از مدتی، یعنی سالها، با لشکری عظیم به سرعت خواهد آمد.»  
دانیال 11:13

"زمان" معادل "سال" است. سه و نیم بار که توسط فرشته در دانیال ۷ گزارش شده است، بنابراین معادل سه سال و نیم است.

سال یهودی به طور متوسط 360 روز است. بنابراین، مدت 3 سال و نیم که فرشته گزارش کرده است، دارای تعداد روزهای زیر است:

$$\begin{aligned} 360 \text{ روز در } 3 \text{ سال} &= 1080 \text{ روز} \\ 360 \text{ روز} \times 2 &= 180 \text{ روز} \\ \underline{1080 \text{ روز} + 180 \text{ روز}} &= 1260 \text{ روز} \end{aligned}$$

با توجه به اینکه هر سال 360 روز طول می کشد، سه سال و نیم به 1260 روز می رسد روزها.

خدا معیاری را در کتاب مقدس به ما داد و نشان داد که در پیشگویی های الهی، هر کدام روز می تواند نشان دهنده یک دوره زمانی خاص باشد - ببینید در اعداد 14:34 بخوانیم

«به تعداد روزهایی که در زمین جاسوسی کردی، چهل روز، که هر روز یک سال است، چهل سال گناهان خود را متحمل خواهی شد و نارضایتی من را تجربه خواهی کرد.» اعداد 14:34

از متن ذکر شده، با مبنای کتاب مقدس می توان گفت که هر روز یک سال را نشان می دهد. بنابراین، دوره 3 سال و نیم، یا 1260 روزی که فرشته در دانیال 7 داده است، در واقع نشان دهنده 1260 سال است (1260 روز = 3 سال). قدیسان به مدت 1260 سال به پاپ تسلیم خواهند شد. تاریخ نشان می دهد که دقیقاً همین اتفاق افتاده است. در سال 538 پس از میلاد، با فرمان ژوستینیان، اسقف رم قدرت حداکثر قدرت کلیسایی را دریافت کرد. از آن زمان به بعد، پاپ کار تحریک کشورهای کاتولیک را برای جنگ و نابودی مردمانی که با برتری آنها مخالف بودند - هرولی ها، وندال ها و استروگوت ها - آغاز کرد. این افراد شکست خوردند و نابود شدند و بدین ترتیب پیشگویی دانیال 7 محقق شد. پاپ همچنین جنگ های صلیبی و تفتیش عقاید مقدس را برای نابودی قدیسان حضرت اعلی بر عهده گرفت. تنها گناه او این بود که به دنبال پیروی از کلام خدا همانطور که او آن را آشکار کرد.

برتری پاپ تا سال 1798 ادامه داشت، زمانی که ژنرال برتیه، از نیروهای ناپلئون بناپارت، پاپ پیوس ششم را به زندان انداخت. برخی منابع تاریخی مدعی هستند که این پاپ چند ماه بعد سر بریده شده است. سپس قدرت موقت او برای آزار و اذیت و کشتن مقدسین حق تعالی پایان یافت. از سال 538 پس از میلاد، سالی که برتری پاپ آغاز شد، تا سال 1798، زمانی که پاپ پیوس ششم به زندان افتاد و قدرت موقت او قطع شد، دقیقاً 1260 سال گذشت، همانطور که فرشته در دانیال 7 گفت:

1260 سال قدرت پاپ

|-----|

538 1798

ویرایش شده توسط پاپ پیوس ششم

یوستینیانوس زندانی شد و سر برید

فرشته همچنین گزارش می دهد که پس از برتری پاپ چه اتفاقی می افتد:

«اما دادگاه می‌نشیند تا سلطه‌اش را بگیرد، نابودش کند و تا انتها از بین ببرد. پادشاهی و فرمانروایی و عظمت پادشاهی های زیر تمام آسمان به قوم مقدّسین حق تعالی داده خواهد شد. پادشاهی او یک پادشاهی جاودانی خواهد بود و همه حکومت ها او را خدمت کرده و اطاعت خواهند کرد.» دانیال 7:26

در پایان 1260 سالی که پاپ قدیسان را مورد آزار و اذیت قرار می داد، «دادگاه» برای سلب سلطه پاپ تشکیل می شد. ما دیدیم که سلطه موقت پاپ در سال 1798 سلب شد. همانطور که فرشته گفت که دادگاه برای "برداشتن سلطه" پاپ تشکیل خواهد شد، می بینیم که در همان سالی تشکیل شد که سلطه پاپ برگزار شد. در سال 1798 برده شد. این چه دادگاهی بود و او کجا نشسته بود؟ برای یافتن پاسخ، آیات 7 تا 9 را بخوانید:

«همانطور که به شاخها نگاه کردم، اینک یکی دیگر از شاخها در میان آنها بالا آمد که سه شاخ از اولین شاخها در برابر او کنده شد. و اینک در این شاخ چشمانی مانند چشم انسان و دهانی بود که گستاخی می گفت. به نگاه کردن ادامه دادم، تا جایی که تختی گذاشتند و باستانی روزگار نشست. لباس او مانند برف سفید بود و موهای سرش مانند پشم خالص بود. تخت او شعله های آتش بود و چرخ هایش آتش سوزان بودند. نهری از آتش از پیش روی او جاری شد. هزاران هزار نفر او را خدمت کردند و هزاران هزار نفر در برابر او ایستادند. دادگاه نشست و کتاب ها باز شد. بعد داشتم نگاه می کردم، به خاطر صدای کلمات وقیحانه ای که بوق به زبان می آورد. نگاه کردم دیدم آن حیوان کشته شده و جسدش از هم جدا شده و به آتش کشیده شده است. در مورد سایر حیوانات، سلطه آنها سلب شد. با این حال، برای مدتی به آنها تمدید شد.» دانیال 7: 8-12

در آیات قبل، دانیال با گزارش عمل شاخ که نشان دهنده پاپ است، شروع می کند و می گوید که «پیش از» او، «سه شاخ اول کنده شد»، یعنی سه قوم از ده قوم بربر توسط او نابود شدند. عمل او، همانطور که قبلاً دیدیم.

دانیال همچنین می‌گوید که این شاخ که نشان‌دهنده پاپ است، «چشم‌هایی شبیه چشمان یک مرد» داشت، که نشان می‌دهد این قدرتی که توسط شاخ نشان داده می‌شود توسط یک مرد، یک سر، در این مورد، پاپ اداره می‌شود. او همچنین «دهانی داشت که با گستاخی سخن می‌گفت» و نشان می‌داد که پاپ با گستاخی، یعنی با گستاخی نسبت به خدا صحبت می‌کرد. او این کار را با تغییر روز استراحت از شنبه به یکشنبه انجام داد، بنابراین به دنبال تغییر زمانی بود که خداوند برای استراحت تعیین کرده بود، و در عین حال چهارمین فرمان شریعت را که به ننگ داشتن روز سبت دستور می دهد، تغییر داد.

تا اینجا، از روایت دانیال، متوجه می‌شویم که او در رؤیای نبوی، اعمال پاپ را در دوران برتری آن، از سال 538 تا 1798 می‌دید. او سپس گزارش می‌دهد:

«به نگاه کردن ادامه دادم تا اینکه تختها برپا شد و باستانی روزگار نشست. لباس او مانند برف سفید بود و موهای سرش مانند پشم خالص بود. O تخت او شعله های آتش بود و چرخ هایش آتش سوزان بود.» دانیال 7:10

بدیهی است که این صحنه در زمین اتفاق نمی افتد. فقط در بهشت می توان کسی را دید که بر تختی که از شعله های آتشین ساخته شده است نشسته است. او که می نشیند بر روی این تخت از آتش کسی جز خدای پدر نمی تواند باشد



"باستان روزها". بدیهی است که دانیال در این آیه شروع به دیدن چیزهایی کرد که در بهشت اتفاق می افتاد. او به تشریح آنچه در آنجا دیده ادامه می دهد و می گوید:

«نهری از آتش از پیش روی او جاری شد. هزاران هزار نفر او را خدمت کردند و هزاران هزار نفر در برابر او ایستادند. دادگاه نشست و کتاب ها باز شد.» دانیال 7:10

پس از آن که دادگاه در بهشت نشست، چه اتفاقی افتاد؟

«سپس به خاطر صدای کلمات گستاخانه‌ای که شاخ می‌گفت، نگاه می‌کردم. نگاه کردم دیدم آن حیوان کشته شده و جسدش از هم جدا شده و به آتش کشیده شده است. در مورد سایر حیوانات، سلطه آنها سلب شد. با این حال، برای مدتی به آنها تمديد شد.» دانیال 7:11

شاخی که علیه خدا سخنان گستاخانه می گفت، داوری شد. هنگامی که دانیال نگاه کرد، دید که «حیوان را کشتند و جسدش را بریده و به آتش کشیدند.» شاخ نشان دهنده پاپ روی این حیوان دیده می شد که کشته شد. بنابراین این بوق قدرت خود را از دست داد. این مرگ حیوان نشان دهنده پایان برتری پاپ، در سال 1798 است. در آن سال، هنگامی که پاپ پیوس ششم خود دستگیر شد، پاپ دچار یک زخم مرگبار شد، و قدرت زمانی خود را از دست داد.

دانیال همچنین گزارش می‌دهد که چه اتفاقی برای سایر حیواناتی که در نیوت نشان داده شده‌اند می‌افتد: «اما سایر حیوانات، سلطه آنها سلب شد. با این حال، برای مدتی به آنها تمديد شد.» حیوانات دیگری که در دانیال 7 دیده می شوند عبارتند از: شیر که نماینده بابل است. خرس که نماینده مادها و پارسها بود. و پلنگ که نماینده یونان بود. در زمانی که پاپ قدرت خود را از دست داد (سال 1798)، او دید که مردمی که توسط حیوانات دیگر نمایندگی می شوند -

بابلیان مادها و ایرانیان و یونانیان - دیگر بر زمین تسلط نداشتند، به همین دلیل گفت: «سلطنت از آنها سلب شد.» با این حال، دانیال دید که آنها به طور کامل نابود نشده اند، بنابراین او گفت که "به آنها برای یک مدت و مدت طولانی داده شد." تاریخ نشان می دهد که این سخنان محقق شد. بابلی‌ها، مادها، ایرانی‌ها و یونانی‌ها ملت‌هایی را پدید آوردند که اگرچه دیگر آن سلطه جهانی را که امپراتوری‌های بزرگ گذشته داشتند، ندارند، اما تا به امروز وجود دارند. کشورهایی که آنها به آنها سرچشمه گرفته اند عبارتند از:

- بابلی‌ها: عراق
- مادها و پارس‌ها: ایران
- یونانیان: یونان

این کشورها در همان منطقه جغرافیایی این مردمان باستانی قرار دارند.

و در آن زمان، پس از پایان برتری پاپ در سال 1798، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ O پیامبر آیه 13 می فرماید:

«در رؤیاهای شبانه خود می نگریستم و اینک یکی مانند پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم الاپام آمد و او را به خود نزدیک کرد و به او فرمانروایی و جلال داده شد و پادشاهی، تا قومها، قومها و مردم از هر زبانی او را خدمت کنند. فرمانروایی او حکومتی جاودانی است که نمی‌گذرد و سلطنت او هرگز نابود نمی‌شود.» دانیال 14، 7:13

هنگامی که برتری پاپ به پایان رسید، پسر انسان به دوران باستان می آمد. می دانیم که پسر انسان عیسی است. او بارها از خود به عنوان پسر انسان یاد می کرد (خروج: متی 16:28؛ 8:38؛ دانیال دید که او، عیسی، به باستانی ایام خواهد رسید. این باستانی که بر تخت عالم می نشیند، خدا، پدر عیسی است. دانیال دید که عیسی، پس از آمدن نزد پدر، از او «سلطنت و جلال و پادشاهی» دریافت خواهد کرد که قومها، قومها و مردم از هر زبان باید او را خدمت کنند. فرمانروایی او حکومتی جاودانی است که نمیگذرد و سلطنت او هرگز نابود نمی‌شود.» امروزه، سالها از سال 1798 می‌گذرد. پاپ مدتهاست که سلطه موقت خود را از دست داده است. اکنون به زمانی رسیدیم که دانیال عیسی را دید که نزد پدرش می رود تا پادشاهی را دریافت کند. و نبی دید که وقتی این اتفاق افتاد، هنگامی که عیسی پادشاهی را دریافت کرد، آن را به مقدسین حضرت اعلی، به کسانی که او را دوست دارند، داد تا با او سلطنت کنند.

«پادشاهی و فرمانروایی و عظمت ممالک زیر تمام آسمان به قوم مقدسین حق تعالی داده خواهد شد. پادشاهی او پادشاهی جاودانی خواهد بود و همه حکومتها او را خدمت و اطاعت خواهند کرد.» دانیال 7:27

آیه قبل برای تأیید ماست که عیسی به محض دریافت پادشاهی خواهد آمد تا «ملکوت و فرمانروایی و عظمت ملکوتهای زیر تمام آسمان» را به امثال ما که وفادارند، بدهد. او و به حق او، در آیه «أهل اولیاء الاعلی» خوانده شده است. از مطالعه دانیال 7، می دانیم که او قبلاً برای دریافت ملکوت خدا رفته است و به زودی خواهد آمد تا آن را به قدیسین خود تحویل دهد. پس بیایید خودمان را آماده کنیم، زیرا زمان آمدن عیسی به زمین فرا رسیده است!

با دانستن این موضوع، ممکن است تعجب کنید: پس چرا سالها از سال 1798 می‌گذرد و عیسی هنوز به زمین بازنگشته است؟ عیسی امروز در بهشت، در کنار تخت پدر چه می‌کند؟ آیا او قبل از آمدن نیاز به انجام کاری دارد؟ این را در مطالعه دانیال 8، در فصل بعدی خواهیم دید.

### فصل 3

#### دانیال - 8 قوچ، بز و شاخ کوچک

مکاشفه ثبت شده در فصل 7 در اولین فرشته بلشصر ارائه شد: "در سال اول بلشصر پادشاه بابل، دانیال در مقابل چشمان خود خواب و رؤیا دید" دانیال 1. 7: یکی از فصل 8 حدود دو سال بعد ارائه شد:

---

«در سال سوم سلطنت بلشصر پادشاه، من، دانیال، رؤیایی دیدم

همانی که در ابتدا داشتم.» دانیال 8:1

او می‌گوید که رؤیایی که در فصل 8 گزارش شده است «پس از رؤیایی که در ابتدا دیدم» به او داده شد. از این رو می‌بینیم که رؤیاهای دانیال 7 و 8 به هم مرتبط هستند. به همین موضوع خواهند پرداخت. دانستن این موضوع درک فصل 8 را آسان تر می‌کند:

«هنگامی که رؤیا به من رسید، به نظرم رسید که در ارگ شوش، که در ایالت عیلام است، هستم، و دیدم که در کنار رود اولای هستم. دانیال 2:8

خداوند به دانیال الهام کرد که وقتی این رؤیا را دید، به نظرش رسید که در قلعه شوشان است. خدا می‌توانست باعث شود دانیال خود را در بسیاری جاهای دیگر در رؤیا ببیند. اما چرا او را به طور خاص به این مکان - «ارگ شوشان» برد تا پیامبر با الهام از او بگوید: «به نظر می‌رسید که در ارگ شوشان هستم»؟ همانطور که قبلاً دیدیم، دانیال گزارش می‌دهد که او این رؤیا را «در سال سوم بلشصر پادشاه بابل» دید. (Dn. 8:1) دانیال در بابل زندگی می‌کرد. با این حال، خداوند او را در رؤیا به «ارگ شوش» برد. کتاب استر نشان می‌دهد که شهر شوش پس از سقوط امپراتوری بابل، در زمان امپراتوری زیر - ماد - ایران چه شد:

«هنگامی که اهاشورش پادشاه بر تخت پادشاهی خود که در قلعه شوش است، در سال سوم سلطنت خود نشست، ضیافتی برای همه شاهزادگان و خادمان خود فراهم کرد که در آن نخبگان ایران و ماد نماینده بودند. و بزرگان و امرای ولایات در برابر او ایستادند.» استر 3-2:1

تاج و تخت پادشاه امپراتوری ماد در «ارگ شوش» برپا شد. اگرچه دانیال این رؤیا را «در سال سوم بلشصر، پادشاه بابل» دیده بود، یعنی زمانی که بابل هنوز در قدرت بود، او را در رؤیا به قلعه «شوشان» بردند که در آن پادشاه امپراتوری بعدی می‌خواست. نشستن - ماد. خدا او را در رؤیا به زمان امپراتوری بعدی - ماد و پارس برد.

«آنگاه چشمان خود را بلند کردم و دیدم، اینک قوچی در برابر رودخانه ایستاده بود که دو شاخ داشت و دو شاخ بلند بود، اما یکی از دیگری بلندتر بود. و قدبلند آخرش بالا رفت.» دانیال 3:8

بعداً، در خود فصل 8، فرشته معنای قوچ و شاخ های آن را آشکار می‌کند:

«آن قوچ دو شاخ که دیدی، پادشاهان ماد و پارس هستند.»  
دانیال 8:20

دو شاخ نمایانگر پادشاهان ماد و ایران هستند. بنابراین قوچ نشان دهنده امپراتوری مادها و پارس است. پیامبر دید که «دو شاخ بلند بود، اما یکی از دیگری بلندتر بود. و قدبلند آخرش بالا رفت.» یکی از این دو نفر در پادشاهی برتری خواهد داشت. اما این یکی که بزرگترین در میان مادها و پارسها بود، «آخرین برخاست»، یعنی آخرین به قدرت رسید. کتاب دانیال نشان می‌دهد که کدام یک از این دو قوم بودند

ابتدا نماینده ای به عنوان امپراتور داشته باشد:

«در همان شب بلشصر، پادشاه کلدانیان، کشته شد. و داریوش مادها،  
هنگامی که او حدود شصت و دو سال داشت، سلطنت را به دست گرفت.» دانیال 31، 5:30

اولین پادشاه امپراتوری ماد یک "ماد" بود. دانیال دید که «بزرگترین بوق آخرین بار بلند شد.» بزرگترین پادشاهان امپراتوری ماد، ایرانیان خواهند بود و

بر اساس نبوت، آنها آخرین قیام خواهند کرد. در خود کتاب دانیال می بینیم که این امر محقق شد:

«اکنون من حقیقت را به شما اعلام خواهم کرد: اینک، سه پادشاه دیگر در ایران برمی‌خیزند و چهارمی از همه ثروت‌های فراوان پر خواهد شد. و با ثروت خود قوی شده، همه چیز را علیه پادشاهی یونان به کار خواهد گرفت. آنگاه پادشاهی نیرومند برخواید خاست و با سلطنت عظیم سلطنت خواهد کرد.» دانیال 3، 2، 11

در متن ذکر شده، فرشته با دانیال در مورد آخرین پادشاهانی صحبت می کند که بر امپراتوری ماد سلطنت می کردند. بزرگترین پادشاهان امپراتوری ماد پارسیان بودند. آهاشورش که پادشاهی او به قدری بزرگ بود که بر 127 استان سلطنت می کرد، یک پادشاه ایرانی بود (استر. 1:1) ما به خواندن گزارش رؤیای دانیال، فصل 8 ادامه می دهیم:

«دیدم که قوچ به سمت غرب و شمال و جنوب پیش می‌رفت. و هیچ یک از حیوانات نتوانست در برابر او مقاومت کند و کسی نبود که بتواند خود را از قدرت او رهایی بخشد. اما او مطابق میل خود عمل کرد و به این ترتیب بزرگ شد.» دانیال 4:8

قوچ که نمایانگر ماد بود، «به غرب و شمال و جنوب زد» یعنی ضربه زد. این ضرب و شتم نشان دهنده لشکرکشی‌هایی است که مادها و پارس‌ها برای گسترش حکومت خود انجام دادند. امپراتوری ماد به قدری گسترده بود که در غرب به مرز یونان رسید.

طبق آیه نقل شده، در زمان شاه آهاشورش، امپراتوری مادها و پارس از هند، در آسیا، تا اتیوپی، در آفریقا گسترش داشت. در ادامه داستان، دانیال در مورد قوچ نیز می گوید: «و هیچ یک از حیوانات نتوانستند در برابر او مقاومت کنند و کسی نبود که خود را از قدرت او رهایی بخشد». قبلاً دیده‌ایم که حیوانات نماینده ملت‌ها، پادشاهی‌ها هستند. هیچ یک از کشورهای مورد حمله مادها و پارسها نتوانستند در برابر قدرت ارتش خود مقاومت کنند. مادها و پارس‌ها در لشکرکشی‌های خود برای گسترش امپراتوری خود به سمت غرب تا یونان، شمال و جنوب تا اتیوپی و مصر موفق بودند. ما به خواندن گزارش در فصل 8 ادامه می دهیم:

«همانطور که تماشا کردم، اینک، بزی از غرب در سراسر زمین آمد، اما بدون اینکه به زمین برسد. این بز یک شاخ قابل توجه بین چشمانش داشت. او نزد قوچی رفت که دو شاخ داشت که من آن را قبل از رودخانه دیده بودم. و با تمام قدرت خشمگینش به سوی او هجوم آورد. او را دیدم که به قوچ نزدیک شد و بر او خشمگین شد، او را زد و هر دو شاخش را شکست، زیرا قوچ قدرتی برای مقاومت در برابر او نداشت. و بز او را به زمین انداخت و زیر پا گذاشت و کسی نبود که قوچ را از دست او نجات دهد.» دانیال 7-5:8

آیات قبل ظاهراً صحنه جنگ را روایت می کند. قومی که بزی را با "شاخ برجسته ای در بین چشمانش" نشان می داد، به سراغ قوچ که نماینده ی مادها بود آمدند و "آن را زدند"، "آن را به زمین انداختند" و "آن را زیر پا گذاشتند." خود فرشته بعداً، در فصل 8، نشان داد که بز کدام قوم را نشان می داد و شاخ برجسته ای را که بین چشمانش داشت، نشان می داد:

«بز مودار پادشاه یونان است. شاخ بزرگ بین چشمها اولین پادشاه است.» دانیال 21:8

تاریخ گزارش می دهد که یونان ماد و پارس را فتح کرد. ژنرال یونانی اسکندر مقدونی کسی بود که ارتش یونان را به پیروزی رساند. او، فاتح، نمایانگر شاخ قابل توجهی است که بین چشمان بز قرار داشت. دانیال دید

که بز "هر دو شاخ" قوچ را شکست. این بدان معنی است که یونان هر دو قوم تشکیل دهنده امپراتوری ماد - مادها و پارس ها را شکست داد. ما با شرح دانیال 8:18 ادامه می دهیم:

«بز بزرگ شد. و در نیروی او شاخ بزرگش شکست و به جای آن چهار شاخ برجسته به چهار باد آسمان بیرون آمد.» دانیال 8:8

چند آیه بعد، در همین سوره، فرشته توضیح می دهد:

«این واقعیت که شکسته شد، چهار پادشاهی در جای خود بلند شدند، به این معنی است که چهار پادشاهی از این قوم برمی‌آیزند، اما نه با قدرتی که با قدرتی که داشت.» دانیال 8:22

قبلاً دیدیم که این شاخ نمایانگر ژنرال اسکندر مقدونی است. تاریخ گزارش می دهد که او بسیار جوان در 33 سالگی درگذشت. سپس، امپراتوری بین چهار ژنرال یونانی - کاساندر، لیسیماکوس، سلوکوس و بطلمیوس تقسیم شد. هر کدامشان پادشاه شدند. پیشگویی می گفت که چهار شاخ در چهار گوشه زمین ظاهر می شود. حوزه به چهار بخش تقسیم شد و چهار ژنرال بر آن قدرت داشتند. همه اینها قرن‌ها قبل از دانیال، هنوز در سال سوم بلنصر، پادشاه بابل، آشکار شد. در تحقق دقیق وحی الهی می‌بینیم که خداست که از ابتدا غایت را می‌داند و آنچه را که پیش از وقوع خواهد بود، می‌گوید. با توجه به امانتداری که در تاریخ گذشته پیشگویی شده است، یقین داریم که آنچه برای آینده زمان ما پیشگویی شده محقق خواهد شد.

ما مطالعه دانیال 8 را ادامه می دهیم:

«از یکی از آنها شاخ کوچکی بیرون آمد و به سوی جنوب و شرق و به سوی زمین با شکوه بسیار قوی شد. رشد کرد تا به سپاه بهشت رسید. تعدادی از میزبان و ستاره ها را به زمین انداخت و زیر پا گذاشت.» دانیال 10، 9:8

ما در بالا وفادارترین ترجمه را به اصل ارائه می کنیم - "از یکی از آنها". مدرن ترین کتاب مقدس ارائه شده است: "از یکی از شاخ ها"، اما این ترجمه، علاوه بر وفاداری به اصل، منجر به اشتباه در تفسیر می شود. اصل می گوید: "یکی از آنها"، همانطور که در ترجمه اسپانیایی، Reina Valera Bible آمده است. بدیهی است که این متن به آیه قبل اشاره دارد. اینجوری تموم میشه؟ «به چهار باد آسمان» (آیه 8). وقتی آیه 9 با این جمله شروع می شود: «از یکی از آنها»، آشکارا به یکی از «چهار باد» اشاره دارد. و چهار باد به چه معناست؟ ما تکرار میکنیم:

"دروازه‌بانان بر چهار باد بودند: به سمت شرق، به غرب، به سمت شمال و به سمت جنوب." اول تواریخ 9:24

«از یکی از آنها شاخ کوچکی بیرون آمد» (آیه 9) یعنی از یکی از جهت‌ها (شرق، غرب، شمال، جنوب) «شاخ کوچک» بیرون آمد. این متن شاخ کوچکی را توصیف می‌کند که در رؤیای فصل 7 دوشوار نیست. اولین و دومین حیوانی که پیامبر در دانیال 8 مشاهده کرد (قوچ و بز) نشان دهنده قلمروهای ماد و پارس است. و یونان. در رؤیای فصل 7، خداوند حیواناتی را نیز نشان داد که نماد این دو پادشاهی بودند. بدیهی است که باب 8 معنای نزول باب 7 را تکرار و بسط می دهد. در واقع اگر مکاشفه های باب 7 را با آن مقایسه کنیم

در مکاشفه فصل 2، می بینیم که مکاشفه ای که از طریق حیوانات در فصل 7 دیده می شود، همان مکاشفه ای را که از طریق مجسمه دانیال 2 داده شده است، تکرار می کند و جزئیات بیشتری در مورد آن اضافه می کند. تعلیم کتاب دانیال این است: تکرار برای تأکید و گسترش معنا:

پادشاهی	دانیل 2	دانیل 7
بابل	سر طلایی	شیر نر
ماد-فارس	سینه و بازوهای نقره ای	اورسوس
یونان	شکم و باسن برنزی	پلنگ
م	پاهای آهنی	حیوان وحشتناک
پادشاهی تقسیم شده	پاهای آهنی و خاکی با ده انگشت	ده شاخ
برتری پاپ: 1798 - 538 پس از میلاد		بوق کوچک

جدول - نمادهای مختلف از دانیال 2 و 7 مکاشفه یکسانی را به ارمغان می آورند. در دانیال 7 مکاشفه دانیال 2 تکرار و تفصیل شده است.

پادشاهی	دانیل 7	دانیل 8
ماد-فارس	اورسوس	قوچ با دو شاخ
یونان	پلنگ	بز یا شاخ قابل توجه

جدول - نمادهای دانیال 7 و 8 همین مکاشفه را به ارمغان می آورند. در دانیال 8 مکاشفه فصل 7 تکرار و تفصیل شده است.

با بازگشت به فصل 8، دانیال "یک شاخ کوچک" را دید که از یکی از آنها بیرون آمد جهت های زمین در فصل 7 نماد یک شاخ کوچک قبلاً ارائه شده بود:

«همانطور که به شاخها نگاه کردم، اینک یکی دیگر از شاخها در میان آنها بالا آمد که سه شاخ از اولین شاخها در برابر او کنده شد. و اینک در این شاخ چشمانی مانند چشم انسان و دهانی بود که گستاخی می گفت. این شاخ با مقدسین جنگ کرد و بر آنها چیره شد.» دانیال 21، 8: 7

قبلاً در دانیال 7 دیده ایم که این «شاخ کوچک» پاپ بود. نماد شاخ کوچک در دانیال 8 تکرار شده است. سپس این فصل کار او را شرح می دهد:

«بله، او حتی برای شاهزاده ارتش هم بزرگ شد. مکان مستمر را از او گرفت و مکان حرمش فرو ریخت.» دانیال 11: 8

دانیل می گوید که شاخ کوچک را دیده است «حتی برای شاهزاده میزبان». کتاب مقدس نشان می دهد که این شاهزاده کیست:

«وقتی یوشع در پای اریحا بود، چشمان خود را بلند کرد و نگریست. اینک مردی با شمشیر برهنه در دست مقابل او ایستاد. یوشع نزد او آمد و به او گفت: آیا تو برای ما هستی یا برای دشمنان ما؟ او پاسخ داد: نه؛ من شاهزاده لشکر خداوند هستم و تازه آمده ام.» یوشع 14، 5:13

در کتاب اعمال رسولان آمده است که این موجود که لقب شاهزاده در بهشت را دارد کیست:

«خداوند پدران ما عیسی را زنده کرد که شما او را با آویختن او به درخت کشتید. اما خداوند با دست راست خود او را به شاهزاده و نجات دهنده ارتقا داد.»

اعمال رسولان 31، 5:30

بله، عیسی، پسر خدا، "شاهزاده ارتش" است. دانیال دید که شاخ کوچک تا «امیر لشکر» یعنی تا عیسی بزرگ شد. تاریخ نشان می دهد که پاپ عنوانی را برای خود قائل شد که بر روی تیاری پاپ به زبان لاتین نوشته شده بود که مربوط به کلمات پیشگویی است:

از	فیلی	VICARIVS							
----	------	----------	--	--	--	--	--	--	--

مال خدا	از پسر	جایگزین
---------	--------	---------

گرفتن عنوان "جانشین پسر خدا" به معنای "تجلیل از خود" برای پسر خدا، عیسی - "شاهزاده ارتش" است. می خواهد جای تو را بگیرد. دانیال حتی می گوید که شاخ کوچک «از او» و از عیسی «شاخ مستمر» را گرفت. نسخه های جدیدتر کتاب مقدس «قربانی مداوم» دارند. اما کلمه "قربانی" در اصل یافت نمی شود. بنابراین، ما معتبرترین ترجمه را ارائه می دهیم که فقط حاوی کلمه "مستمر" است. این "مستمر" که پاپ گرفت چه بود؟ کلمه "مستمر" چیزی را نشان می دهد که هرگز قطع نمی شود و برای همیشه باقی می ماند. خط ممتد یک خط بدون وقفه است. اگر قطع شود دیگر پیوسته نیست. "مستمر" ذکر شده در کلام خدا چیزی است که او طراحی کرده است تا همیشه، بدون تغییر باشد. و خداوند چه چیزی را ثابت کرده است که مستمر، همیشگی و جاودانه باشد؟ کتاب مقدس به ما پاسخ می دهد:

«بنابراین بنی اسرائیل سبت را نگاه خواهند داشت و آن را به عنوان عهد جاودانی در نسل های خود جشن خواهند گرفت. این نشانه بین من و بنی اسرائیل برای همیشه است. زیرا خداوند آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و در روز هفتم آرام گرفت و شاداب شد.» خروج 17، 31:16

می دانیم که پاپ قصد داشت قانون خدا را تغییر دهد و یکشنبه را به جای شنبه به عنوان روز استراحت تعیین کرد. خدا گفت: «روز سبت را نگه دارید تا آن را مقدس نگه دارید، همانطور که یهوه خدایت به شما امر کرده است. شش روز کار خواهید کرد و تمام کارهای خود را انجام خواهید داد. اما روز هفتم، سبت یهوه خدای شماست. هیچ کاری انجام نده.» تثنیه 14-12: 5 تا این حال، فرمان تعالیم کاتولیک به "پاسداری یکشنبه ها و اعیاد" آموزش می دهد. پاپ با ادعای داشتن اختیار تغییر شنبه به یکشنبه، «تداوم» ایجاد شده توسط خدا را از بین برد. بدین ترتیب نبوت تحقق یافت. بدیهی است که پاپ قانون خدا را که در مقابل عرش هستی است تغییر نداد، زیرا قانون خدا هرگز تغییر نمی کند و هیچ انسانی اختیار تغییر آن را ندارد.

قانون مردان	قانون خدا - خروج 17-20:3
(1) خدا را بالاتر از همه چیز دوست داشته باشید.	(1) تو جز من خدایان دیگری نخواهی داشت.
(2) نام مقدس او را بیهوده نگیرید.	(2) برای خودتصویر حکاکی شده، یا مانند چیزی که در بالا در آسمان است، یا در زمین پایین، یا در آب زیر زمین، نسازی. آنها را نپرستید و آنها را نپرستید. زیرا من یهوه خدای شما هستم، خدای غیور، که گناه پدران را بر فرزندان تا نسل سوم و چهارم کسانی که از من متفرند عبادت می کنم و به هزار نسل از کسانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه می دارند، رحمت می کنم.
(3) روزهای یکشنبه و اعیاد را نگه دارید.	(3) نام یهوه خدای خود را بیهوده نبرید، زیرا خداوند کسی را که نام او را بیهوده ببرد بی گناه نخواهد دید.
(4) احترام پدر و مادر.	(4) روز سبت را به یاد آورید تا آن را مقدس نگه دارید. شش روز کار خواهید کرد و تمام کارهای خود را انجام خواهید داد. اما روز هفتم سبت یهوه خدای شماست. نه تو، نه پسر، نه دختر، نه غلامت، نه کنیزت، و نه احشام، و نه کسی که بیرون دروازه هایت باشد، هیچ کاری انجام نده. زیرا خداوند در شش روز آسمانها و زمین و دریا و هر چه در آنهاست را آفرید و در روز هفتم آرام گرفت. به همین دلیل است که خداوند روز سبت را برکت داد و آن را تقدیس کرد.
(5) نکشید.	(5) پدر و مادرت را گرامی بدار تا روزهایت در زمینی که یهوه خدایت به تو می دهد طولانی باشد.
(6) به عفت گناه نکنید. (7) دزدی نکنید. (8)	(6) تو نباید بکشی. هفتم) زنا نخواهید کرد. (8) دزدی نخواهید کرد.
شهادت دروغ ندهید.	(9) علیه همسایه خود شهادت دروغ ندهید.
(9) زن همسایه خود را آرزو نکنید.	



(10) به چیزهای دیگران طمع نکنید.	(10) در خانه همسایه طمع نکنید. به زن همسایه‌ها، نه غلامش، نه کنیزش، نه گاو و نه الاغش، و نه چیزی که مال همسایه‌هاست است طمع مکن.
----------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

هنوز در گزارشی از کار شاخ کوچک، پاپ، گفته می‌شود که «محل قدس او»، یعنی مکان مقدس «شاهزاده لشکر»، عیسی، «به زیر انداخته شد». حرم عیسی کجاست؟ کتاب مقدس به ما آشکار می‌کند:

«اکنون ماهیت چیزهایی که گفتیم این است که ما چنین کاهن اعظمی داریم که در سمت راست تخت اعظم در آسمان ها می‌نشیند، به عنوان وزیر قدس و خیمه حقیقی که خداوند در آن قرار دارد. ساخته شده، نه انسان ... زیرا مسیح به قدسی که با دست ساخته شده بود، که از نوع حق است، وارد نشد، بلکه به خود آسمان وارد شد تا اکنون برای ما در حضور خدا ظاهر شود.»

عبرانیان 2، 1: 8 و 24: 9

پناهگاه عیسی در بهشت است. بدیهی است که خدا با گفتن در نبوت دانیال 8 که شاخ کوچک «محل قدسش» را پایین می‌آورد، به این معنا نبود که پاپ می‌تواند به بهشت برود و آن را ساقط کند. بلکه به این واقعیت اشاره می‌کند که پاپ به دنبال این است که شفاعت عیسی برای ما در قدس بهشت فراموش شود. دیدن اینکه این اتفاق افتاده است دشوار نیست. تقریباً همه کلیساها و فرقه‌های مذهبی امروزی تعلیم نمی‌دهند که عیسی برای ما در قدس در بهشت شفاعت می‌کند. این حقیقت فراموش شد. این واقعیت نتیجه تلاش های پاپ است. خدا پیش بینی کرد که این در نبوت دانیال 8 رخ خواهد داد. با این حال، خدا همچنین گفت که همیشه اینطور نخواهد بود. حقیقت حرم برای همیشه فراموش نمی‌شود:

«سپس شنیدم که یک قدیس صحبت می‌کرد. و یکی دیگر از قدیس ها به او که سخن می‌گفت گفت: تا کی رؤیای تجاوز مستمر و ویرانگر که در آن حرم و لشکر به زیر پا گذاشته می‌شود، ادامه خواهد داشت؟ دانیال 8:13»

دانیال می‌بیند که فرشته ای از فرشته دیگر می‌پرسد: «تا زمانی که قدس را برای پایمال شدن تسلیم کنند»، یعنی تا زمانی که حقیقت قدس فراموش شود. دیگری پاسخ می‌دهد:

«به من گفت: تا دو هزار و سیصد شب و صبح؛ و حرم خواهد بود

تصفیه شده." دانیال 8:14»

به دانیال نازل شد که در پایان یک دوره 2300 شب و صبح، این حقیقت دوباره مورد مطالعه، تثبیت و موعظه قرار خواهد گرفت. این که اکنون در مورد این حقیقت می‌خوانید دلیلی بر این است که دکتربین حرم دیگر فراموش نمی‌شود. به او موعظه می‌شود. بدیهی است که مدت 2300 بعد از ظهر و صبح به پایان رسیده است.

کشف مجدد حقیقت شفاعت عیسی در محراب بهشت تنها رویدادی خواهد بود که در پایان دوره 2300 شب و صبح رخ می‌دهد.

ببینیم: «به من گفت: تا دوهزار و سیصد شام و صبح؛ و حرم پاک خواهد شد.» در پایان 2300 شب و صبح، "مقدس" "تطهیر" می‌شود. این یکی

این فقط می تواند مکان مقدس ذکر شده در آیات قبلی باشد که در آن مسیح برای ما شفاعت می کند. خداوند می گوید که آن حرم بعد از پایان 2300 شب و صبح پاک می شود.

اما سوالی پیش می آید که آیا حرم بهشت نیاز به تطهیر دارد؟

این سوال خوبی است. چه چیزی حرم در بهشت را آلوده می کند؟ آیا همه چیز در آنجا پاک نیست؟ پاسخ این است: «گناهان». گناهان حرم بهشت را نجس می کند و وقتی پاک شد از آنجا پاک می شود. هنگامی که ما بر روی زمین به گناهان خود اعتراف می کنیم، عیسی برای ما شفاعت می کند و ما بخشیده می شویم. گناهان دیگر با ما باقی نمی مانند. آن ها کجا می روند؟ یحیی تعمید دهنده، با دیدن عیسی، گفت: "اینک بره خدا که گناه جهان را برمی دارد." یوحنا 1:29. وقتی گناهان دنیا را بردارد کجا می برد؟ به مکانی در حرم بهشت. و پیشگویی دانیال نشان می دهد که این گناهان برای همیشه در آنجا باقی نمی مانند. خداوند زمانی را تعیین کرد که از آن پس «تطهیر» حرم انجام شود. در این هنگام گناهانی که حرم را نجس می کند برطرف می شود. و بعد از این کار تطهیر، حرم کاملاً پاک می شود. وقتی این اتفاق بیفتد، آیا باز هم می توان به نام عیسی به گناهان خود اعتراف کرد و گناهان بیشتری را به محراب فرستاد؟ قطعاً نه. این امکان پذیر نخواهد بود، زیرا این امر دوباره حرم را آلوده می کند. آنگاه زمان فیض برای مردم به پایان خواهد رسید، زمانی که در آن می توانند با توبه، ایمان و اعتراف، گناهان خود را با شفاعت عیسی پاک کنند.

ما همین الان دیدیم که دوره 2300 بعد از ظهر و صبح تکمیل شد، زیرا این حقیقت که عیسی برای ما در مقدس بهشت شفاعت می کند دیگر فراموش نمی شود. و دیدیم که در پایان این دوره کار تطهیر در حرم بهشت آغاز می شود و پس از اتمام این کار دیگر امکان اعتراف به گناهان وجود نخواهد داشت، چرا که زمان شفاعت انسان از قبل می باشد. به انتها رسیدن. عیسی به زودی کار خود را در بهشت به پایان خواهد رساند. و زندگی ما چگونه است؟ آیا ما امروز همه گناهان خود را نزد عیسی می بریم تا وقتی پاکسازی گناهان در محراب کامل شد دیگر گناهی برای فرستادن به بهشت نداشته باشیم؟ هنگامی که کار تطهیر کامل شد، اعضای کلیسای مسیح روی زمین باید در حضور خدای مقدس بدون گناه زندگی کنند، زیرا دیگر شفاعتی وجود نخواهد داشت. آیا برای این زمان آماده ایم؟ آیا ما در حال حاضر شخصیت خداوند عیسی را در زندگی خود منعکس می کنیم؟ باشد که ما این کار را تا زمانی که زمان وجود دارد انجام دهیم.

## فصل 4

2300 بعد از ظهر و صبح

در فصل قبل، آیات 1 تا 14 دانیال 8 را مورد مطالعه قرار دادیم. اکنون به بقیه فصل خواهیم پرداخت. شخصی از فرشته پرسیده بود تا کی حقیقت حرم بهشتی فراموش می شود؟ جواب این بود:

«به من گفت: تا دو هزار و سیصد شب و صبح؛ و حرم خواهد بود  
تصفیه شده.» دانیال 8:14

این دوره نشان دهنده چه مدت است؟ اجازه دهید کتاب مقدس ما را روشن کند.  
ابتدا بیایید بفهمیم که عبارت "عصر و صبح" به چه معناست. ما آن را در پیدایش پیدا می کنیم:

"روز اول عصر و صبح بود." پیدایش 1:5

تعبیر «عصر و صبح» به یک روز اشاره دارد. روز از دو بخش تشکیل شده است: تاریک یا "بعد از ظهر" و روشن - "صبح".  
بنابراین، 2300 «شام و صبح» به معنای 2300 روز است. آیا باید آنها را به صورت تحت اللفظی روزهای 24 ساعته فهمید یا به روش دیگری؟ اجازه دهید خود خدا روشن کند. در کتاب مقدس، در کتاب اعداد، او توضیح می دهد:

«خداوند می گوید: «به ایشان بگو: «همانطور که من زنده ام، همانطور که در گوش من گفته اید، با شما نیز رفتار خواهم کرد. سال، گناهان خود را چهل سال بر خود خواهی گرفت» اعداد 14:34

هر روز نشان دهنده یک سال است. بنابراین، در مکاشفه ای که در فصل 8 به دانیال داد، 2300 روز معادل 2300 سال است. بنابراین ما آیه 14 دانیال 8 را اینگونه می فهمیم:

"تا 2300 سال، و حرم پاک خواهد شد."

اکنون اجازه دهید به تحلیل وضعیت دانیال در هنگام دریافت رؤیا برگردیم. چه زمانی فرشته گفت داشت معنی را توضیح می داد

«رؤیای شام و صبح که گفته شد، راست است. با این حال، چشم انداز را حفظ می کنید، زیرا به روزهای بسیار دور اشاره دارد. من، دانیال، ضعیف شدم و چند روز بیمار بودم. پس برخاستم و کار پادشاه را انجام دادم. من از این رؤیا شگفت زده شدم و کسی نبود که آن را درک کند.» دانیال 27، 26:8

به گفته دانیال، فرشته توضیحی نداد و هیچ کس معنای رؤیا را درک نکرد.  
وی این توضیح را در آیات پایانی باب 26 (8 و 27) می دهد. توضیح در این فصل یافت نمی شود. خود فرشته به پیامبر گفت: «اما تو رؤیا را حفظ کن، زیرا به روزهای دور اشاره دارد.» در آن زمان به او توضیحی داده نمی شد. آیا پیامبر بدون دریافت توضیحی از این نبوت باقی می ماند؟

دانیال رؤیای 2300 شب و صبح در سال سوم پادشاه بلشصر را دریافت کرد: «در سال سوم سلطنت بلشصر پادشاه، من، دانیال، رؤیایی دیدم.

بعد از اونی که در ابتدا داشتم.» دانیال 1:8 بلشصر حدود هشت سال سلطنت کرد. سپس به دست مادها و پارسها کشته شد. «در همان شب بلشصر، پادشاه کلدانیان، کشته شد. و داریوش مادها، حدود شصت و دو ساله،

پادشاهی را به دست گرفت.» دانیال 31، 5:30 این زمانی بود که دانیال دوباره فرشته را ملاقات کرد:

«در سال اول داریوش، پسر آهاشورش، از دودمان مادها، که بر پادشاهی کلدانیان پادشاه شد، در سال اول سلطنت او، من، دانیال...»

روی خود را به سوی خداوند معطوف کردم تا او را با دعا و نیایش و با روزه و گونی و خاکستر طلب کنم .... داشتم صحبت می کردم یعنی هنوز در حال دعا بودم که آن مرد جبرئیل که او را دیده بودم در دید من ابتدا به سرعت آمد، پرواز کرد و در زمان قربانی بعد از ظهر مرا لمس کرد. می خواست مرا راهنمایی کند، با من صحبت کرد و گفت: دانیال، حالا بیرون آمده ام تا معنی را بفهمی. در آغاز دعای شما دستور آمد و آمدم تا آن را به شما اعلام کنم، زیرا شما بسیار محبوب هستید. پس چیز را در نظر بگیرید و بینش را درک کنید.» دانیال 20-23، 1-3: 9

فرشته جبرئیل بیرون آمد تا او را «معنای» رؤیا را بفهمد. به او گفت: "دید را درک کن". چه چشم اندازی؟ بدیهی است که دانیال نفهمید. و آن چشم انداز چه بود؟ در کل کتاب دانیال فقط یک مورد وجود دارد که او در مورد آن گفت: "از این رؤیا شگفت زده شدم و کسی نبود که آن را بفهمد." دانیال 8:27 ساعت 2300 بعد از ظهر و صبح است. جبرئیل آمد تا رؤیای 2300 شب و صبح را توضیح دهد. توضیح فرشته را در ادامه متن فصل 9 می یابیم:

«هفتاد هفته از قوم تو و شهر مقدس تو منقطع است.»  
دانیال 9:24

مدرن ترین ترجمه های کتاب مقدس در آیه فوق الذکر به جای «قطع» کلمه «تعیین» را ارائه می کند. با این حال، این ترجمه وفادارترین ترجمه به اصل نیست. بنابراین متن بالا را با کلمه برش ارائه می کنیم.

قبلاً دیده ایم که 2300 بعد از ظهر و صبح معادل 2300 سال است. جبرئیل به پیامبر گفت که 70 هفته از این دوره «قطع» است. هر هفته 7 روز است. بنابراین، 70 هفته برابر خواهد بود با:

70 هفته در 7 روز = 490 روز

490 روز = 490 سال (هر روز نشان دهنده یک سال است)

از 2300 سال، 490 سال قطع می شود، یعنی در نبوت جدا می شود. چرا آنها باید از هم جدا شوند؟ فرشته گفت: «هفتاد هفته از قوم تو قطع شده است» (دانیال 9:24). دوره ای که این 70 هفته (490 سال) نشان داده می شود برای قوم دانیال در نظر گرفته شده بود. کتاب مقدس نشان می دهد که دانیال متعلق به چه افرادی بود:

«آریوخ به سرعت دانیال را به حضور پادشاه آورد و به او گفت: یکی از پسران اسیران یهودا را یافته ام که این تعبیر را برای پادشاه آشکار خواهد کرد.» دانیال 2:25

یهودا یکی از قبایل اسرائیل بود. دانیال اسرائیلی بود. وقتی فرشته گفت که 70 هفته (490 سال) بر سر قوم دانیال جدا شد، نشان داد که آنها بر سر بنی اسرائیل از هم جدا شده اند. وقایعی که در این هفتاد هفته اتفاق می افتد، به ویژه در تجربه قوم اسرائیل محقق خواهد شد.

فرشته همچنین به دانیال گفت که هفتاد هفته منقطع شد، یا «بر... شهر مقدس تو» جدا شد. کتاب مقدس به ما آشکار می کند که شهر دانیال چه بود:

«در سال سوم سلطنت یهوایقیم، پادشاه یهودا، نبوکدنصر پادشاه بابل به اورشلیم آمد و آن را محاصره کرد. خداوند یهوایقیم، پادشاه یهودا، و برخی از وسایل خانه خدا را به دست او داد. اینها را به سرزمین شینار برد... پادشاه به اشیپناز، رئیس خواجه های خود گفت، چند نفر از بنی اسرائیل را از دودمان سلطنتی و از اشراف بیاور... در میان آنها، از پسران بودند. از یهودا، دانیال، حنانيا، میشائیل و عزاریا.» دانیال 6، 1-3:

دانیال یکی از اسیران بود که از اورشلیم آورده بودند. او شهر او بود. وقتی در مورد قدیس شما جبرئیل به دانیال گفت که هفتاد هفته "از شهر منقطع شد" و آشکار کرد که مدت زمانی که آنها نمایندگی می کردند (490 سال) در اورشلیم تعیین شده است. وقایعی که فرشته به او نشان می دهد در اورشلیم اتفاق می افتد. 490 سال زمانی خواهد بود که در آن نبوت چیزهایی را پیش بینی می کرد که برای قوم اسرائیل و اورشلیم اتفاق می افتاد.

برای ما باقی مانده است که بدانیم این 70 هفته در 2300 سال کجا قرار می گیرد - در ابتدا، در وسط یا در پایان؟ فرشته فقط گفت: "هفتاد هفته قطع شد." حال، اگر او مشخص نکرده باشد که اینها در پایان یا در وسط بازه زمانی 2300 روزه آغاز می شوند، ما فقط می توانیم آنها را در آغاز این 2300 روز درک کنیم. با قرار دادن آن در قالب یک جدول زمانی، رابطه زیر را بین 70 هفته (490 سال) و 2300 روز خواهیم داشت:



هفتاد هفته در آغاز 2300 سال آغاز می شود.

ما به خواندن توضیح فرشته که در آیه 25 آمده است ادامه می دهیم:

«بدانید و درک کنید: از زمان صدور دستور بازسازی و ساختن اورشلیم، تا مسح شده، شاهزاده، هفت هفته و شصت و دو هفته، میدانها و کنارگذرها بازسازی خواهند شد، اما در زمانهای سخت.» دانیال 9:25

وقتی آیه ذکر شده را می خوانیم متوجه می شویم که فرشته نقطه شروعی برای شمارش زمان نبوت می دهد. او می گوید: «از صدور فرمان بازسازی و بنای اورشلیم.» در اینجا، فرشته رویدادی را نشان می دهد که شمارش را آغاز می کند: "دستور بازسازی و ساخت اورشلیم" خواهد بود. از آنجایی که این تنها رویدادی است که توسط فرشته به عنوان نقطه شروع ارائه شده است، و فرشته در حال توضیح 2300 عصر و صبح است، می دانیم که این نقطه شروع برای شمارش 2300 عصر و صبح است. و همانطور که فرشته نیز هفتاد هفته را به عنوان دوره ای بریده از آن توضیح می دهد

2300 بعد از ظهر و صبح، و این تنها نقطه شروعی است که فرشته داده است، ما متوجه می شویم که این نقطه شروع برای شمارش 70 هفته نیز است. بنابراین، فرمان بازسازی و بنای اورشلیم، رویدادی است که آغاز شمارش 2300 سال و 70 هفته (490 سال) است. این دستور چه زمانی صادر شد؟ در کتاب عزرا نسخه ای مکتوب از آن را می یابیم:

«این رونوشت نامه ای است که اردشیر شاه به عزرا کاهن، کاتب کلمات و احکام و فرایض خداوند بر اسرائیل داد: اردشیر، پادشاه پادشاهان، به عزرا کاهن، کاتب شریعت خدا، از بهشت: آرامش کامل! از سوی من حکم شده است که در پادشاهی من، هر یک از قوم اسرائیل و کاهنان و لایوان آنها که بخواهد با شما به اورشلیم برود، باید برود. زیرا پادشاه و هفت مشاور او به شما دستور داده اند که بر اساس شریعت خدایتان که در دست شماست، درباره یهودا و اورشلیم تحقیق کنید. و نقره و طلایی را که پادشاه و مشاورانش با کمال میل به خدای اسرائیل که مسکنش در اورشلیم است تقدیم کنند، و همچنین نقره و طلایی را که در تمام ایالت بابل می یابید، با هدایای آزادانه از جانب خدای اسرائیل، مردم و کاهنان، به طور رایگان برای خانه خدای خود که در اورشلیم است، تقدیم می کنند.»

عزرا 7:11-16

شاه اردشیر می گوید: «حکم من است» یعنی دستور سلطنتی است. این فرمان می گوید: «شما را توسط پادشاه و هفت مشاور او فرستاده ام تا بر اساس شریعت خدایتان که در دست شماست، درباره یهودا و اورشلیم تحقیق کنید.» کلمه تحقیق به معنای قضاوت است. این حقیقت که اردشیر شاه به عزرا کاهن دستور داد تا در یهودا و اورشلیم «بر اساس شریعت خدای خود» تحقیق کند، نشان می دهد که در این فرمان، اردشیر به عزرا این اختیار را می دهد که مستقلاً با اجرای قانون خدا برای قضاوت، حکومت کند.

اردشیر شاه با دادن چنین دستوری در حال «بازیابی» حکومت اورشلیم بود.

در این تاریخ، دو فرمان قبلاً منتشر شده بود که به مردم اجازه می داد تا اورشلیم را بازسازی کنند: از سوی امپراتوران کوروش و داریوش (عزرا 1: 4-6؛ 2: 1، 14؛ 6-8). اما هیچ کدام اجازه نداده بودند که دولت دوباره احیا شود. فرشته به دانیال گفته بود که دستور یا حکمی که آغاز نبوت را نشان می دهد، «بازسازی و ساختن» خواهد بود.

اورشلیم (دانیال 9:25) دستوری که صرفاً دستور بازسازی اورشلیم را می داد، پیشگویی را محقق نمی کرد. قبل از اینکه دستور «بازگرداندن» دولت در اورشلیم داده شود، شرط شروع شمارش زمان پیش بینی شده در نبوت برآورده نمی شود. اما در زمان اردشیر دستور «تعداد دولت» و همچنین بازسازی داده شد. چنانکه در فرمان فوق اردشیر نیز گفته است: «چون شما را پادشاه و هفت مشاور او فرمان می دهند... نقره و طلایی را که در تمام ایالت بابل می یابید، با هدایای اختیاری برای خانه خدای خود که در اورشلیم است.» اردشیر دستور می دهد که برای تکمیل کار ساختن خانه خدا، «که در اورشلیم است» قربانی هایی بردارند. و سپس گفت: «و هر چه برای خانه خدایت لازم است، که خواهش می کنی، از خزانه ی پادشاه بدهی.» عزرا 7:20. خانه خدا که در اورشلیم بود، بخشی از شهر بود و فرمان بازسازی آن، در نتیجه، حکمی برای بازسازی شهر اورشلیم بود. سپس شمارش نبوت در زمان تحقق این دستور آغاز شد. به روایت تاریخ، این امر در سال 457 قبل از میلاد اتفاق افتاد، بدین ترتیب از آن سال به بعد شمارش 2300 بعد از ظهر و صبح آغاز شد و هفتاد

هفته ها:



ما به توضیح فرشته در دانیال 9:25 باز می گردیم. او گفت:

«بدانید و درک کنید: از خروجی دستور بازسازی و ساختن اورشلیم، به مسیح شده، به شاهزاده، هفت هفته و شصت و دو هفته.»  
9:25 دانیال

فرشته می گوید که «از» این نقطه شروع، که می دانیم 457 قبل از میلاد است، «تا مسیح، شاهزاده». قبلاً دیدیم که شاهزاده لشکر خداوند عیسی است. و فرشته از طرف خدا دستور داده شد که به عیسی نیز با عنوان دوم اشاره کند: «مسیح شده». کلمه «مسیح شده» برای اشاره به کسی است که با روغن «مسیح شده» که نماد روح القدس خدا بود، استفاده می شود. فرشته با اشاره به عیسی به عنوان مسیح شده، به ما نشان می دهد که در زمانی که نبوت نشان می دهد، عیسی «مسیح شده» خواهد بود و بنابراین می تواند «مسیح» خوانده شود. زمان مشخص شده توسط فرشته چه زمانی بود؟ او گفت:

«از زمان صدور فرمان... تا مسیح، شاهزاده، هفت هفته و شصت و دو هفته»

دوره «هفت هفته و شصت و دو هفته» برابر با 7 است  
هفته + 62 هفته:

7 هفته + 62 هفته = 69 هفته

همانطور که هر هفته 7 روز دارد:

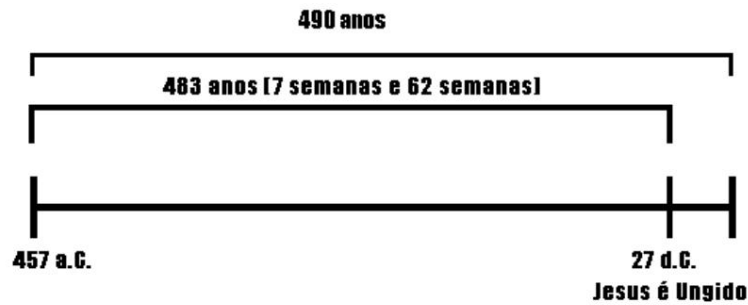
69 هفته در 7 روز = 483 روز

قبلاً دیدیم که هر روز نبوت معادل یک سال است. بنابراین، 483 روز مربوط به 483 سال است. فرشته گفته بود:

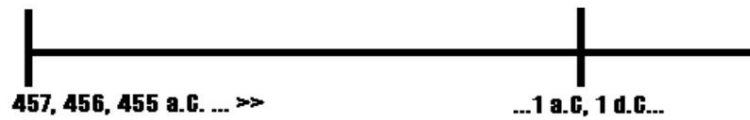
«از زمان صدور فرمان... تا مسیح، شاهزاده، هفت هفته و شصت و دو هفته»

نقطه شروع، "خروج دستور" مربوط به سال 457 قبل از میلاد است که شروع به

با شمارش از آن سال، فرشته گفت که برای رسیدن به «تا مسخ شده، شاهزاده»، یعنی تا زمانی که عیسی در آن مسح شد، باید «هفت هفته و شصت و دو هفته» پیش برویم، یعنی: 483 سال. ما آن را در یک نمودار قرار می دهیم تا بتوانیم توضیح فرشته را بهتر درک کنیم:



با 483 سال پیشروی در زمان، از 457 قبل از میلاد، ما داریم:



توجه داشته باشید که در نمودار بالا، سال "0" وجود ندارد. از 457 قبل از میلاد به بعد، شمارش سالها کاهش می یابد تا به 1 قبل از میلاد می رسد. سپس، مستقیماً به سال 1 پس از مسیح می رود. توجه به این نکته مهم است تا زمانی که از 457 قبل از میلاد 483 سال پیش برویم، به سال مناسبی برسیم. وقتی از 457 سال قبل از میلاد به 457 سال پیش برویم، داریم:

4 5 7
- 4 5 7
0 0 0

نتیجه محاسبه 0 (صفر) خواهد بود، اما از آنجایی که سال صفر وجود ندارد، وقتی 457 سال به عقب برگردیم، مستقیماً به سال 1 پس از میلاد (سال "1" پس از مسیح) می رسیم. اگر از 483 سال که برای پیشرفت در زمان نیاز داشتیم، 457 سال پیش رفتیم، باز هم باید 483-457 سال پیش برویم تا به پایان 483 سال برسیم. بیایید حساب کنیم تا بفهمیم هنوز چند سال باید بگذریم:

4 8 3
- 4 5 7
0 2 6

سال

قبلاً دیده ایم که وقتی 457 سال پیش می رویم، به سال 1 می رسیم. وقتی از آن سال (سال 26)، (1 سال دیگر که تا تکمیل 483 باقی مانده است جلو می رویم، به این می رسیم:

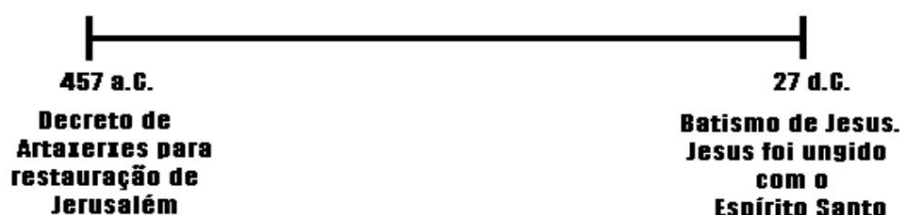
1 بعد از میلاد + 26 سال = 27 بعد از میلاد
-------------------------------------------



سپس متوجه شدیم که با گذشت 483 سال، به سال 27 بعد از میلاد رسیدیم، فرشته گفته بود که «از خروج امر» یعنی از سال 457 قبل از میلاد تا «مسح، شاهزاده»، وجود خواهد داشت. «هفت هفته و شصت و دو هفته» باشد (دانیال 9:25). دوره ای که فرشته داده بود در سال 27 بعد از میلاد به پایان رسید و در آن سال «هفت هفته و شصت و دو هفته» یا 483 سال تمام می شد. فرشته گفته بود که در پایان این دوره، عیسی، شاهزاده، در حال «مسح» دیده خواهد شد. تاریخ ثابت می کند که این واقعا اتفاق افتاده است. عیسی در غسل تعمید خود در سال 27 پس از میلاد مسح شد. کتاب مقدس صحنه غسل تعمید و مسح عیسی با روح القدس را چنین توصیف می کند:

«وقتی عیسی تعمید یافت، فوراً از آب بیرون آمد و اینک آسمان به روی او گشوده شد و او را دید. روح خدا مانند کبوتر فرود آمد و بر او آمد.» متی 3:16

### 483 anos



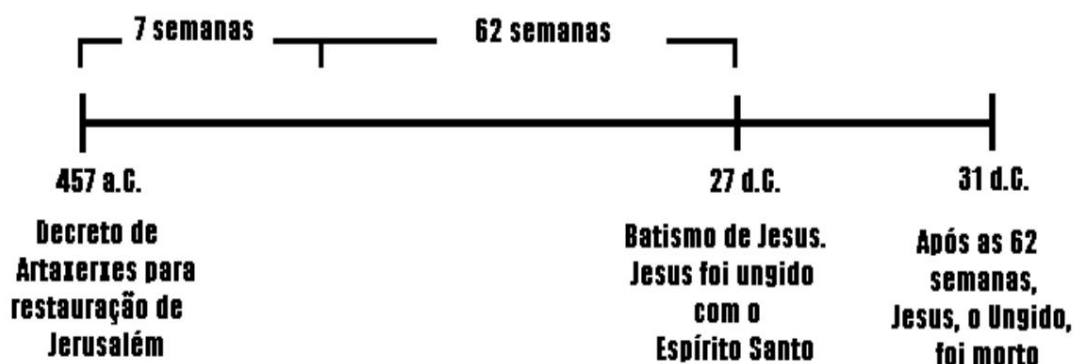
اکنون می توانیم تحلیل توضیح فرشته را ادامه دهیم:

«پس از شصت و دو هفته، مسح کشته خواهد شد و دیگر نخواهد بود.»  
دانیال 9:26

قبلاً دیدیم که این مسح شده عیسی است. توجه داشته باشید که در آیه 26 فرشته به دوره کامل اشاره نمی کند: «هفت هفته و شصت و دو هفته». فقط می گوید: «پس از شصت و دو هفته». چرا او این کار را انجام داد؟ توجه داشته باشید که شصت و دو هفته آخرین قسمت از دوره ای است که فرشته در آیه 25 داد:

(1) هفت هفته و (2) شصت و دو هفته.

همانطور که "شصت و دو هفته" آخرین قسمت از دوره مشخص شده را تشکیل می دهد. شصت و دو هفته با پایان یافتن دوره «هفت هفته و شصت و دو هفته» یعنی در سال 27 میلادی تمام شد. فرشته با گفتن اینکه پس از شصت و دو هفته مسح شده کشته خواهد شد، آشکار می کند که پس از سال 27 پس از میلاد مسیح، عیسی کشته خواهد شد. تاریخ گزارش می دهد که عیسی در سال 31 پس از میلاد درگذشت، بنابراین پس از سال 27 پس از میلاد



اکنون به آیه بعدی می پردازیم:

«او برای یک هفته با بسیاری عهد محکم خواهد بست. در اواسط هفته، این اتفاق خواهد افتاد  
قربانی و هدایای گوشت متوقف شود.» دانیال 9:27

فرشته در مورد چه هفته ای صحبت می کند؟ از هفتاد، او قبلاً  $62 + 7 = 69$  هفته را مورد بحث قرار داده است.  
بنابراین، شما باید در مورد آخرین مورد، یعنی هفتادمین صحبت کنید:



توجه داشته باشید که در پایان دوره  $62 + 7$  هفته یک هفته تا تکمیل 70 هفته باقی مانده است. توضیح وقایعی که در این  
هفته آخر نبوت را محقق می کند در آیه 27 آمده است:

"او با بسیاری برای یک هفته عهد محکم خواهد بست" دانیال 9:27

این هفته، آخرین هفته، 70 در سال 27 بعد از میلاد آغاز می شود. هفته 7 روز دارد و همانطور که قبلاً دیدیم در این  
پیشگویی معادل هفت سال است. تاریخ نشان می دهد که عیسی از زمانی که مسح شد، انجیل را به مدت سه سال و نیم به یهودیان  
اعلام کرد تا اینکه تحت تأثیر آنها مصلوب شد. اما موعظه انجیل به یهودیان ادامه یافت تا اینکه دقیقاً 7 سال یعنی در سال 34 بعد  
از میلاد به پایان رسید. در این سال استیفان مسیحی یهودی وارسته به دست خود یهودیان کشته شد.

«و استیفان را سنگسار کردند که ندا داد و گفت: خداوندا عیسی روح مرا بپذیر! سپس در حالی که زانو زده بود با صدای  
بلند فریاد زد: پروردگارا، این گناه را بر آنها مگذار! با این سخنان او به خواب رفت... در آن روز آزار و اذیت بزرگی بر کلیسای اورشلیم  
برخاست. و همه، به جز رسولان، در نواحی یهوده و سامره پراکنده شدند... آنهایی که پراکنده بودند به همه جا رفتند و کلام را موعظه  
کردند.» اعمال رسولان 60، 7:58 و 8:1 و 4

در روزی که استیفان به قتل رسید، «آزار و شکنجه بزرگی بر کلیسا روی داد» و مسیحیان «پراکنده شدند» و «به همه جا رفتند و کلام را موعظه کردند». O  
موعظه انجیل منحصرأً برای یهودیان متوقف شد و شروع به موعظه برای غیریهودیان شد. هفتاد هفته "قطع" برای یهودیان به پایان رسید.

قتل استیفان پایان دوره هفت ساله بود، یعنی هفته ای که در آن فرشته گفته بود که عیسی «عهد» خواهد بست:

"او با بسیاری برای یک هفته عهد محکم خواهد بست" دانیال 9:27

کسانی که انجیلی را که عیسی از زمان غسل تعمید او در سال 27 پس از میلاد و توسط رسولان موعظه کرده بود پذیرفتند، این عهد را پذیرفتند. با این حال، مردم یهودی، به طور کلی، زمانی که پس از کشتن استیفان، واعظان انجیل را از اورشلیم بیرون کردند، آن را رد کردند. این در پایان این هفته از سال 27 (پس از میلاد 34 = 7 + پس از میلاد) رخ داد. بنابراین هفتاد هفته نبوت تحقق یافت.

هنوز در حال توضیح این موضوع در هفته گذشته، فرشته به دانیال گفت:

دانیال "در وسط هفته قربانی و قربانی گوشت را متوقف خواهد کرد."

9:27

«در وسط هفته» یعنی در اواسط دوره 7 ساله «قربانی» «قطع» می شود. نیمی از 7 سال سه سال و نیم است. قبلاً دیدیم که این هفته سالها در سال 27 بعد از میلاد آغاز شد. با افزودن سه سال و نیم به آن به سال 31 میلادی می رسیم. تاریخ گزارش می دهد که در این سال عیسی کشته شد. پیشگویی که فرشته به دانیال داد به زمانی اشاره داشت که عیسی برای گناهکاران خواهد مرد.

این رویدادی بود که در "نیمه هفته" که توسط فرشته داده شد رخ داد. و چگونه مرگ عیسی «قربانی را متوقف کرد»؟ کتاب مقدس جواب دارد. خداوند مقرر کرده است که انسان وقتی گناه کرد به گناه خود بر حیوان اعتراف کند و آن را قربانی کند. خون حیوان هیچ فضیلت نجات بخشی برای بخشش گناهان نداشت، اما نمایانگر خون کسی بود که برای ما قربانی می شد - عیسی، در قربانگاه واقعی - صلیب جلگه. هر قربانی، هر قربانی گناهی که یک اسرائیلی انجام می داد، قربانی پسر خدا را برای ما یادآوری می کرد. یحیی تعمید دهنده فهمید که حیوانات قربانی شده نماینده عیسی مسیح هستند، که خون ریخته شده او می تواند بخشش را برای انسانی که از قانون خدا تخطی کرده است، بگیرد. یوحنا این حقیقت را بیان کرد وقتی گفت:

یحیی عیسی را دید که نزد او می آید، گفت: اینک بره خدا که گناه جهان را برمی دارد. یوحنا 1:29

وقتی عیسی کشته شد، قربانی واقعی انجام شد. اگر قربانی واقعی قبلاً انجام شده بود، چه نیازی به ادامه قربانی کردن حیوانات برای آمرزش گناهان وجود داشت؟ پس از مرگ عیسی بر روی صلیب کالواری، دیگر نیازی به قربانی کردن حیوانات نیست. گناهکار فقط باید به قربانی خود ایمان داشته باشد.

معبد اورشلیم مکانی بود که حیوانات را برای قربانی می بردند. هنگامی که عیسی درگذشت، خدا شهادت داد که مکان مقدس در اورشلیم دیگر محلی برای قربانی کردن حیوانات نخواهد بود.

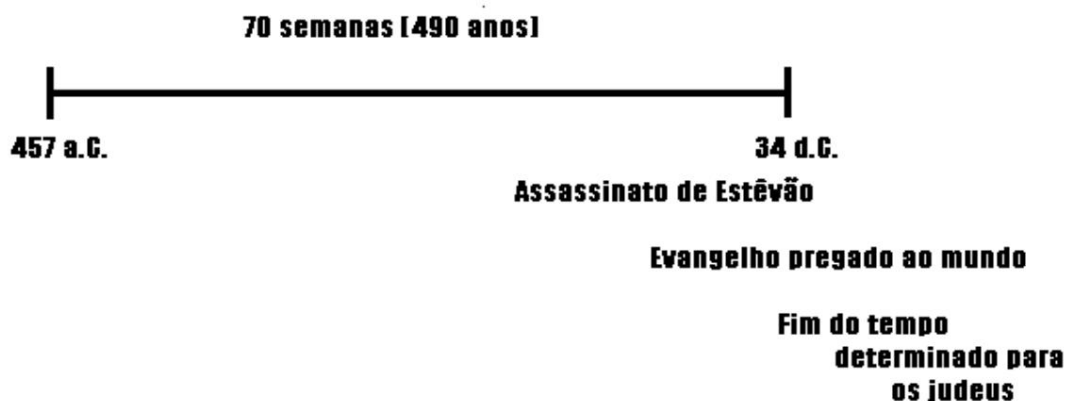
تا مردان بتوانند بخشش را بدست آورند. در انجیل متی چنین آمده است:

«و عیسی دوباره با صدای بلند گریه کرد و روح خود را تسلیم کرد. ببینید،  
حجاب حرم از بالا به پایین دو نیم شد.» متی 51، 27:50

کار ماوراء الطبیعه بود، زیرا پرده به ارتفاع حدود 5 متر از "بالا به پایین" پاره شد. موجودی نامرئی پرده معبد را پاره کرد. حجاب جایی بود که خون حیوانات قربانی شده توسط گناهکاران به آن برده می شد. هنگامی که پرده پاره شد، خداوند شهادت داد که قربانی های حیوانی که در آن حرم انجام می شود دیگر معنی ندارد. خدمت کاهنانی که در آنجا خدمت می کردند نیز متوقف می شد و با خدمت مسیح به عنوان کاهن واقعی انسان در بهشت جایگزین می شد (عبرانیان. 2، 1، 8)

در دانیال 27، 9 فرشته به نبی گفته بود که در همین تاریخ، «در نیمه هفته»، عیسی «هدیه غذا» را متوقف خواهد کرد. این پیشکش نیز نماینده مسیح بود. از آرد خوب یا یک آردی درست می شد، همیشه بدون مخمر. خمیر مایه نماد گناه است. تقدیم بدن مسیح قربانی بدون گناه بود، زیرا مسیح هرگز گناه نکرد. آردی که به عنوان هدایایی ارائه می شد با آسیاب کردن دانه تولید می شد و نماینده مسیح بود که برای گناهان ما آسیاب می شد (اشعیا 53:5). هنگامی که عیسی بر روی صلیب کالواری درگذشت، دیگر نیازی به ارائه هدایای نمادین توسط بنی اسرائیل نبود. بنابراین، از طریق قربانی بر روی صلیب، او همچنین از پیشکش غذا جلوگیری کرد، همانطور که در نبوت پیش بینی شده بود. خدا از قبل می دانست که زمان فرستادن پسر محبوبش به عنوان قربانی برای گناهان ما چه زمانی به پایان می رسد، در نبوت از طریق فرشته خود خبر داد که این کار مبارک چه زمانی انجام می شود.

در پایان هفتاد هفته، اسرائیل با کشتن استیфан و اخراج واعظان از اورشلیم، انجیل را که خدا از طریق موعظه مسیح و رسولان به آنها پیشنهاد کرد، رد کرد. در پایان این دوره، قوم اسرائیل دیگر کلیسای خدا بر روی زمین تلقی نخواهند شد، و اورشلیم برای همیشه دیگر مکانی فیزیکی نخواهد بود که خداوند می تواند خانه خود را با مردان بسازد.



پولس رسول پس از سال 34 بعد از میلاد می نویسد که آنها بودند یهودیان واقعی کسانی هستند که به عیسی مسیح ایمان داشتند:

«و فکر نکنیم که کلام خدا برای همه شکست خورده است»

اسرائیل در واقع اسرائیلی ها هستند. و نه چون آنها از نسل ابراهیم هستند همه فرزندان او هستند.» رومیان 6: 9 و 7

«پس بدانید کسانی که ایمان آورده‌اند فرزندان ابراهیم هستند.» غلاطیان 3: 7

«زیرا او یهودی نیست که فقط در ظاهر یکی باشد... بلکه یهودی کسی است که که در باطن است.» رومیان 29، 28:2

در دانیال 24:9 فرشته گفت که "هفتاد هفته بر روی آن تعیین می شود قوم تو و شهر مقدس تو، تا به گناه پایان بدهی." دانیال 9:24

خدا با قوم اسرائیل هدفی داشت. همانطور که دانیال 9:24 می گوید ، اگر او انجیل موعظه شده توسط مسیح و رسولان را می پذیرفت، مسیح به آنها قدرت می داد تا تجاوزات آنها در پایان هفتاد هفته "پایان" بیاید . اما آنها مسیح را رد کردند و به جای اینکه هدف خدا در زندگی آنها محقق شود، تخلفات خود را جمع کردند و مسیح و استیفسان را کشتند. بنابراین، هدف خداوند، اگرچه در زندگی کسانی که آنها را رد کردند، محقق نشد، اما در زندگی همه مؤمنان به بشارت تحقق یافت. دشمنی که با خدا در دل آنها وجود داشت به واسطه فیض مسیح که از طریق ایمان به آنها اعطا شده بود، از بین رفت. ما می بینیم که خدا به افراد احترام نمی گذارد. یهودی یا غیریهودی فقط از طریق مسیح وارث وعده ها هستند (رومیان 3:30) پولس یهودی نوشت:

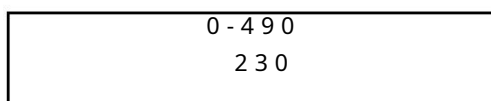
«آیا ما مزیتی داریم؟ نه، به هیچ وجه؛ زیرا قبلاً نشان داده‌ایم که همه، چه یهودیان و چه یونانی‌ها، تحت گناه هستند. همانطور که مکتوب است عادل نیست، حتی یک نفر نیست، کسی نیست که بفهمد، کسی نیست که خدا را بجوید.» رومیان 9-11: 3

تا اینجا توضیح هفتاد هفته ای که فرشته به دانیال داده بود را مطالعه کردیم. با این حال، نمی‌توانیم فراموش کنیم که فرشته آمده بود تا رؤیای 2300 شب و صبح را برای دانیال توضیح دهد. "هفتاد هفته"، قسمت اول 2300 سال.

ما دوباره در زیر نمودار حاوی جدول زمانی 70 هفته و 2300 سال را با هم ارائه می دهیم:

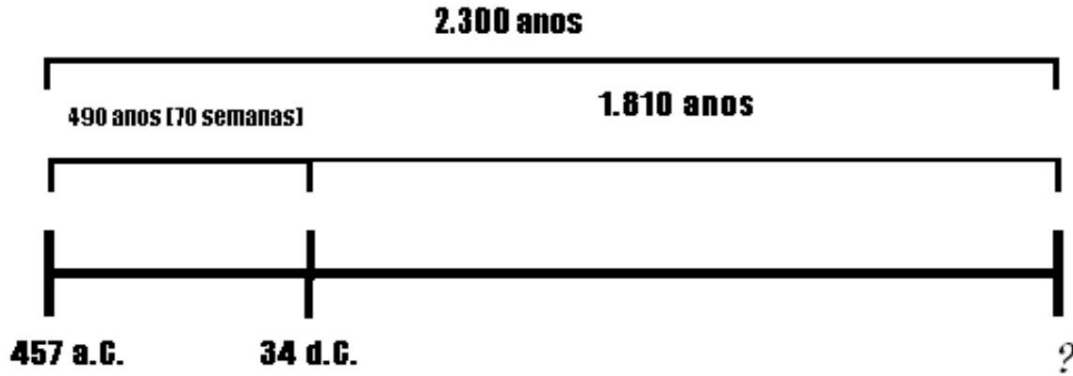


از آنجایی که در مطالعه هفتاد هفته 490 سال پیش رفته ایم، فقط باید بررسی کنیم که چقدر زمان برای تکمیل 2300 سال باقی مانده است و آنها را به تاریخی که مربوط به پایان 490 سال است اضافه کنیم:



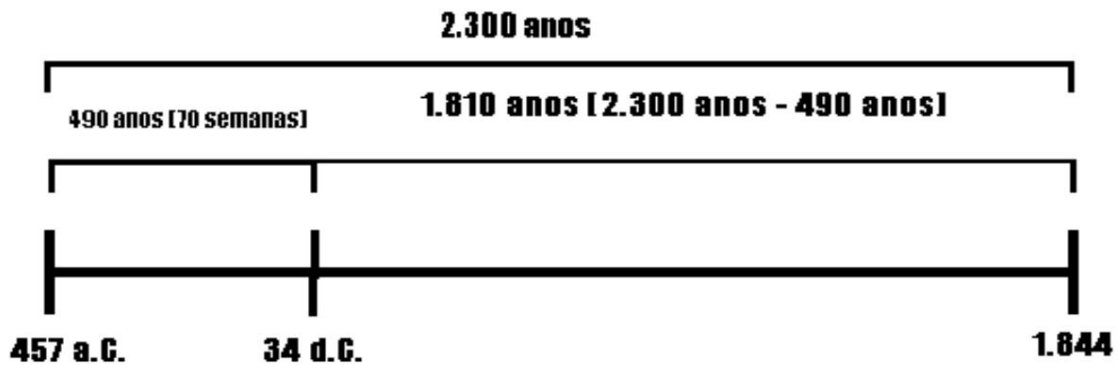
1810 سال

2300 سال نبوت به دو بخش تقسیم شد: هفتاد سال اول هفته ها، که مربوط به 490 سال، و زمان باقی مانده، 1810 سال است:



علامت در نمودار بالا سالی را نشان می دهد که دوره زمانی پیش بینی شده توسط نبوت در آن به پایان می رسد. برای دانستن این موضوع کافی است سالی را که 490 سال در آن به پایان رسیده است (سال 34 پس از میلاد مطابق نمودار بالا) را به سال های باقی مانده تا رسیدن به پایان 2300 سال اضافه کنید. با انجام محاسبات، داریم:

0 0 3 4 dC
+ 1 8 1 0 سال
-----
1 8 4 4 د. سی.



پیشگویی 2300 شب و صبح به سال 1844 اشاره می کند. در آن آمده است: "تا دو هزار و سیصد شب و صبح و قدس پاک خواهد شد" دانیال 8:14 کدام حرم؟ وقتی باب 8 دانیال را مطالعه کردیم، دیدیم که این مکان مقدس عیسی است که به دست بشر ساخته نشده است. که در مکانی است که مسیح شفاعت می کند و در بهشت قرار دارد (عبرانیان 9: 24). 1، 2: 8 چه چیزی می تواند حرم بهشت را نجس کند؟

گناهان در محراب بنی اسرائیل، هنگامی که مردم به گناهان خود در مورد حیوانی که قربانی می شد اعتراف می کردند، خون این حیوان را روی پرده (پرده) درونی محراب می پاشیدند که دو قسمت این محراب (مقدس نامیده می شد) را تقسیم می کرد. و "مقدس ترین". این عمل پاشیدن خون روی حجاب نشان دهنده این بود که

گناहانی که در مورد حیوان اعتراف شده بود، از طریق خون آن به محراب منتقل شد. به این ترتیب، هر سال، پناهگاه اسرائیل از طریق این کار انتقال نمادین پر از گناه می شد. و سپس، یک بار در سال، محراب توسط کشیش تطهیر می شد. به همین ترتیب، پس از انجام قربانی مسیح بر روی صلیب کالواری، هنگامی که انسانها با ایمان به عیسی به گناهان خود نزد خدا اعتراف می کنند، گناهان آنها از طریق شایستگی های خون مسیح عیسی به قدس آسمانی منتقل می شود. مراسمی که در قدیم در عبادتگاهی که در گذشته به قوم اسرائیل داده شده بود، نمونه ای بود از آنچه در واقع از طریق خدمت مسیح در بهشت رخ می داد. به همین دلیل پولس پس از گزارش مراسمی که در محراب اورشلیم برگزار می شود، گفت: «این مَثَلی برای عصر حاضر است.»

(عبرانیان، 9:9)

با پیشگویی 2300 عصر و صبح، خداوند به ما اطلاع داد که وقتی 2300 سال ذکر شده در آن به پایان رسید، یعنی زمانی که ما به سال 1844 رسیدیم، "مقدس" بهشت "تطهیر خواهد شد". عیسی، کشیش واقعی ما، کار پاکسازی مکان مقدس را در سال 1844 آغاز کرد. او کی تمام می کند؟ به زودی. و هنگامی که او تمام شد، دیگر راهی برای اعتراف به گناهانمان وجود نخواهد داشت و آنها را دوباره به خاک مقدس می فرستیم. پس از تطهیر، حریم بهشت دیگر هرگز آلوده نخواهد شد. بیانیه مکاشفه نگرش عیسی را به خوبی بیان می کند، هنگامی که کار تطهیر قدس به پایان می رسد: «ظالمان به ظلم ادامه دهند، ناپاک همچنان نجس باشد. عادلان به عدالت ادامه می دهند و مقدسان به تقدیس خود ادامه می دهند.» مکاشفه 22:11 امروز زمان آن است که از خدا بخواهیم که گناهان ما را به ما نشان دهد و سپس با ایمان به قربانی عیسی به آنها اعتراف کنیم و بدین ترتیب آنها را زودتر به قدس خدا بفرستیم. بنابراین، هنگامی که کار مسیح به پایان رسید، دیگر گناهی برای اعتراف نخواهیم داشت. و پاک، پاک و بی عیب خواهیم بود و قادر خواهیم بود در حضور خدای مقدس بدون شفیع زندگی کنیم.

خداوند در روی زمین قومی خواهد داشت که وقتی تطهیر حرم تمام شود در این وضعیت خواهند بود. این افراد در مکاشفه توصیف شده اند:

«نگاه کردم، و اینک بره ایستاده بر کوه صهیون، و با او یکصد و چهل و چهار هزار... آنها پیروان بره هستند، هر کجا که او برود... دروغی در دهان او یافت نشد، هیچ عیب ندارند.» مکاشفه 5، 14:1

باشد که ما نیز به قدرت و لطف خداوند بخشی از این مردم بی عیب باشیم  
خداوند عیسی آمین

## فصل 5

### مکاشفه - 13 سلطنت وحش

در فصل اول، هنگام مطالعه مجسمه نمادین دانیال، دیدیم که ده انگشت مربوط به پادشاهانی است که در زمان ظهور دوم مسیح بر جهان حکومت خواهند کرد. در فصل 13 آخرالزمان، ما یک مکاشفه تکمیلی را از طریق نماد جانور با ده شاخ می یابیم.

«آنگاه جانوری را دیدیم که از دریا بیرون می‌آید، ده شاخ و هفت سر داشت و بر شاخ‌هایش ده دیدم و بر سرهایش نام‌های کفرآمیز.» مکاشفه 13:1

به مطابقت بین این دو توجه کنید: ده انگشت مجسمه در دانیال 2؛ ده شاخ جانور اما متن مکاشفه 13 به جزئیاتی اشاره می‌کند که توجه ما را به خود جلب می‌کند:

«وحشی را دیدیم که ده شاخ و هفت سر و بر روی او از دریا بیرون آمد  
شاخ ده قاب» مکاشفه 13:1

دیدم ها تاج هستند. وقتی پادشاهی «پادشاهی» را دریافت می‌کند، چه اتفاقی برای او می‌افتد؟ تاج گذاری شده است. این واقعیت که یوحنا ده شاخ را «تاج‌گذاری» می‌بیند، نشان می‌دهد که ده پادشاهی که توسط آنها نمایندگی می‌شد، قبلاً تاج‌گذاری کرده‌اند. در مکاشفه 17، جزئیات بیشتری در مورد همین جانور اضافه شده است. در آنجا فرشته پیش بینی می‌کند که ده پادشاه وقتی قدرت داشته باشند چه خواهند کرد:

«اینها هم نیت دارند و قدرت و اختیار خود را به وحش خواهند سپرد.»  
مکاشفه 17:13

آیه نقل شده پیش بینی می‌کند که از طریق این واگذاری قدرت ده پادشاه به جانور، او قدرت جهانی را دریافت خواهد کرد، به طوری که کل زمین به او خدمت خواهد کرد. مکاشفه 13 که وحش بر تمام زمین قدرت خواهد داشت:

«و وحشی که دیدم مثل پلنگ بود و پاهایش مثل پای خرس و دهانش مثل دهان شیر بود. و اژدها قدرت و تاج و تخت و اقتدار عظیم خود را به او بخشید.» مکاشفه 13:2

این جانور دارای ویژگی‌های این سه حیوان بود: «پلنگ، خرس و شیر». چه زمانی ما فصل 7 دانیال را مطالعه کردیم، دیدیم که آنها نمادی از:

- لئو - بابل؛
- خرس - ماد.
- پلنگ - یونان.

در دانیال 7، این سه حیوان نشان دهنده سه پادشاهی بودند. و این پادشاهی‌های نشان داده شده چه وجه مشترکی دارند؟ همه - بابل، مادها و یونان - قدرتهای جهانی بودند. این واقعیت که این جانور دارای ویژگی‌های سه حیوان است به این معنی است که بر کل زمین تسلط خواهد داشت. زمانی که یوحنا آن را می‌بیند، در مکاشفه 13، وحش قبلاً قدرت ده پادشاه زمین را دریافت کرده است. آیه 2 بیشتر گزارش می‌دهد: "و اژدها قدرت و تاج و تخت و قدرت بزرگ خود را به او داد." در کتاب مقدس، اژدها نماد شیطان است:

«و اژدهای بزرگ، آن مار کهن، به زمین انداخته شد،  
شیطان و شیطان را می‌خواند» مکاشفه 9: 12

وحش سلطنت خواهد کرد و قدرت خواهد داشت، نه به قدرت خدا، بلکه با قدرت شیطان.



«یکی از سرهای وحش را هم دیدم که انگار مجروح شده بود، اما زخم مرگبارش خوب شد. تمام زمین شگفت زده شدند، زیرا او وحش را دنبال کرد.» مکاشفه 13:3

یحیی یکی از سرهای وحش را دید که «گویا زخمی شده باشد.» وحشی که پاپ است، سر آنها باید نماینده رهبران خود - پاپ ها باشد. عبارت "انگار مجروح مرگبار" ترجمه کلمه "sphazo" از یونانی اصلی است. این کلمه همیشه برای مشخص کردن کسی که واقعاً مرده استفاده می شود. ما در اینجا یکی از قسمت هایی را که این عبارت در آن آمده است، به عنوان نمونه نقل می کنیم:

«و دیدم، بین تخت و چهار موجود زنده، در میان بزرگان،  
بره ایستاده، گویی ذبح شده باشد.» مکاشفه 5:6

در آیه قبل تعبیر «قتل» ترجمه کلمه «سفازو» است. "بره" به عنوان کشته شده معرفی می شود. ما می دانیم که بره عیسی مسیح است که برای ما کشته شد. بنابراین، متوجه می شویم که کلمه «sphazo» در اصل، وقتی استفاده می شود، به این معنی است که شخصی که به آن اشاره می کند واقعاً کشته شده است. در مکاشفه 13، این واقعیت که یکی از سرهای جانور به عنوان «سفازو» (زخم کشنده) معرفی شده است، به این معنی است که سر در واقع «مرده است».

اما زخم مرگبار او التیام یافت. تمام زمین شگفت زده شد، به دنبال  
وحش» مکاشفه 13:3

یک پاپ درگذشت و به عنوان "رستاخیز" ظاهر خواهد شد. جای تعجب نیست که تمام زمین شگفت زده می شود اگر پاپ را "رستاخیز" ببیند. ما به خواندن فصل 13 ادامه می دهیم:

«و اژدها را پرستش کردند، زیرا او به وحش قدرت داد. و وحش را پرستش کردند و گفتند: چه کسی شبیه وحش است؟ چه کسی می تواند با او مبارزه کند؟»  
مکاشفه 13:4

یحیی دید که ساکنان زمین، وقتی پاپ قیام کرده را می بینند، او را می پرستند و به او ادای احترام می کنند. و با انجام این کار، آنها در واقع کسی را می پرستند که به آنها اختیار می دهد - خود شیطان. بنابراین می بینیم که «قیامت» از طریق مشیت الهی رخ نخواهد داد، بلکه از طریق عمل خود شیطان رخ خواهد داد. آیه مذکور همچنین گزارش می دهد که ساکنان زمین با مشاهده این حقیقت چه می گویند: «چه کسی مانند حیوان است؟ چه کسی می تواند با او مبارزه کند؟» این سؤالات شگفتی را نشان می دهد که ساکنان زمین با واقعیت دیدن کسی که "از مردگان برخاست" روبرو می شوند. این روزها صحبت از مرگ زیاد است. هزاران کتاب درباره اتفاقات پس از مرگ نوشته شده است. هر یک از ادیان مختلف در مورد آنچه پس از مرگ اتفاق می افتد نظریه پردازی می کنند، اما با همه اینها، هنوز یک سوال در ذهن هزاران نفر وجود دارد: «در واقع پس از مرگ چه اتفاقی می افتد؟ تا به امروز کسی را ندیده ایم که زنده شدنش ثابت شده باشد که در هنگام مرگ آنچه را که دیده اند بگوید.» شیطان، از طریق این فریب، هزاران نفر را وادار خواهد کرد که سخنان این پاپ «رستاخیز» را به عنوان پاسخ واقعی به سؤالات خود دریافت کنند. چگونه می توانید سخنان کسی را که مرده و زنده شده زیر سوال ببرید؟ و اگر او حتی کلید مرگ را در اختیار دارد، چرا نباید حرف های او را باور کنیم؟ سؤالاتی از این دست منعکس کننده سخنان نبوت است: «چه کسی مانند وحش است؟ چه کسی می تواند با او مبارزه کند؟» در واقع، ساکنان

زمین فکر خواهد کرد که هیچ کس بر روی زمین قدرت یا اختیاری برای مخالفت با کسی که از مردگان برخاسته را ندارد و "اثبات" می کند که بر مرگ قدرت دارد. نبوت در ادامه می فرماید:

«به او دهانی داده شد که تکبر و کفر گفت. و به او اختیار داده شد تا چهل و دو ماه عمل کند.» مکاشفه 13:5

از نظر کلام خدا کفر چیست؟

«و کاهن اعظم به او گفت، به خدای زنده تو را امر می کنم که به ما بگو که آیا تو مسیح، پسر خدا هستی. عیسی به او پاسخ داد: «چنان است که تو گفتی... آنگاه کاهن اعظم جامه های خود را پاره کرد و گفت: کفر گفت. چرا هنوز به شاهد نیاز داریم؟ بنگر، اکنون کفر او را شنیدی.» متی 26:63-65

فریسیان معتقد بودند که عیسی وقتی گفت که پسر خداست، کفر گفت. این کفر تلقی می شد که کسی ادعا کند پسر خداست در حالی که در واقعیت چنین نیست. عیسی پسر خدا بود، اما فریسیان نمی خواستند ایمان بیاورند. بنابراین، گفتار او برای آنها کفر بود. از این رو ما این مفهوم را درک می کنیم: کسی وقتی خود را به جای مسیح می گذارد کفر می گوید. هر پاپ وقتی بر تخت واتیکان می نشیند، عنوانی دارد که در زبان رسمی این کشور، لاتین، می خواند: «Dei Vicarivs Fili» معنی این است: «جانشین پسر خدا». چگونه یک مرد می تواند این عنوان را برای خود قائل شود؟ طبق کلام خدا، قرار دادن خود به عنوان جانشین مسیح، به عنوان خود پسر خدا، بدون اینکه واقعاً یکی باشد، یک عمل کفرآمیز است، این کفر است. این متن همچنین می گوید که «به او دهان تکبر مطلق داده شد». کلمه «کبر» نیز به معنای غرور است. این نشان می دهد که او خود را از دیگر بزرگان روی زمین برتری خواهد داد و همچنین اجازه نخواهد داد که اقتدارش زیر سوال برود. او خود را بر همه چیز برتر خواهد داد. پیشگویی هنوز زمان را نشان می دهد

---

که طی آن این پاپ چنین اختیاری خواهد داشت. در آیه 5 می خوانیم: «به مدت چهل و دو ماه». چهل و دو ماه معادل سه سال و نیم است. این مدت زمان سلطنت آخرین پاپ روی زمین خواهد بود. در زمانی که او در قدرت است چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیات زیر به ما وحی می کند:

«و دهان خود را به کفر به خدا گشود تا نام او را ناسزا گوید و خیمه او و ساکنان بهشت.» مکاشفه 13:6

ما قبلاً معنای کلمه "کفر" را مطالعه کرده ایم. وقتی کسی خود را به جای پسر خدا می گذارد، بدون اینکه یکی باشد، کفر می گوید. بنابراین، «کفر گفتن» به این واقعیت اشاره دارد که خود را به جای آنچه خدا ایجاد کرده است قرار می دهد. بنابراین کفر گفتن به «نام» خدا باید به معنای قرار دادن چیزی به جای «نام» خدا باشد. اگر بدانیم «نام» خدا چیست، می توانیم به راحتی نشان دهیم که پاپ چه چیزی را به جای آن قرار خواهد داد. در خروج ما اشاره ای به نام خدا پیدا می کنیم:

«سپس خداوند به موسی گفت: «دو تخته سنگی مانند اولی برتراش. و بر الواح همان کلماتی را که در الواح اول بود که شما شکستید. خواهم نوشت... سپس دو لوح سنگی مانند اولی تراشید. و موسی صبح زود برخاست و همانطور که خداوند به او دستور داده بود از کوه سینا بالا رفت و دو لوح سنگی را در دست گرفت. خداوند در ابری فرود آمد و با او ایستاد. و نام خداوند را اعلام کرد.» خروج 34:1، 4، 5

خداوند به موسی گفته بود: «و کلماتی را که در الواح اول بود، بر آنها خواهیم نوشت.» این «کلمات» ده فرمان بودند. کتاب مقدس چگونه قانون خدا را بر روی این الواح نوشته است؟ آخرین آیه ای که خواندیم به ما وحی می کند:

«خداوند در ابری فرود آمد و با او در آنجا ایستاد. و او نام خداوند را اعلام کرد.» خروج 34:5

هنگامی که خدا نام خود را اعلام می کند، او شریعت خود را می نویسد.

بازگشت به آخرالزمان، کفر گفتن یعنی خود را به جای خدا گذاشتن. کفر گفتن به نام او به معنای قرار دادن قانونی به جای قانون خداست. پاپ ها احکام انسان ها را به جای قانون خدا قرار داده اند و از طریق تعلیم تعلیم داده اند. در آنها به جای فرمان چهارم می خوانیم: «یکشنبه ها و اعیاد را نگه دارید». اما در چهارمین فرمان شریعت خدا می خوانیم: «روز سبت را به یاد آورید تا آن را مقدس نگه دارید. شش روز کار خواهید کرد و تمام کارهای خود را انجام خواهید داد. اما روز هفتم، سبت یهوه خدایت است.» خروج 20:8

پاپ ها به نام خدا توهین می کنند، زیرا آنها احکامی را برخلاف آنچه در شریعت او مقرر شده اعلام می کنند. با این حال، درک بیانیه مکاشفه 6: 13 آسان است. همه پاپ ها به نام خدا کفر می گویند. اما کسی که در پیشگویی نشان داده شده است، این کار را به میزان بیشتری از دیگران انجام خواهد داد، زیرا او قدرت ده پادشاهی را که بر روی زمین حکومت می کند، دریافت خواهد کرد.

در مکاشفه 6: 13 نیز می خوانیم که وحش "دهان خود را به کفر گشود تا خیمه خود را کفر گوید." کلمه "خیمه" در عهد عتیق برای تعیین "مقدس" خدا استفاده می شود. یک مکان مقدس در بهشت وجود دارد که عیسی مسیح به عنوان شفیع و کشیش ما در آن خدمت می کند:

«اکنون مجموع آنچه گفتیم این است که ما چنین کاهن اعظمی داریم که در بهشت در سمت راست تخت اعظم، وزیر قدس و خیمه حقیقی که خداوند آن را بنا کرد، نشسته است. و نه انسان» عبرانیان 2، 1: 8

دشنام دادن به خیمه ی خدا، قرار دادن دیگری به جای آن است. پاپ ها کلیساهای خود را "مقدس" می نامند. در این کار به خیمه خدا کفر می گویند. آنها همچنین کاهنان را "کاهن" و شفیع می نامند و به مؤمنان دستور می دهند که به گناهان خود اعتراف کنند. بنابراین آنها ذهن مردم را از حقیقت به افکار نادرست که توسط انسان ایجاد شده است منحرف می کنند. خدمت مقدس کاذب هیچ فضیلتی برای ابلاغ تقدس یا آرامش به نمازگزاران ندارد. فقط خدمت مسیح، در پناهگاه بهشت، می تواند برای ما سودمند باشد. هیچ کس در این زمینه اشتباه نکند.

مکاشفه 13 همچنین نشان می دهد که وحش علیه کسانی که «در آسمان ساکن هستند» کفر خواهد گفت. این عبارت به چه معناست؟ ما پاسخ را در سخنان پولس می یابیم که با ایمانداران افسسی صحبت می کند:

«اما خدا که در رحمت غنی بود... با اینکه در گناهان خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد (به فیض شما نجات یافتید) و ما را با او برخیزانید و ما را با او در آنجا نشست. قلمروهای آسمانی در مسیح عیسی»

خدا ما را با مسیح در «مکان‌های آسمانی» نشانده . بنابراین، مکاشفه می‌گوید که آنها "در بهشت ساکن هستند". وحش کفرآمیز خواهد کرد، یعنی افرادی را که واقعاً عیسی را پذیرفته اند با شخصیتی دروغین معرفی می‌کند.

همچنین به او اجازه داده شد که با مقدسین جنگ کند و بر آنها غلبه کند. و به او داد حاکمیت بر هر قبیله و قوم و زبان و قوم. «مکاشفه 13:7»

وحش با مقدسین "جنگ" خواهد کرد و آنها را شکست خواهد داد. هنگامی که دانیال 7 را مطالعه کردیم، متوجه شدیم که جنگ با مقدسین و شکست دادن آنها برای پاپ به چه معناست: از طریق ارتشی که به آن وفادار بودند، قدیسان خدا را که به او و شریعت او احترام می‌گذاشتند، کشت. بنابراین، در اینجا به این معنی است که آخرین پاپ، از طریق نیروهای تحت امر خود، تاریخ گذشته را تکرار خواهد کرد و سعی در کشتن اولیای خدا خواهد کرد. این آیه همچنین می‌گوید: «بر هر قبیله و قوم و زبان و قوم به او اختیار داده شد». پاپ بر کل زمین، که شامل کلیه کلیساهای رسمی تأسیس شده نیز می‌شود، قدرت خواهد داشت. هیچ قوم، قبیله، زبان و قومی از اقتدار او بری نخواهد بود. او بر جهان سلطه خواهد داشت.

«و همه ساکنان روی زمین او را پرستش خواهند کرد که نام او در کتاب بره ای که از پیدایش جهان ذبح شده نوشته نشده است.» مکاشفه 13:8

تعبیر «آنهايي که بر روی زمین ساکن هستند» به کسانی اشاره دارد که هرگز به خدمت مسیح وارد نشده اند. آنها از نظر روحانی در آسمان ساکن نیستند، بلکه در زمین زندگی می‌کنند. نام این افراد در کتاب بره نوشته نشده است. همه آنها وحش را می‌پرستند و از دستورات او پیروی می‌کنند. ما به خواندن و مطالعه مکاشفه 13 ادامه می‌دهیم:

"اگر کسی گوش دارد، گوش کند." مکاشفه 13:9

در متن قبلی آمده است: «اگر کسی گوش دارد، گوش کند». این عبارت به چه معناست؟ آیا به این معنی است که فقط کسانی که مشکل شنوایی ندارند پیام را می‌شنوند؟ بیایید به یاد داشته باشیم که کتاب مکاشفه نمادهایی را ارائه می‌دهد، و اینها باید توسط خود کتاب مقدس آشکار شوند. عیسی در پایان مَثَل‌های خود از تعبیر «کسی که برای شنیدن گوش دارد، بشنود» استفاده کرد (مثلاً: لوقا 14:35). تمثیل‌ها داستان‌هایی بودند که حاوی آموزه‌هایی بودند. برای درک تعالیم موجود در آنها، لازم بود کسانی که آنها را می‌شنیدند، قلب خود را به روی خدا بگشایند. بنابراین، از طریق روح القدس، حقیقت الهی بر او آشکار می‌شود. فقط صادقان، کسانی که مسیح را در قلب او پذیرفتند، سخنان او را درک کردند. پس فرمود: هر که گوش شنوا دارد، بشنود. وقتی همین عبارت را در مکاشفه می‌ایم، متوجه می‌شویم که آنچه بعداً گفته می‌شود، تنها توسط کسانی که قلب خود را به عیسی می‌سپارند، درک می‌کنند و می‌پذیرند. و چه گفته شده است؟

«اگر کسی اسیر شود، به اسارت خواهد رفت. اگر کسی با شمشیر بکشد، باید با شمشیر کشته شود. اینجا استقامت و ایمان اولیای الهی است.» مکاشفه 13:10

کلمات بالا را فقط کسانی که به عیسی تعلق دارند درک خواهند کرد و زمانی که وحش قدرت دریافت کند تحت آزار و اذیت قرار خواهند گرفت. بنابراین، کلمات نقل شده را باید از دیدگاه فرزندان خدا درک کرد که در زمان مشخص شده در این پیشگویی توسط نیروهای وحش مورد آزار و اذیت قرار خواهند گرفت. در این هنگام می‌بینند که شخصی آنها را «اسیر» می‌کند و به قول آیه «با شمشیر» می‌کشد. چه کسی خواهد بود

انجام این کار؟ نیروهای آزاردهنده، پلیس و ارتش ملل زمین، که فرزندان خدا را وفادار به سبت فرمان چهارم آزار خواهند داد تا آنها را به اسارت ببرند و بکشند. عیسی می گوید: هر که مقدسین را اسیر کند، «به اسارت خواهد رفت». و اگر کسی با شمشیر بکشد، باید با شمشیر کشته شود. عیسی به فرزندان مخلص خود پیشگویی می کند که هر کاری که دشمنان با آنها انجام دهند بر آنها باز خواهد گشت. و می افزاید و می فرماید: «همان استقامت و ایمان اولیاء الله». اگر بگوید اولیاء الهی باید استقامت کنند و ایمان داشته باشند، معنایش این است که در تحقق این سخنان تأخیر ایجاد می شود. دیدیم که 42 ماه به این جانور قدرت داده می شود. بنابراین، مجازات شریران پس از 42 ماه سلطنت وحش خواهد آمد. به همین دلیل است که عیسی به مقدسین می گوید: «اینجا استقامت و ایمان مقدسین است». و وقتی قدرتی که به وحش داده شده پایان یابد چه خواهد شد؟ در مکاشفه 17، پاسخ را می یابیم:

«ده شاخ که دیدی، ده پادشاه است که هنوز پادشاهی را نگرفته اند، اما برای یک ساعت پادشاهی همراه با وحش خواهند داشت. اینها نیز همین نیت را دارند و قدرت و اختیار خود را به جانور خواهند سپرد. اینها با بره خواهند جنگید و بره بر آنها غلبه خواهد کرد.» مکاشفه 17:12-14

وحش قدرت پادشاهان زمین را دریافت می کند، با بره در شخص قدیسان که به او وفادار هستند می جنگد، اما در نهایت از او شکست خواهد خورد. این در پایان 42 ماه خواهد بود.

حال به آیه بعدی می رویم:

«و جانور دیگری را دیدم که از زمین بیرون آمد و دو شاخ داشت مانند شاخ الف گوشت بره؛ و او مانند ازدها صحبت می کرد. مکاشفه 13:11

پیغمبر «جانور دیگری» را دید که برخاست. اولین باری نبود که می دید. بنابراین، نشان دهنده پاپ و پاپ نیست، اگرچه یک "جانور" نیز هست. همانطور که دیدیم کلمه "جانور" نشان دهنده اتحاد بین کلیسا و دولت است که در آن کلیسا به دولت های زمین دستور می دهد که قوم خدا را آزار دهند. این واقعیت که جان «جانور» دیگری را در اینجا می بیند نشان می دهد که او قدرت دیگری با همین ماهیت را می دید - نتیجه اتحاد کلیسا-دولت، که در آن کلیسا از دولت استفاده می کند تا با قدرت خود، قوم خدا را آزار دهد.

این "جانور" کیست؟ جزئیات مربوط به رؤیای جان، مرتبط با آن، باید به ما پاسخ دهد. جان می گوید که او را دید که «از زمین بالا رفت». این عبارت به چه معناست؟ برای فهمیدن، بیایید آن را با عبارتی که برای به تصویر کشیدن اولین وحشی که در مکاشفه 13 مشاهده شد، مقایسه کنیم:

«آنگاه جانوری را دیدم که ده شاخ و هفت سر داشت از دریا بیرون آمد.» مکاشفه 13:1

این اولین جانور است - پاپ. جان او را دید که «از دریا بیرون می آید». دریا مجموعه بزرگی از آب است. در مکاشفه 17، ما می بینیم که تجمع آب در نبوت چه چیزی را نشان می دهد:

«آبهایی که دیدی، جایی که فاحشه نشسته است، قومها، جماعتها، ملتها و زبانها هستند.» مکاشفه 17:15

این واقعیت که یوحنا هیولایی را می بیند که نماینده پاپ «از دریا بیرون می آید»، از تجمع آب، به این معنی است که پاپ از مکانی پرجمعیت، جایی که مردمان، ملل و زبانهای مختلف در آنجا بودند به قدرت رسید. واقع شده.

تاریخ نشان می دهد که مقر پاپ در رم، در اروپا بود. اروپا قاره ای است که در آن بسیاری از مردمان، ملت ها و زبانها برای قرن ها در کنار هم زندگی می کرده اند، و زمانی که پاپ به قدرت رسید این قاره پرجمعیت بود. بر خلاف وحش اول، "جانور دیگر" به عنوان "از زمین بیرون می آید" دیده می شد. بر اساس کتاب پیدایش فصل 1، در هفته خلقت جهان، آب بر سیاره زمین غالب شد تا اینکه خداوند آنچه را که ما آن را زمین می نامیم پدیدار شد و در آن سبزیجات کاشتیم. کتاب مقدس گزارش می دهد که: "خدا عنصر خشک را زمین و جمع شدن آب دریاها نامید" (پیدایش 1:10). از این آیه می توان دریافت که خداوند خشکی بی آب را «زمین» نامیده است. در نماد وحی دیدیم که جمع شدن آب ها نماد بسیاری از مردمان، انبوه ها، ملت ها و زبانهاست.

بنابراین، قسمت خشک که خداوند در پیدایش آن را «سرزمین» نامید، نشان دهنده مکانی است بدون بسیاری از مردمان، ملت ها و زبانها، کم جمعیت. سیاره ما مکان هایی دارد که می توانیم آن را «دنیای قدیم» بنامیم - آسیا، اروپا و شمال آفریقا، که برای هزاران سال مکان هایی پرجمعیت بودند. با این حال، قاره ای به نام "جهان جدید" وجود دارد، زیرا در دوران مدرن توسط مردم اروپا مستعمره شده بود. آمریکا است. از آنجایی که جان جانور را "از زمین" بیرون می آیند، مکانی که در آن مردم، انبوه، ملت ها و زبانهای زیادی وجود ندارد، او باید در یکی از کشورهای آمریکا واقع شود.

جزئیات دیگری وجود دارد که به ما کمک می کند بفهمیم که جانور دوم در کجا قرار دارد. او دید که او یک جانور «دیگر» است. اولین جانور، پاپ، نتیجه اتحاد کلیسای کاتولیک و دولت های زمین بود. از آنجایی که این جانور دوم "دیگری" است، نمی تواند نشان دهنده اتحاد کلیسای کاتولیک با دولت های زمین باشد. این لزوماً باید اتحاد سایر کلیساها با دولت های زمین باشد. بنابراین، این جانور دیگر در میان کشورهای کاتولیک قاره آمریکا قرار نخواهد گرفت. این باید یک ملت غیر کاتولیک در این قاره باشد. می دانیم که کشورهای آمریکای جنوبی و مرکزی کشورهای کاتولیک محسوب می شوند. تنها ملتی که به عنوان غیر کاتولیک به دنیا آمد و امروز هم چنین تلقی می شود «ایالات متحده آمریکا» است. این کشور بر اساس اصول پروتستان تأسیس شد و تا به امروز به عنوان یک ملت پروتستان شناخته می شود. قبلاً دیدیم که کلمه "جانور" نشان دهنده اتحاد کلیسا و دولت برای آزار و اذیت مقدسین است. اتحاد کلیساهای پروتستان با دولت، در این مورد، دولت آمریکا، برای آزار و اذیت مردم خدا، پیشگویی «جانور» دیگر را محقق خواهد کرد. امروز ما شاهد چنین اتحادی بین کلیساهای پروتستان و دولت ایالات متحده برای آزار و اذیت مقدسین نیستیم. اما نماد جانور دوم که در پیشگویی دیده می شود نشان می دهد که این اتحاد، اگر قبلاً وجود نداشته باشد، به زودی خواهد بود.

وحش «دو شاخ مانند شاخ بره داشت. و او مانند اژدها سخن می گفت» (مکاشفه 13:11) وقتی فصل 8 دانیال را مطالعه کردیم، دیدیم که نماد "شاخ" نشان دهنده "قدرت" است. به عنوان مثال، شاخ بزرگ بین چشمان بز نشان دهنده اسکندر مقدونی است. ایالات متحده که با نماد "جانور دیگر" از آن یاد می شود، یک کشور جمهوری خواه است. قدرت حکومت در یک شخص متمرکز یا ساکن نیست، بلکه در اصول حکومتی که در قانون اساسی آمده است. به خوبی شناخته شده است که ایالات متحده به عنوان سرزمین آزادی شناخته می شود، زیرا همیشه آزادی بیان و عبادت وجود داشته است و بین کلیسا و دولت جدایی آشکار وجود داشته است. شهروندان آمریکایی همیشه در بیان عقاید و اظهار عقیده خود آزاد بوده اند و دولت مستقل از اراده کلیساها عمل می کند. پروتستانیسیم برای عدم مداخله دولت در امور مذهبی دعا می کند.

پروتستانیسیم یکی از اصول حکومتی است که دولت آمریکا بر آن استوار است. اصل دیگر دولت آمریکا "جمهوری خواهی" است که در آن حکومت برخاسته از اراده مردم است و تحت سلطه یک خانواده نیست.

مورد پادشاهی پروتستان‌تیسیم و جمهوری خواهی رازهای قدرت و شکوفایی این کشور هستند و با دو شاخ «جانور دیگر» که جان دیده است مطابقت دارد.

جان که وحش "مانند اژدها صحبت می‌کرد". این جانور توسط اتحادیه کلیساهای پروتستان و دولت آمریکا نمایندگی می‌شود. چگونه می‌توانیم "صحبت" او را درک کنیم؟ بدیهی است که ملت آدمی نیست که حرف بزند. با این حال، مواضع ملت با اعمال مقامات قانونگذاری که نماینده مردم در دولت هستند، تعریف می‌شود. ملت خود را از طریق «مقامات قانونگذاری» خود نشان می‌دهد یا «حرف می‌زند». مثلاً وقتی قانونی را تعریف می‌کنند و به آن رأی می‌دهند، این قانون معادل است که انگار همه ملت با یک صدا حرف تعریف شده را زده‌اند. بنابراین، «سخنرانی» ملت، احکام مراجع تقنینی آن است. صحبت کردن "مثل اژدها" به این معنی است که در این کشور قوانینی تصویب می‌شود که شخصیت اژدها را نشان می‌دهد.

این قوانین چه خواهند گفت؟ اژدها در کلام خدا به عنوان خشمگین بودن بر مقدسین معرفی شده است و آنها را آزار می‌دهد:

«و اژدها بر زن خشمگین شد و رفت تا با فرزندان دیگرش که احکام خدا را نگاه می‌دارند و شهادت عیسی را دارند، جنگ کند.» مکاشفه 12:17

کار اژدها این است که بر قدیسان خدا خشمگین می‌شود تا با آنها جنگ کند و به دنبال کشتن آنها باشد. از این رو فهمیده می‌شود که عبارت "مثل اژدها" به انتشار قوانین ظالمانه‌ای اشاره دارد که اولیای خدا را به زندان و مرگ محکوم می‌کند. ساختار دولتی ناشی از اتحاد کلیساهای پروتستان با دولت ایالات متحده قوانینی را تصویب خواهد کرد که آزار و اذیت و مرگ فرزندان خدا را با اطاعت از احکام مجاز می‌سازد. این قوانین بر خلاف کدام فرمان خواهد بود؟ مطالعه آیه بعدی این سوره به ما نشان خواهد داد:

او همچنین تمام اقتدار وحش اول را در حضور او اعمال کرد. و زمین و ساکنان آن را وادار کرد تا اولین وحش را بپرستند که زخم مهلک او شفا یافت.» مکاشفه 13:12

ما قبلاً مطالعه کرده‌ایم که اولین جانور پاپ است و پاپ‌ها برگزاری یکشنبه را به‌عنوان یک شناخت خاص از اقتدار می‌دانند. بنابراین، همانطور که پیش‌گویی می‌گوید که وحش دوم «تمام اقتدار وحش اول را اعمال کرد»، می‌دانیم که او قوانینی را تصویب خواهد کرد که روز یکشنبه را تحمیل می‌کند. قوانینی در مورد الزام به رعایت قوانین یکشنبه، یکشنبه، در ایالات متحده آمریکا رأی‌گیری خواهد شد.

این آیه همچنین می‌گوید که وحش دوم اقتدار اولی را «در حضورش» اعمال می‌کند. این به ما نشان می‌دهد که وقتی قانونگذاران ایالات متحده به این قوانین یکشنبه رای می‌دهند، این کار را در حضور پاپ انجام خواهند داد. آنها ساکنان آن (آنهايي که در آن ساکن هستند) در ایالات متحده (زمین) را وادار خواهند کرد که اولین جانور - پاپ - را بپرستند. ما به مطالعه ادامه می‌دهیم:

«و نشانه‌های بزرگی انجام داد، به طوری که آتشی را در نظر مردم از آسمان به زمین نازل کرد.» مکاشفه 13:14

جانور دوم "نشانه‌های بزرگی انجام داد." دو دسته از مردم این جانور را تشکیل می‌دهند: نمایندگان دولت‌ها و کلیساهای کدما یک از این دو

آیا کسانی که سیگنال ها را کار می کنند به کلاس هایی تعلق دارند؟ در کتاب متی به این پاسخ می پردازیم:

«زیرا مسیحیان دروغین و پیامبران دروغین ظهور خواهند کرد و نشانه‌ها و شگفتی‌های بزرگ نشان خواهند داد. تا در صورت امکان حتی برگزیدگان را فریب دهند.» متی 24:24

پیامبران افرادی هستند که با کلیساها مرتبط هستند، نه حکومت‌ها. بنابراین، از سخنان عیسی می بینیم که نشانه‌های بزرگ توسط شخصیت‌های مذهبی انجام خواهد شد. مکاشفه 13 می گوید که وحش «نشانه‌های بزرگی را انجام خواهد داد، به طوری که او حتی آتش را در نظر مردم از آسمان به زمین نازل کرد» (مکاشفه 13:13) از آنجایی که این افراد با قدرتی که نماد آن وحش است همکاری خواهند کرد، برای ما روشن است که آنها از خداوند قدرت انجام چنین معجزاتی را دریافت نخواهند کرد. آنها به قدرت شیطان معجزه خواهند کرد.

«و با نشانه‌هایی که به او اجازه داده شد در حضور وحش انجام دهد، ساکنان روی زمین را فریب داد و به آنها گفت که برای وحشی که زخم شمشیر خورده و زنده است، تصویری بسازند.» مکاشفه 13:14

از طریق نشانه‌هایی که پیامبران دروغین کلیساها انجام خواهند داد، این اتحاد بین کلیسا و دولت که در ایالات متحده "جانور" نامیده می شود، "آنها را که روی زمین زندگی می کردند فریب داد"، یعنی کسانی را که در این کشور زندگی می کردند فریب داد. "و او به آنها گفت که تصویری از وحشی که با شمشیر زخمی شده و زنده شده است بسازند." این آخرین کلمات بیانگر آن است که پیامبران دروغین کلیساهای پروتستان به دنبال متقاعد کردن ساکنان ایالات متحده خواهند بود که "تصویری برای جانوری که زخم شمشیر را دریافت کرد و زندگی کرد"، یعنی تصویری از جانور اول بسازند. ، پاپ.

پاپ در گذشته چگونه بوده است؟ اتحاد کلیسا با دولت زمین برای آزار و اذیت و کشتن مقدسین. این جانور بود تصویری از جانور چه خواهد بود؟ یک تصویر یک کپی وفادار است. تصویری از جانور، یعنی پاپ، نسخه‌ای از همان سیستمی است که در آن کلیسا از نیروهای دولتی برای آزار و اذیت و کشتن مقدسین استفاده می‌کرد.

از طریق معجزاتی که انجام می دهند، پیامبران دروغین به دنبال متقاعد کردن آمریکایی‌ها برای حمایت از استفاده از نیروهای دولتی برای آزار و اذیت و کشتن مقدسین خدا وفادار به دستورات او خواهند بود. بنابراین، نسخه‌ای از سیستم آزار و اذیت پاپ در گذشته شکل خواهد گرفت. "تصویر وحش" شکل خواهد گرفت.

«همچنین به او داده شد که به تصویر وحش نفس بدهد تا تصویر وحش سخن بگوید و هر کس را که تصویر وحش را نمی پرستید، بکشد.» مکاشفه 13:15

آیه قبلی به توصیف عمل وحش دوم، از طریق پیامبران دروغین کلیساهای پروتستان ادامه می دهد. می گوید که «اعطا شد»، وحش، دولت متحد با کلیساهای ایالات متحده، از طریق عمل این پیامبران دروغین، اجازه یافت «به تصویر وحش نفس بدهد». «نفس دادن» در کتاب مقدس معنای خاصی دارد. در کتاب پیدایش نوشته شده است که خداوند به آدم نفس حیات بخشید و او شروع به زندگی کرد (پیدایش 2: 7) وقتی پیش‌گویی می‌گوید که جانور دوم اجازه یافت به تصویر جانور اول «نفس زندگی» بدهد ، برای ما آشکار می‌شود که قدرت ترکیبی دولت آمریکا و کلیساهای پروتستان باعث ایجاد سیستم آزار و اذیت برابر با "زندگی" در ایالات متحده .

دنباله آیه آشکار می کند که وقتی این امر محقق شود چه اتفاقی می افتد: «تا تصویر وحش سخن بگوید و هر که تصویر وحش را نپرستید کشته شود». قدیسانی که با قوانین یکشنبه که توسط جانور در ایالات متحده تحمیل می شود مطابقت نداشته باشند، کشته خواهند شد.



در سیستم آزار و شکنجه پاپ قدیم، دستوراتی از سوی قدرت مذهبی (در این مورد، از طرف پاپ) صادر می شد تا فرمانداران بتوانند آنها را اعدام کنند. قدرت مذهبی به قدرت مدنی دستور داد تا مقدسین را مورد آزار و اذیت قرار دهند و دومی نیز اطاعت کرد. به این ترتیب، سخنرانی جانور، از سوی رهبر مذهبی، که در آن زمان پاپ بود، انجام شد. "تصویر وحش" یک کپی وفادار از جانور است، این سیستمی است که به عنوان یک نسخه وفادار، مانند جانور عمل خواهد کرد. بنابراین، اگر «گفتار» وحش دستور رهبر دینی بود، «سخنرانی تصویر وحش» نیز با دستورات پیشوایان دین مطابقت دارد. این واقعیت که جان «تصویر جانور» را در رؤیای خود می بیند، نشان می دهد که در ایالات متحده آمریکا، کلیساهای پروتستان این اختیار را خواهند داشت که نیروهای دولتی را وادار کنند که عقاید خود را به زور قانون تحمیل کنند.

«و همه را، اعم از کوچک و بزرگ، غنی و فقیر، آزاد و برده، نشانی بر دست راست یا بر پیشانی خود قرار داد تا کسی جز کسی که علامت یا نامش را داشته باشد، خرید و فروش نکند. از وحش یا شماره نام او.» مکاشفه 17، 13:16

متن به روایت آثار «جانور دیگر» ادامه می دهد. بر اساس آیه، دولت آمریکا تحت تأثیر کلیساهای تضمین خواهد کرد که «بر همه، کوچک و بزرگ، غنی و فقیر، آزاد و برده» «بر روی آنها علامتی گذاشته شود». توجه داشته باشید که آیه بیان می کند که جانور دوم به دنبال این است که چیزی را روی «همه» قرار دهد، بدون اینکه مکان یا کشوری را مشخص کند. این نشان می دهد که این "همه" مردمی از تمام نقاط زمین هستند.

این واقعیت که جان می بیند که جانور دوم به دنبال این است که نشانی را بر روی همه بگذارد، نشان می دهد که قدرتی که آن را نشان می دهد، دولت آمریکا تحت تأثیر کلیساهای پروتستان، به دنبال اعمال نفوذ خود در خارج از کشورش نیز خواهد بود و دیگران را تحت تأثیر قرار می دهد. ملت‌ها اطمینان حاصل کنند که مردمشان «نشانه» را دریافت می کنند.

این چه "نشانه" است؟

«اگر علامتی بر دست راست و پیشانی او بگذارند، علامت یا نام وحش». این از جانور اول است. اولین جانور پاپ است. دگمی وجود دارد که پاپ ها آن را نشانه اقتدار خود اعلام می کنند: تغییر فرمان چهارم، از شنبه به یکشنبه به عنوان روز استراحت. هیچ مجوزی در کلام خدا وجود ندارد که اجازه این تغییر را بدهد. بنابراین، پاپ ها اعلام می کنند که تنها در اختیار آنها قرار دارد. خود کاتولیک ها این را اعلام می کنند - به نقل قول از سند زیر مراجعه کنید:

«آیا راهی دارید که ثابت کنید کلیسا قدرت برپایی جشنوارهها را به عنوان یک دستور دارد؟

پاسخ - اگر او چنین قدرتی نداشت و نمی توانست آنچه را که همه متدینین امروزی با او موافق هستند انجام دهد، نمی توانست روز شنبه، هفتمین روز هفته را با رعایت روز یکشنبه، اولین روز هفته، جایگزین کند. هفته ای که هیچ مرجع کتاب مقدس برای آن وجود ندارد.» کاتسیسم اعتقادی (کاتولیک) صفحه 174.

بنابراین، می بینیم که علامت وحش، پاپ (نشان قدرت آن)، یکشنبه است. بنابراین، وقتی جان می بیند که جانور دوم باعث می شود که علامت وحش بر «همه» گذاشته شود، می بیند که دولت ایالات متحده تحت تأثیر

کلیساها، کشورهای دیگر را وادار خواهند کرد که یکشنبه را به عنوان روز عبادت برای مردم خود تحمیل کنند. بر اساس آیه مورد مطالعه ما، علامت بر روی «دست راست» یا روی «پیشانی» قرار می گیرد. خداوند در کتاب تثنیه ابراز تمایل کرد که فرزندانش کلامش را به دست و پیشانی خود ببندند:

«و این سخنانی را که امروز به تو امر می کنم، بر دل تو خواهد بود... آنها را نیز به عنوان نشانه ای به دست خود ببند و مانند پیشانی در میان چشمانت خواهند بود.» تثنیه 8، 6:6

با گفتن این سخن، خدا نخواست که بنی اسرائیل نسخه های مکتوب احکام را بر دست و پیشانی خود بچسبانند، بلکه می خواست آنها را در ذهن خود نگه دارد. به همین دلیل به آنها گفت که آنها را روی "پیشانی" (جلو بین چشم ها) بگذارند. آنها هم می خواستند آنها را به کار ببندند، یعنی عمل کنند؛ به همین دلیل گفتند آن را به عنوان نشانه روی دست خود ببندید. به همین ترتیب، وقتی در مکاشفه می خوانیم که جانور دوم به گونه ای عمل می کند که همه علامت وحش (روز یکشنبه) را روی دست یا پیشانی خود دریافت کنند، این بدان معنی است که وجدان آنها را مجبور می کند. از طریق قدرت دولت، او مردم خود را مجبور خواهد کرد که یکشنبه را به عنوان روز استراحت اعتراف کنند و آن را رعایت کنند و از کار خودداری کنند.

در او. کلمات مکاشفه 13:17 هنوز هم ماهیت فشاری را که بر مردم اعمال می شود تا یکشنبه را به عنوان روز استراحت نگه دارند، برای ما آشکار می سازد:

"به طوری که هیچ کس نمی تواند خرید یا فروش چیزی که آن را داشته باشد  
نشانه» مکاشفه 13:17

تحریم های اقتصادی خواهد بود. امروزه ایالات متحده بزرگترین قدرت اقتصادی جهان است. آنها تقریباً با همه کشورهای جهان روابط تجاری دارند. یک تحریم اقتصادی که توسط ایالات متحده انجام می شود برای اکثر کشورهای روی کره زمین تباه خواهد شد. این پیشگویی می گوید که دولت این کشور به عنوان جانور دوم، همه کشورهای دیگر را تحت تأثیر قرار خواهد داد تا با آن هماهنگ عمل کنند. به طوری که هیچ کس نمی تواند "خرید یا بفروشد"، مگر کسی که علامت دارد، یعنی کسی که علامت دارد. یکشنبه را نگه می دارد می بینیم که با اعمال چنین فشاری بر دولت آمریکا راهی برای تسلیم نشدن جهان در مقابل آن وجود نخواهد داشت. در سراسر سیاره زمین، انبوهی از جانوران، پاپ را پرستش خواهند کرد. آیات آخر این فصل به ما تأیید می کند که چه کسی پاپی خواهد بود که به عنوان رستاخیز ظاهر می شود و ادای احترام تمام جهان را دریافت می کند:

«نام جانور یا شماره نام او. اینجا حکمت هست هر که عقل دارد، عدد وحش را محاسبه کند. زیرا عدد یک انسان است و عدد او ششصد و شصت و شش است.» مکاشفه 18، 13:17

آخر آیه 17 را عمداً نقل می کنیم. توجه داشته باشید که او با صحبت از نام وحش و «عدد نام او» یعنی شماره نام وحش به پایان می رسد. آیه 18 سپس با این جمله آغاز می شود: "هر که عقل دارد، تعداد وحش را محاسبه کند".

کتاب مقدس در مورد چه عددی صحبت می کند؟ در آیه قبل «عدد اسم وحش» آمده است. در آیه 18، خدا از "کسی که عقل دارد" دعوت می کند تا تعداد وحش را محاسبه کند. او می دانست که بسیاری این قسمت را تحریف می کنند، و تعداد نام وحش را اشتباه محاسبه می کنند و به نتایجی می رسند که با وحی الهی مطابقت ندارد. طبق کلام خدا چه کسی را می توان دارای «فهم» دانست؟ پاسخ را در تثنیه می یابیم:

«به کلامی که به شما امر می کنم اضافه نکنید و از آن نگیرید تا احکام یهوه خدای خود را که به شما امر می کنم نگاه دارید...»

من فرائض و احکام را تعلیم دادم، چنانکه یهوه، خدای من به من دستور داده بود... آنها را نگاه دارید و رعایت کنید، زیرا این است حکمت و شعور شما.» تثنیه. 6، 5، 2: 4

در آیه فوق، موسی به مردم می گوید که «احکام یهوه خدای شما» را به آنها داده است. سپس با اشاره به آنها می فرماید: «آنها را نگه دارید و به انجام برسانید که این... فهم شماست.» کسانی که احکام خدا را که شامل روز سبت می شود نگه می دارند، درک دارند. آنها هستند که خداوند آنها را دعوت می کند تا تعداد نام وحش را محاسبه کنند. اینها کسانی هستند که در نزد خداوند در مقام این هستند که این محاسبه را درست انجام دهند و وحی الهی را به دست آورند. کسانی که آشکارا ده فرمان را زیر پا می گذارند، سبت را رعایت نمی کنند، در موقعیتی نیستند که ببینند وحش قدرتی است که تخلف از قانون خدا را اعلام می کند. برای آنها، نگه داشتن یکشنبه گناه نیست. بنابراین، طبق کلام خدا، ما نمی توانیم تعابیری را که وزیران، کشیشان، کاردینال ها و دیگر رهبران مذهبی یکشنبه در مورد تعداد وحش ارائه می دهند، بپذیریم. طبق کلام، کسانی که احکام را رعایت نکردند، مکاشفه نخواهند داشت. «فهمیده‌ها»، نگهبانان احکام، می‌دانند که جانور اول مکاشفه 13 مردی است که رهبری جنبشی را بر عهده دارد که از نقض آشکار قانون خدا حمایت می‌کند. او دنیا را با خود خواهد برد و در صورت امکان، برگزیدگان خود را فریب خواهد داد.

آیه 18 مکاشفه همچنین می‌گوید که عدد وحش «عدد انسان» است. خیلی‌ها هستند که می‌گویند شماره زن است. با این حال، طبق کتاب مقدس، این درست نیست. عدد شماره یک مرد است نه یک زن.

و همانطور که قبلاً دیدیم، این شماره نام وحش است. مردی که با محاسبه نامش عدد ششصد و شصت و شش را به ما می‌دهد کیست؟

اگر پاپ جانور است، شماره وحش را باید در میان پاپ‌ها جستجو کرد. کتاب مقدس می‌گوید که این عدد یک مرد است، بنابراین ما باید به دنبال مردی در داخل پاپ بگردیم که مشخصات نبوت را برآورده کند. کتاب مقدس هنوز از ما دعوت می‌کند که «عدد» را محاسبه کنیم، شماره نام جانور. هر پاپ، زمانی که تاج و تخت واتیکان را به دست می‌گیرد، یک «نام رسمی» دارد. این نام در زبان رسمی واتیکان، لاتین به آن داده شده است. در این زبان، حروف نیز ارزش اعداد دارند. بنابراین، می‌توان حروف نام پاپ را جمع کرد و ارزش آن را همانطور که پیشگویی می‌گوید، «محاسبه» کرد.

در آغاز فصل 13 مکاشفه (آیه 3)، گزارش شده است که یحیی «یکی از سرهای خود»، یکی از سرهای وحش (از پاپ) را دید که تا حد مرگ زخمی شده بود. طبق مکاشفه 17، سرها نشان دهنده پاپ‌هایی هستند که لقب پادشاه را داشتند، زیرا فرشته هنگام توضیح معنای آنها می‌گوید: "هفت سر... نیز هفت پادشاه هستند." (مکاشفه 10، 9: 17) پاپ‌ها تنها پس از سال 1929 پادشاه شدند، زمانی که واتیکان به یک کشور تبدیل شد. از آن زمان به بعد، آنها شروع به داشتن عنوان: "حاکمیت دولت واتیکان" کردند. به هر حال، واتیکان کشوری با رژیم سلطنتی است که پاپ پادشاه آن است. پاپ نبوت باید یکی از هفت پاپ «پادشاه» باشد که از سال 1929 تا امروز تاج و تخت واتیکان را در اختیار داشتند، همانطور که کتاب مقدس می‌گوید: «جانوری که بود و نیست، هشتمین است و یکی از هفت نفر است. (مکاشفه 17:11) شما می‌توانید یک مطالعه عمیق و دقیق از پیشگویی پاپ‌های مکاشفه 17 را در کتاب دیگر من "آخرین پاپ" که توسط Editora Advertencia Final منتشر شده است بیابید.

بنابراین، پاپ مورد اشاره در مکاشفه 13 را باید در میان کسانی جستجو کرد که از سال 1929 تاج و تخت پاپ را اشغال کردند. در میان آنها، تنها یکی وجود دارد که مجموع آنها



حتی ترتیب ارائه کلمات و شخصیت ها نیز مهم است. درک این موضوع درک ما از مکاشفه 14 را که موضوع مطالعه در این فصل است، تسهیل می کند.

می دانیم که انجیل را خدا به ترتیبی که امروز می بینیم به فصل ها و آیات تقسیم نکرده است. بنابراین، رسیدن به پایان خواندن یک فصل به این معنی نیست که موضوعی که خداوند ارائه کرده است، پایان یافته است. نمونه ای از آن را در خطبه بر کوه می یابیم. در گزارش کتاب مقدس، این کتاب به چندین فصل از متی 1: 5 تا 7:28 تقسیم شده است. این مثال از موعظه روی کوه نشان می دهد که چگونه می توان هنگام مطالعه فصلی از کتاب مقدس، مشاهده کرد که ادامه آن چیزی است که در فصل قبل ارائه شد. این مورد در باب 13 و 14 مکاشفه است. در مکاشفه 17، تبردی ذکر شده است که بین وحش و نیروهایش و بره و وفاداران رخ خواهد داد:

«ده شاخ که دیدی ده پادشاه هستند... اینها... قدرت و اقتداری را به جانور تقدیم می کنند. آنها با بره خواهند جنگید و بره بر آنها غلبه خواهد کرد... فراخوانده، برگزیده و وفادار که با او هستند نیز پیروز خواهند شد.»

مکاشفه 14-12:17

در متن ذکر شده، فرشته گزارش می دهد که «ده پادشاه» که پادشاهی را دریافت خواهند کرد، «به وحش تقدیم می کنند... قدرتی که دارند». در مکاشفه 17، زمانی که پادشاهان «اقتدار» را به وحش ارائه می دهند، هنوز در آینده است، زیرا گفته می شود که این ده پادشاه «هنوز پادشاهی نگرفته اند» (مکاشفه 17:12) با این حال، در مکاشفه 13، می بینیم که این زمان از قبل فرا رسیده است، زیرا در مورد وحش گفته شده است: «بر هر قبیله، قوم، زبان و قوم به او اختیار داده شد» (مکاشفه 7: 13) توجه داشته باشید که در این آیه از فعل ماضی استفاده شده است: «به او اختیار داده شد».

بنابراین متوجه می شویم که در زمانی که در مکاشفه 13 شرح داده شد، ده پادشاه قبلاً اختیار خود را به جانور تقدیم کرده بودند.

با بازگشت به متن مکاشفه 17، می بینیم که پس از ارائه اقتدار خود به وحش، ده پادشاه، با وحش، "با بره می جنگند". قبلاً دیدیم که مکاشفه 13 ما را به زمانی می برد که پادشاهان قبلاً اختیار خود را به جانور داده اند. بنابراین، او ما را به زمانی می برد که وحش و پادشاهان زمین «با بره می جنگند». نبوت به ما می گوید که چه کسی برنده این نبرد خواهد بود: "بره بر آنها غلبه خواهد کرد" (مکاشفه 17:14) چقدر طول می کشد؟ در مکاشفه 13 ما پاسخ را می یابیم:

"تمام زمین شگفت زده شد، به دنبال وحش ... به او داده شد ...

قدرت ادامه چهل و دو ماه» مکاشفه 5، 3: 13

متن قبلی نشان می دهد که به این جانور «اختیار» داده خواهد شد تا به مدت چهل و دو ماه ادامه دهد. در تمام این دوره، جانور با بره مبارزه خواهد کرد. او در طول این مبارزه چه خواهد کرد؟ کتاب مکاشفه 13 به ما پاسخ می دهد:

«او دهان خود را به کفر گفتن به خدا گشود تا نام او را بدنام کند و خیمه را بدنام کند، حتی ساکنان آسمان. همچنین به او داده شد تا با مقدسین بجنگد و بر آنها غلبه کند...»

به همه اعم از کوچک و بزرگ و غنی و فقیر و آزاد و برده علامتی بر دست راست یا بر پیشانی آنها می گذارد تا کسی جز کسی که دارد نتواند خرید و فروش کند. علامت، نام وحش، یا شماره نام آن.» مکاشفه 7، 16، 17، 6، 13:

وحش با مقدسین «جنگ» خواهد کرد، یعنی آنها را آزار خواهد داد، و آن را طوری خواهد ساخت که هیچ کس نتواند بخرد یا بفروشد مگر کسانی که نشان وحش را دارند. قبلاً در فصل قبل دیدیم که علامت وحش یکشنبه را نگه می دارد. مطالعه دقیق فصل 13 نشان می دهد که در این فصل توجه ویژه ای به بخشی شده است که وحش و متحدانش در درگیری با بره پیشگویی شده در مکاشفه 17 خواهند گرفت. وحش به دنبال این است که همه را وادار به پرستش او کند.

کسانی که یکشنبه را در این زمان برگزار می کنند، وحش را می پرستند و نشان وحش را دریافت می کنند. و متحدان کوردیرو چه نقشی در درگیری خواهند داشت؟ آیا خدا نمی گوید از مؤمنان چه انتظاری دارد؟ بدیهی است که بله. از کجا می توانیم دستورات خدا را برای وفاداران به بره در زمان مقرر پیدا کنیم؟ منطقی به نظر می رسد که دنبال این دستورات عملی ها در ادامه متن بگردید. این کاری است که ما انجام خواهیم داد. پس بیایید خواندن مکاشفه 14 را آغاز کنیم:

«نگاه کردم و اینک بره ایستاده بر کوه صهیون و با او یکصد و چهل و چهار هزار نفر که نام او و نام پدرش بر پیشانی ایشان نوشته شده است.»  
مکاشفه 14:1

ادامه موضوع فصل 14، 13 با توصیف رؤیای بره و کسانی که در این درگیری با او بودند آغاز می شود: "نگاه کردم و اینک بره ایستاده بر کوه صهیون و با او یکصد و چهل و چهار هزار نفر." (مکاشفه 14:1) می دانیم که «بره» که یوحنا در این آیه دید، عیسی است. با این حال، این واقعیت که یحیی شخص عیسی را در رؤیا ندید، بلکه "بره" را دید، شایسته توجه است. بره نماد عیسی است. بنابراین ما متوجه می شویم که این چشم انداز نمادین است.

یوحنا بره عیسی را دید که «بر کوه صهیون ایستاده بود». چه نماد یک کوه را نشان می دهد؟ در کتاب یوحنا پاسخ را می یابیم:

"پدران ما بر این کوه عبادت کردند" یوحنا 4:20

سخنان بالا توسط زن سامری که با عیسی صحبت می کرد بیان شد. کلمه کوه که توسط او استفاده شده است به کوه گریزیم، محل عبادت سامریان اشاره دارد. همه کسانی که در آن کوه عبادت می کردند متعلق به همان «کلیسا» بودند، در این مورد، کلیسای سامریان. بنابراین، تعبیر "روی کوه بودن" را می توان به عنوان متعلق به همان کلیسا درک کرد. در مکاشفه 14:1 عیسی بره بر روی کوه دیده می شود، «با او یکصد و چهل و چهار هزار». این نشان دهنده آن است که در زمان مشخص شده در این روایا، این 144000 نفر به کلیسای مسیح تعلق خواهند داشت. توجه داشته باشید که آیه به ما نمی گوید که اینها تنها کسانی هستند که نجات می یابند. چنین برداشتی از متن نادرست است. 144000 نفر در اینجا به عنوان کسانی دیده می شوند که متعلق به کلیسای واقعی هستند و به مسیح نزدیکترند. همانطور که بعداً خواهیم دید، بسیاری از افراد دیگر پیام موعظه شده توسط آنها را در زمان مشخص شده توسط نبوت دریافت خواهند کرد و همچنین نجات خواهند یافت. به خواندن فصل ادامه می دهیم:

«نام او و نام پدرش بر پیشانی ایشان نوشته شده است» (مکاشفه 14:1) متن می گوید که 144000 نفر نام بره عیسی را بر پیشانی خود داشتند. قبلاً در فصول قبلی دیدیم که نام در کتاب مقدس نشان دهنده شخصیت است. این 144000 شخصیت عیسی و پدرش را خواهند داشت. آنها توسط عیسی تقدیس خواهند شد و بدون گناه روی زمین زندگی خواهند کرد.

نام نوشته شده در "جلو" نشان دهنده "تصمیم" است. ذهن مکانی است که در آن تصمیم گیری می شود. این واقعیت که شخصی نام عیسی را بر پیشانی خود دارد نشان می دهد که آن شخص تصمیم گرفته است، با چنان استحکامی که نمی توان آن را تکان داد، از خدا اطاعت کند، به گونه ای که شخصیت او را کاملاً منعکس کند. هنگام تصمیم گیری برای داشتن شخصیت خدا، شخص به طور خودکار تصمیم می گیرد که شخصیت عیسی را داشته باشد، زیرا هر دو برابر هستند. بنابراین، 144000 نفر با نام خدا و عیسی (بره) به طور همزمان بر پیشانی خود دیده می شوند.

جان پس از دیدن جانور و پادشاهان زمین که باعث می شوند همه نشان وحش را دریافت کنند، بره و 144000 نفر را می بیند که نام او بر پیشانی اشان است. در اینجا ما می توانیم دو طبقه از مردم را تشخیص دهیم که نقطه نزاع در نبرد خواهند بود. از یک طرف، جانور و متحدانش سعی خواهند کرد همه را مجبور کنند یکشنبه را نگه دارند و نشان وحش را دریافت کنند. از سوی دیگر، 144000 نفر به سبب وفادار خواهند بود.

در این زمینه، آیا 144000 پیامی به جهان اعلام خواهند کرد؟  
بله حتماً. در آیات 6 تا 12 مکاشفه 14 خواهیم دید که چیست. اما ابتدا آیات 2 تا 5 فصل را مطالعه می کنیم. برای انجام این کار، بیایید به خواندن مکاشفه 14 ادامه دهیم:

«صدایی از آسمان شنیدم، مانند صدای آبهای بسیار، مانند صدای رعد عظیم. همچنین صدایی که شنیدم مانند صدای نوازندگان چنگ بود که چنگ خود را می نوازند. آنها در برابر تاج و تخت، در برابر چهار موجود زنده و بزرگان، آهنگ جدیدی خواندند. و هیچ کس نتوانست آواز را پیاموزد مگر یکصد و چهل و چهار هزار نفری که از این سرزمین خریداری شده بودند.» مکاشفه 3، 14:2

144000 نفر آهنگی را خواندند که «هیچ کس نتوانست آن را یاد بگیرد». مردم اسرائیل عادت داشتند که تجربیات و تاریخ خود را از طریق آهنگ ها بیان کنند. به عنوان مثال به مناسبت رهایی اسرائیل از ارتش مصر اشاره می کنیم. هنگامی که در گذشته خداوند دریای سرخ را برای عبور قوم بنی اسرائیل گشود و سپس آن را بر روی لشکر مصر بست، بنی اسرائیل آن تجربه را به صورت آهنگ نقل کردند:

«آنگاه موسی و بنی اسرائیل این سرود را برای خداوند سرودند و گفتند: «برای خداوند می خوانم، زیرا او با شکوه پیروز شده است. اسب و سوارش را به دریا انداخت... ارابه های فرعون و لشکریانش را به دریا انداخت؛ و ناخدایان آنها در دریای سرخ غرق شدند. امواج آنها را پوشانده بود. مثل سنگ به اعماق فرو رفتند.» خروج 5، 4، 15:1

موسی همچنین در آخرین روز زندگی خود در اینجا روی زمین، تجربه آینده قوم اسرائیل را با رؤیایی نبوی در آهنگی شرح داد (در تثنیه 32). آهنگی که منعکس کننده تجربه زندگی باشد، تنها برای کسی که آن را زندگی کرده است، کاملاً معنا خواهد داشت. جان دید که "هیچ کس نمی تواند آهنگ را یاد بگیرد جز 144000. چرا او گزارش داد که جز این گروه هیچکس نمی تواند آهنگ را یاد بگیرد؟ 144000 تجربه منحصر به فردی خواهند داشت، به همین دلیل جان دید که "هیچ کس نمی تواند آهنگ را یاد بگیرد به جز 144000 ما در اینجا می بینیم که 144000

آنها نماینده همه کسانی نیستند که نجات خواهند یافت، بلکه نماینده گروهی از مردم در میان آنها هستند که تجربه منحصر به فردی خواهند داشت. در مورد آخرین نبرد بین وحش و بره گفته می شود:

"آنها با بره خواهند جنگید و بره بر آنها غلبه خواهد کرد... آنها پیروز خواهند شد  
همچنین دعوت شدگان و برگزیدگان و مؤمنانی که با او هستند." مکاشفه 17:14

کسانی که «با او هستند»، که در بالا ذکر شد، 144000 نفر هستند: «اینک  
بره ایستاده بر کوه صهیون و با او یکصد و چهل و چهار هزار».

یوحنا در قسمت دیگری از مکاشفه، آواز کسانی را که  
آنها وحش را شکست دادند:

«دریای شیشه‌ای را دیدم که با آتش آمیخته شده بود و فاتحان وحش... که چنگ‌های خدا را داشتند.  
و سرود موسی، بنده خدا، و سرود بره را سرودند و گفتند: ای خداوند خداوند قادر مطلق، اعمال تو بزرگ و شگفت  
انگیز است! ای پادشاه ملتها راههای تو عادلانه و درست است! ای خداوند چه کسی از نام تو ترسد و جلال ندهد؟  
زیرا تنها تو مقدس هستی. پس همه امتهای خواهند آمد و در حضور تو عبادت خواهند کرد، زیرا اعمال صالح تو آشکار  
شده است.» مکاشفه 4-2:15

توجه داشته باشید که در آیه نقل شده، جان می‌گوید فاتحان وحش را دید که «چنگ داشتند» و «آواز»  
می‌خواندند. در مکاشفه 2:14 یوحنا گزارش می‌دهد که آوازی که او از آواز خواندن 144000 شنید، شبیه آهنگ  
«هنگ نوازان» بود:

«صدایی که شنیدم شبیه صدای نوازندگانی بود که چنگ خود را می‌نواختند.  
آنها آهنگ جدیدی را در برابر تخت خواندند» مکاشفه 2:14 و 3

بنابراین متوجه می‌شویم که سرود فاتحان وحش که در مکاشفه 4-2:15 گزارش شده است، آواز  
144000 است. بنابراین، 144000 فاتح وحش هستند. بر اساس آنچه کتاب مقدس آشکار می‌کند، این واقعیت که  
آنها بر جانور پیروز شده اند، تجربه آنها را منحصر به فرد می‌کند. مکاشفه 13 به ما می‌گوید که افرادی خواهند بود که  
اگرچه خدا آنها را «قدیس» می‌خواند، اما حیوان بر آنها چیره می‌شود:

«تمام زمین متعجب شد و از وحش پیروی کرد... همچنین به او داده شد تا با مقدسین بجنگد و بر  
آنها چیره شود» مکاشفه 7:3، 13

این پیروزی نشان دهنده این واقعیت است که وحش و متحدانش بسیاری از مقدسین خداوند عیسی  
را خواهند کشت. تنها پیروزی شیطان بر قدیس خدا این است که بدن را بکشد. نمی‌تواند روح را بکشد. همه کسانی  
که توسط پاپ و متحدان مرتد او به دلیل وفاداری به شریعت خدا و خداوند عیسی کشته می‌شوند، در رستخیز  
صالحان آرام خواهند گرفت و دوباره زنده خواهند شد.

بر خلاف مقدسین، ۱۴۴۰۰۰ نفر در مکاشفه ۲:۱۵ «فاتحان وحش» نامیده می‌شوند. وحش آنها را نمی‌کشد - آنها شهید  
نخواهند شد. و از آنجایی که وحش آخرین قدرتی است که قبل از آمدن دوم او علیه بره قیام خواهد کرد، این واقعیت  
که ۱۴۴۰۰۰ نفر توسط وحش کشته نخواهند شد نشان می‌دهد که آنها برای بار دوم مسیح را زنده در ابرهای آسمان  
خواهند دید، بدون اینکه از مرگ بگذرد

آنها بدون دیدن مرگ به بهشت منتقل می‌شوند. این تجربه 144000 خواهد بود.



یوحنا نبی همچنان در حال گزارشی از صدای آواز 144000 نفری که شنیده بود، گزارش داد:

«صدایی از آسمان شنیدم که صدای آبهای بسیار بود» مکاشفه 2:14

آخراًزمان به دیگری اشاره می کند که صدایی مانند آب های بسیار دارد:

"من برگشتم تا ببینم چه کسی با من صحبت می کند، و وقتی برگشتم، دیدم ... یکی مانند پسر انسان ... صدایی مانند صدای آب های بسیار" مکاشفه 15-13:1

در آیه نقل شده آمده است: کسی که مانند پسر انسان بود صدایی مانند آبهای بسیار داشت. می دانیم که عیسی اغلب خود را پسر انسان می خواند. او شخصیت توصیف شده در بیت است که صدایش «مثل صدای آبهای بسیار» است. توجه داشته باشید که این همان توصیف صدایی است که جان گزارش می دهد که از 144000 شنیده است. این واقعیت که یوحنا صدایی را که از 144000 نفر شنیده بود با همان کلماتی که برای توصیف صدای عیسی استفاده کرد توصیف کرد، هماهنگی بین این افراد که 144000 را تشکیل می دهند و عیسی را نشان می دهد. درست مانند خوانندگان یک گروه کر که همانطور که در آواز خود متحد هستند، هیچ تفاوتی بین صدای خود درک نمی کنند، هماهنگی بین مسیح و این افرادی که نماینده 144000 نفر هستند به گونه ای است که جان الهام گرفت تا صدای هر دو را روایت کند. از عیسی و از 144000 با همان کلمات. چنین شباهتی بین صدای مسیح و 144000 نفری که یوحنا دیده است نشان می دهد که این 144000 افرادی هستند که تصویر عیسی را کاملاً منعکس می کنند. آنها با او و شخصیت او هماهنگی کامل دارند.

نماد دیگری در این واقعیت وجود دارد که جان صدای 144000 را "به عنوان صدای آبهای بسیار" می شنود. در مکاشفه 17، خدا به ما نشان می دهد که نماد "آب" به چه معناست:

"آب هایی که دیدی... مردمان، انبوهی ها، ملت ها و زبان ها هستند"  
مکاشفه 17:15

توجه داشته باشید که آب ها همچنین نشان دهنده "ملت ها و زبان ها" هستند. با توجه به معنای نماد آب، می بینیم که این که جان صدای 144000 را به عنوان صدای "آب های بسیار" شنیده است به این معنی است که این افراد تشکیل دهنده این گروه (144000) از ملل و زبان های مختلف هستند.

سپس می بینیم که 144000 نفر گروهی متشکل از افراد یک ملت خاص یا کسانی که به یک زبان صحبت می کنند، نیستند. آنها مردمی از هر گوشه زمین هستند. قدرت خداوند در این امر آشکار است. او افرادی را پرورش خواهد داد که شخصیت او و عیسی را در ملل مختلف زمین، در شرایط مختلف اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی، و در میان این همه تنوع محیطی که ملل مختلف در آن زندگی می کنند، پرورش خواهد داد. بت پرستی بسیاری، آزادی خواهی و بی بندوباری دیگران، تعصب مذهبی دیگران، هیچ مانعی برای خدا، از این ملل مختلف، نخواهد داشت تا افرادی را که کاملاً منعکس کننده شخصیت او هستند، بگیرد.

آشکار خواهد شد که قدرت خدا برای دگرگونی مردم در نامساعدترین شرایط و تبدیل آنها به شباهت کامل عیسی با شخصیتی پاک کافی است. در این صورت هیچ عذری برای گناه وجود نخواهد داشت. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که محیطی که او در آن زندگی می کرد آنقدر سخت بود، شرایط او آنقدر دلسرد کننده بود که امکان پذیرفتن عیسی و غلبه بر گناه با قدرت او برای او وجود نداشت. در زمانی که شرارت و گناه بیشتر خواهد بود - در روزهای آخر

تاریخ این زمین - زمانی که گناه کامل ترین پیامد تجاوز را بر انسان تحمیل کند، زمانی که نسل بشر بسیار ضعیف شود، خداوند مردمی از تمام ملل روی زمین خواهد داشت که شخصیت عیسی را کاملاً منعکس می کنند. بنابراین این گروه 144000 نفری خدا و نقشه نجات را توجیه خواهند کرد. برای کائنات ثابت خواهد شد که نقشه خدا به اندازه کافی جامع بود تا هر انسانی را که روی زمین ساکن بود نجات دهد، و فیض مسیح کافی بود تا تصویر مسیح را در هر انسانی که چنین می خواست و او را به عنوان خود می گرفت، به طور کامل بازگرداند. نجات دهنده شخصی شماست. اکنون به خواندن مکاشفه 14 ادامه می دهیم:

«اینها کسانی هستند که زنان آنها را آلوده نکرده اند، زیرا آنها پاکدامن هستند. آنها پیروان بره هر کجا که می رود هستند. آنها کسانی هستند که از میان انسانها فدیة شده اند، اولین ثمره برای خدا و برای بره.» مکاشفه 14:4

آنچه که گروه 144000 نفری برای خدا و برای طرح نجات نشان خواهد داد، تشکیل این گروه را بسیار مورد انتظار ساکنان بهشت قرار می دهد. 144000 مورد در آیه قبل به عنوان "اولین میوه برای خدا و بره" ارائه شده است. کلمه "فرست فروت" در کتاب مقدس به معنای "اولین" یا مهمترین استفاده می شود. کتاب مقدس می گوید که مسیح «نخستین ثمره کسانی است که به خواب رفته اند» (اول قرنتیان، 23، 20:15) که نشان دهنده این است که او مهمترین کسانی است که مرده اند، زیرا مرگ او زندگی ابدی را برای همه انسان های گناهکار ممکن ساخته است. که به او ایمان دارند. این واقعیت که 144000 نفر «اولین ثمره برای خدا و بره» در نظر گرفته می شوند نشان دهنده اهمیتی است که این گروه از مردم در زمینه طرح نجات نشان می دهند. بدیهی است که اهمیتی که در اینجا داده می شود در این واقعیت نیست که 144000 نفر برتر از دیگران هستند، بلکه در این واقعیت است که خداوند در شخص آنها جلال بیشتری خواهد داشت. این به این دلیل است که خداوند شخصیتی را در آنها شکل خواهد داد که تصویر عیسی را کاملاً منعکس می کند، در زمانی که شرایط برای وقوع آن بدترین شرایط در تمام تاریخ بود. در زمانی که نسل بشر بیش از همه در اثر گناه ضعیف شده بود و از عواقب عدم توجه همه اجدادشان نسبت به بدن فیزیکی خود رنج می برد.

بدن آنها در اثر تداوم گناه توسط نسلها ضعیف تر شده بود. در روزگاری که مقاومت در برابر گناه و غلبه بر آن برای انسان بسیار دشوار بود، خداوند به وسیله آنها قدرت خود را آشکار کرد و آنها را فاتحان جهان و نفس و شیطان ساخت.

متن نقل شده همچنین می گوید که 144000 نفر کسانی هستند که «زنان آنها را آلوده نکرده است». ما قبلاً هنگام مطالعه آیه 11 این فصل دیدیم که این بینش نمادهایی را ارائه می دهد. بنابراین، با گفتن اینکه افرادی که این گروه را تشکیل می دهند افرادی هستند که «زنان آلوده نشده اند»، خداوند از ما انتظار ندارد که بفهمیم آنها مردانی هستند که هرگز رابطه جنسی نداشته اند. وقتی مکاشفه 17 را مطالعه کردیم، قبلاً دیدیم که در نبوت کتاب مقدس، زن به معنای «کلیسا» است و زن فاحشه نماینده کلیسایی است که به مسیح خیانت کرده است. او حقیقتی را که در کلام خدا آشکار شده بود رها کرد و آموزه های انسان را آموزش داد. این واقعیت که 144000 نفر به زنان آلوده نبودند به این معنی است که آنها دکتترین های مردان را حفظ نکردند. بنابراین، آنها از نظر اعتقادی خالص بودند. اگر می خواهید درباره ستونهای ایمان کتاب مقدس بیشتر بدانید، پیشنهاد می کنیم درسهای دوره آموزشی هشدار نهایی کتاب مقدس، سطح دوم، Editora Final Advertência را مطالعه کنید.

کتاب مقدس هنوز در مورد گروه 144000 نفری صحبت می کند: «آنها پیروان بره هستند که هر کجا که بروند.» مکاشفه 14:4 این ویژگی

نشان دهنده میزان تعهد آنها به عیسی است. پیروی از او هر جا می رود به معنای توجه به هر حرکت او است. ارتباط دائمی با او، تسلیم دائمی در برابر او، به این معنی است که تمام افکار و احساسات در هر لحظه از زندگی، همانطور که توسط کلام توصیه شده اسیر اطاعت مسیح می شود (دوم قرنتیان 10:5). آیا ما چنین ارتباطی با او داریم؟ اگر آن را نداریم، چرا اکنون از او نپرسیم؟ باشد که این کار را اکنون انجام دهیم، برای افتخار و جلال نام او. اکنون اجازه دهید به خواندن مکاشفه 14 ادامه دهیم:

«و هیچ دروغی در دهان او یافت نشد. هیچ عیب نداشتند.» آخر الزمان

14:5

از آنجایی که این کلام خداست که اعلام می کند دروغی در آنها یافت نشد، نه تنها بر اساس تصور ما از دروغ، بلکه بر اساس مفهوم الهی، دروغ نگفته اند. عیسی گفت: «کسی که می گوید من او را می شناسم و احکام او را نگاه نمی دارم، دروغگو است» اول یوحنا 144000. 2:4. نفر دروغ نمی گویند، بنابراین احکام او را رعایت نمی کنند. آنها به استاندارد بالاتری از تقدس دست یافتند. متن همچنین می گوید که این افراد "بدون عیب" هستند. این نشان دهنده درجه تقدسی است که افرادی که بخشی از این گروه خواهند بود، خواهند داشت. کلمه "ماکولا" به معنای "لکه" است. نداشتن عیب یعنی نداشتن عیب در شخصیت؛ عادت به تخطی از قانون خدا نیست. مطابقت کامل با اراده او وقتی کسی همه ویژگی های این گروه برگزیده را که خدا را توجیه می کند، می بیند، ممکن است فکر کند که عضویت در آن غیرممکن است. اما اگر این فکر به ذهن شما خطور کرده است، سخنان عیسی را به خاطر بسپارید: «برای مردم غیرممکن است. اما نه برای خدا، زیرا با خدا همه چیز ممکن است.» مرقس 10:27. با ایمان به این کلمات می توانیم کامل باشیم. آمین!

ما به خواندن مکاشفه 14 در فصل بعدی ادامه خواهیم داد:

## فصل 7

### اولین پیام فرشته

"فرشته دیگری را دیدم که در وسط آسمان پرواز می کرد و انجیل جاودانی داشت تا به ساکنان روی زمین و هر قوم و زبان و قوم موعظه کند." مکاشفه 14:6

وقتی چیزی در آسمان پرواز می کند، همه می توانند آن را ببینند. این واقعیت که یوحنا فرشته را می بیند که "در وسط بهشت پرواز می کند" نشان می دهد که این فرشته توسط همه دیده خواهد شد. فرشته «انجیل جاودانی» داشت. کلمه «انجیل» به معنای «مژده» است و خلاصه هر چیزی است که از طریق عیسی به انسان ها عرضه می شود. دریافت عیسی از صمیم قلب، پذیرش انجیل و تمام وعده هایی است که با خود می آورد.

و هنگامی که او را پذیرفتیم، وارثان "وعده های بزرگ و گرانبها" هستیم، به طوری که از طریق آنها "شرکت کنندگان طبیعت الهی" می شویم (اول پطرس 4: 1). یعنی شبیه خدا و عیسی در شخصیت. آیه مذکور همچنین می گوید که فرشته این انجیل را داشت تا «به ساکنان روی زمین و هر قوم و قبیله و زبان و قومی موعظه کند». پیام فرشته در زمان درگیری با وحش در سراسر جهان موعظه خواهد شد. برای ما باقی مانده است که بدانیم فرشته ای که توسط یوحنا دیده می شود چه کسی را نشان می دهد. چی

آیا فرشته را نشان می دهد؟ پولس رسول خطاب به غلاطیان می گوید: "و می دانید که من انجیل را ابتدا به شما موعظه کردم... و شما رد نکردید... مرا به عنوان فرشته خدا پذیرفتید." غلاطیان 14، 13:4 پولس به آنها گفت. غلاطیان که او را به گونه ای پذیرفته بودند که گویی یک «فرشته» است، با اشاره به این واقعیت که پیامی را که او موعظه می کرد از خود بهشت دریافت کردند. و همچنین اینکه مردی مانند پولس را می توان به عنوان یک "فرشته" یا پیام آور شناخت. بنابراین، ما متوجه می شویم که "فرشته" مکاشفه 14 که انجیل را برای موعظه در سرتاسر زمین دارد، نشان دهنده مجموعه ای از پیام آوران انسانی است که پیام انجیل ابدی را به هر قوم، قبیله، زبان و مردم موعظه خواهند کرد. از آنجایی که گروه افرادی که به تازگی به یحیی معرفی شدند، در آیات قبل، گروه 144000 نفری هستند، درک منطقی ما را به این باور می رساند که این گروه، یعنی گروه 144000 نفری با شخصیتی شبیه به عیسی، گروهی هستند که فرشته آن را نشان می دهد. ، که در آخرالزمان انجیل ابدی را موعظه خواهد کرد. توجه داشته باشید که متن این پیامها را یک انجیل «ابدی» اعلام می کند. این پیامهایی که این «فرشتگان» ارائه می دهند، اگرچه برای بسیاری جدید به نظر می رسند، اما در حقیقت همیشه در کلام خدا وجود داشته اند، زیرا همانطور که خود بیان می کند، «زیر خورشید چیز جدیدی نیست» جامعه 1:9 متن می گوید پیام این بندگان خدا چیست؟ این در دنباله مکاشفه 14 است:

با صدای بلند گفت: از خدا بترسید و او را جلال دهید زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است. و او را بپرستید که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید. «مکاشفه 14:7

توجه داشته باشید که آیه با بیان این که رسولان چگونه این پیام را می دهند آغاز می شود: «قول با صدای بلند». معنی آن چیست؟ کتاب مقدس پاسخ می دهد. بیابید به لوک بپردازیم:

«و الیزابت از روح القدس پر شد و با صدای بلند ندا کرد و گفت: تو در میان زنان متبرک هستی و میوه رحمت مبارک است.» لوقا 42، 1:41

الیزابت «پر از روح القدس شد» و سپس آن را با «صدای بلند» گفت. صحبت کردن "با صدای بلند" به معنای صحبت کردن در حالی که از روح القدس پر شده است. فرشته ای که با "صدای بلند" می گوید نماد گروه 144000 نفری است که پر از روح القدس صحبت خواهند کرد. با بازگشت به مثال الیزابت، توجه داشته باشید که متن نمی گوید که او روح القدس را دریافت کرد و فقط مدتی بعد با صدای بلند فریاد زد. بلافاصله پس از پر شدن از روح القدس، او با صدای بلند فریاد زد. با درک این اصل که در داستان الیزابت توضیح داده شده است، یعنی اینکه بنده خدا به محض دریافت روح القدس با صدای بلند فریاد می زند، متوجه می شویم که در روایت مکاشفه، گروهی از مردم که فرشته نمایندگی می کند، فقط روح القدس را دریافت کرد. همانطور که قبلاً دیدیم که 144000 نفر در زمان آخرین پاپ موعظه خواهند کرد و سلطنت این پادشاه 42 ماه طول خواهد کشید، طبیعی است که درک کنیم که آنها از ابتدا موعظه خواهند کرد. این واقعیت که یحیی 144000 نفری را که فرشته نشان می دهد می بیند که در حین موعظه با «صدای بلند» می گویند ، نشان می دهد که در آغاز 42 ماه از روح القدس پر شده اند. این مدت، حدود سه سال و نیم، همان مدت زمان موعظه مسیح است. 144000 نفر تجربه مسیح را دوباره زنده خواهند کرد.

در مکاشفه 7: 14 یحیی فرشته را دید که گفت: "از خدا بترسید... زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است." "ترس از خدا" به چه معناست؟ بیابید متن جامعه 14، 13، 12 را بخوانیم:

«از تمام آنچه شنیده شد، پایان این است: از خدا بترسید و احکام او را نگه دارید. زیرا این وظیفه هر مردی است. زیرا خدا هر کار و هر پنهانی را خواه نیک باشد و خواه بد، داوری خواهد کرد.»

جامعه 14، 13: 12

توجه داشته باشید که آیه قبل می‌فرماید: «از خدا بترسید و احکام او را نگه دارید، زیرا خداوند هر کاری را داوری می‌کند». رابطه او با متن وحی مشهود است. ترس از خدا، طبق آیه شریفه، مربوط به «وَفَعَّ الْأُمُورَ» است. احکام چیست؟ آن ده در خروج 17-20: 3 گزارش شده است. پولس می‌گوید: «نباید بکشید، دزدی نکنید، شهادت دروغ بدهید، طمع نکنید، و اگر فرمان دیگری باشد...» رومیان 9: 13 با توجه به متن جامعه که می‌خوانیم، از ما انتظار می‌رود که ده فرمان را حفظ کنیم. «زیرا این وظیفه هر انسان است» و همچنین «زیرا خدا هر کاری را به داوری خواهد آورد» (جامعه . 14، 13، 12 وقتی به انسان می‌گویند احکام را رعایت کن چون خدا کارها را به داوری می‌آورد، معلوم است که احکام حکم قضاوت است. با آنهاست که اعمال انسانها مقایسه می‌شود. خدا چه نوع کارهایی را به داوری خواهد آورد؟ متن جامعه می‌گوید: «حتی هر چه پنهان است.» با این سخنان درمی‌یابیم که صمیمی‌ترین افکار و انگیزه‌ها در پیشگاه خداوند داوری می‌شود و او دل‌ها را می‌شناسد: «خداوند آن‌گونه که انسان می‌بیند نمی‌بیند. زیرا انسان به آنچه در مقابل چشم است می‌نگرد، اما خداوند به دل می‌نگرد.» (اول سموئیل 16: 7)

در مکاشفه 7: 14 می‌بینیم که فرشته نیز می‌گوید: "از خدا بترسید و او را جلال دهید". چه مفهومی دارد؟ چگونه می‌توانیم خدا را جلال دهیم؟ پولس رسول در این باره به ما می‌گوید:

بنابراین، چه بخورید، چه بیاشامید، یا هر کاری که انجام دهید، هر کاری را برای جلال خدا انجام دهید.» اول قرنطیان 10: 31

بیابید هر کاری را انجام دهیم تا اول به دنبال احترام به خدا و جلال نام او باشیم. عیسی هنگامی که به خدا دعا کرد، گفت: «تو را در زمین جلال دادم، پس از تمام کاری که به من دادی تا انجام دهم» یوحنا 4: 17 و او نمونه ما بود. اگر کاری را که خداوند به ما داده است انجام دهیم، او را تسبیح خواهیم کرد. و این کار در کجا مشخص شده است؟ در کتاب مقدس. با اطاعت از نصایح او، خدا را تسبیح می‌گوییم. با بازگشت به متن قرنطیان که همین الان خواندیم، می‌بینیم که پولس در آنجا به ما توصیه می‌کند که در هر چیزی که می‌خوریم و می‌نوشیم خدا را جلال دهیم.

خدا در کلام خود به ما می‌آموزد که غذاها و نوشیدنی‌های خاصی وجود دارد که اگر از آنها استفاده نکنیم خوب است:

«خوب است که گوشت نخوریم و شراب ننوشیم» رومیان 14: 21

و در امثال چنین آمده است:

شراب مسخره‌کننده است. و نوشیدنی قوی و پر سر و صدا. و هر کس در آنها خطا کند هرگز عاقل نخواهد بود.» امثال 20: 1

اگر به این توصیه توجه کنیم، خدا را در آنچه می خوریم و می نوشیم تسبیح می کنیم.

ما می دانیم که کلام خدا نه تنها به ما می آموزد که چه چیزی بخوریم و بنوشیم، بلکه در مورد سایر زمینه های زندگی نیز به ما توصیه هایی می کند. کلمه باید راهنمای عملی ما باشد. عیسی گفت: «انسان تنها با نان زندگی نمی کند، بلکه با هر کلامی که از دهان خدا بیرون می آید زندگی می کند» متی 4:4. پیام وحی انسان را به انجام هر کاری برای «جلال خدا» دعوت می کند. بنابراین، برای تسبیح خداوند، لازم است که انسان به هر کلامی که از زبان خدا می آید، زندگی کند، یعنی زندگی او همیشه با کلام او هماهنگ باشد. این تنها از طریق ارتباط صمیمانه با او امکان پذیر است.

ما باید از طریق عیسی چنان به خدا متصل باشیم که حتی افکار ما نیز توسط او هدایت شود، همانطور که کلام می گوید:

«هر فکری را اسیر اطاعت مسیح می کنیم» دوم قرن تیان  
10:5 (ترجمه Almeida اصلاح شده و به روز شده)

اگر افکار پاک باشد، مرد نیز پاک خواهد بود، زیرا حتی سخنانی که از دهان بیرون می آید، حاصل آن چیزی است که در دل بوده است. همانطور که عیسی فرمود: «از فراوانی دل، از فراوانی دل، دهان سخن می گوید.»

متی 12:34. بنابراین، تنها در صورتی می توانیم خدا را جلال دهیم که مسیح بر تخت قلب سلطنت کند و موضوع افکار ما باشد.

راه دیگری برای جلال خدا وجود دارد که در انجیل ذکر شده است که شایسته توضیح است:

«و عیسی با صدای بلند فریاد زد و گفت: ای پدر، روح خود را به دست تو می سپارم. و پس از گفتن این، منقضی شد. و صدیر چون آنچه را که رخ داده بود دید، خدا را تجلیل کرد و گفت که این مرد عادل بود.» لوقا 47:23،

خداوند در کلام خود این را بیان کرد که زمانی که صدیر متوجه شد که عیسی در اینجا روی زمین بود، جلال یافت. همچنین گفته می شود که صدیری در زمانی که عیسی را جلال می داد، چیز دیگری درباره عیسی فریاد زد.

گفت: این مرد عادل بود. مرد «عادل» چیست؟ او مردی است که عدالت خدا را به جا می آورد. در کتاب مزامیر نوشته شده است: "تمام احکام او عدالت است" مزمور 119:172. بنابراین، انسان عادل، انسانی است که همه احکام خدا را حفظ می کند. هنگامی که صدار گفت که عیسی یک مرد است و عادل است، او می گفت که عیسی، مردی مانند ما، (نه «خدای انسان» یا «خدای متجسد») از کل شریعت ده فرمان پیروی می کند. اگر عیسی، مردی مانند ما، تمام ده فرمان را حفظ می کرد، ممکن است ما نیز چنین کنیم. با کمک همان قدرتی که خداوند دریافت کرد، می توانیم ده فرمان شریعت خدا را نیز حفظ کنیم. درک این موضوع مهم است زیرا، در نتیجه موعظه پیام مکاشفه 14، خدا اعلام می کند که مردمی خواهد داشت که احکام خدا «و ایمان عیسی» را که به آنها قدرت می دهد و آنها را قادر می سازد، حفظ خواهند کرد. برای حفظ احکام:

"اینجا استقامت مقدسین است که احکام خدا و ایمان عیسی را نگه می دارند." مکاشفه 14:12

پیام فرشته اول همچنین از مردان روی زمین می‌خواهد که از خدا بترسند و او را جلال دهند، «زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است». ما قبلاً دیدیم که این پیام با قدرت بیشتری توسط 144000 نفر در 42 ماه پس از سلطنت آخرین پاپ ارائه خواهد شد. در آن زمان خواهد بود که با قدرت موعظه خواهد کرد: «زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است». این چه قضاوتی خواهد بود؟

هنگامی که فصل‌های 7 و 8 دانیال را مطالعه کردیم، دیدیم که داوری همه انسان‌ها در سال 1844 آغاز شد. این داوری با مردگان آغاز شد و سپس به زندگان منتقل شد. امروز (2012) ما هنوز در زمان آخرین پاپ نیستیم. بنابراین، ما درک می‌کنیم که 144000 نفر رسیدن قضاوت زندگان است. بیایید ادامه پیام فرشته اول را بخوانیم:

«و عبادت کن که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید». مکاشفه 14:7

چه کسی همه این کارها را "کرد"؟ بخوانیم:

«و خدا در روز هفتم کار خود را که انجام داده بود به پایان رساند و در روز هفتم از تمام کارهایی که انجام داده بود استراحت کرد. و خداوند روز هفتم را برکت داد و آن را تقدیس کرد. زیرا در او از تمام کارهای خود که خداست، آرام گرفت

آفرید و ساخت.» پیدایش 3، 2:2

خروج، مانند مکاشفه، به او به عنوان نویسنده «آسمان‌ها، زمین، دریا» و حتی منابع آب اشاره می‌کند:

«اما روز هفتم سبت یهوه خدای شماست. نه تو، نه پسر، نه دختر، نه غلامت، نه کنیزت، نه دامانت، و نه اجنبی که در دروازه توست. هیچ کاری انجام نده.

زیرا خداوند در شش روز آسمانها و زمین و دریا و هر چه در آنهاست را آفرید.»  
خروج 11، 20:10

این "خدا" کیست؟ عیسی او را آشکار کرد. عیسی درباره خود گفت: «من راه، راستی و حیات هستم» یوحنا 14:6. این بدان معناست که هر آنچه عیسی گفت درست بود. عیسی هرگز دروغ نگفت، زیرا اگر دروغ می‌گفت گناه می‌کرد و نمی‌توانست نجات دهنده ما باشد. و به قول عیسی خدا کیست؟ او پاسخ می‌دهد:

عیسی اینها را گفت و چشمان خود را به آسمان بلند کرد و گفت: ای پدر، ساعت فرا رسیده است. پسر را جلال بده... و این است حیات جاودانی تا تو را که تنها خدای حقیقی و عیسی است بشناسند. مسیحی که تو فرستادی.»  
یوحنا 3، 17:1

عیسی گفت که پدرش تنها خدای واقعی است. از آنجایی که می‌دانیم عیسی حقیقت را گفته است، همانطور که همیشه حقیقت را گفته است، برای تأیید آن نیازی به متون بیشتری نداریم. تنها خدایی که وجود دارد پدر است، حتی اگر متون دیگری در کتاب مقدس وجود دارد که ظاهراً خلاف این را می‌گوید، آنها به سادگی یا اشتباه ترجمه شده‌اند یا اشتباه درک شده‌اند. ما اطمینان کامل داریم که تنها خدا پدر عیسی است، کسی که او را پدرش می‌نامد، زیرا خود عیسی که همیشه حقیقت را می‌گفت، چنین گفت. و عیسی در ادامه گفت که «این است حیات جاودانی»، یعنی زندگی ابدی ما به این بستگی دارد: «تا تو را، تنها خدای حقیقی» و عیسی مسیح را که تنها خدای حقیقی او را فرستاد، بشناسند.

(یوحنا 3:17) پیام مکاشفه 14 ما را به پرستش "کسی که زمین و آسمان و دریا و چشمه های آب را آفرید" فرا می خواند. ما را به پرستش خدای پدر فرا می خواند. او را باید به عنوان کسی که همه چیز را آفرید پرستش کرد. ما عیسی را به عنوان نجات دهنده و نجات دهنده، اما پدر را به عنوان خالق می پرستیم.

ممکن است کسی از خود بپرسد: «اما آیا عیسی مسیح نیست؟  
ایجاد کننده؟». کتاب مقدس می گوید که او در خلقت شرکت کرد:

"همه چیز به واسطه او ساخته شد" یوحنا 3: 1

می گوید که همه چیز «از طریق» او ساخته شده است، اما نمی گوید که آنها «توسط» او ساخته شده اند. فرق است بین اینکه بگوییم آنها به وسیله «او» ساخته شده اند و بگوییم که آنها ساخته «او» هستند. اگر او می گفت که آنها «به دست او» ساخته شده اند، پس او نیز کسی است که همه چیز را ساخته است. اما وقتی می گوید که آنها به واسطه «او» ساخته شده اند، متن او را ابزاری معرفی می کند که همه چیز به وسیله آن ساخته شده است. کتاب مقدس معنای انجام کاری را «از طریق عیسی» به ما می دهد. بیابید متن را در اعمال رسولان 2:22 بخوانیم:

«ای مردان اسرائیل، به این سخنان گوش دهید: به عیسی ناصری، مردی که خدا در میان شما مورد تأیید قرار می دهد، با شگفتی ها و شگفتی های و نشانه هایی که خدا بوسیله او انجام داد» اعمال رسولان 2:22

عیسی زمانی که اینجا روی زمین بود معجزات زیادی انجام داد. پطرس می گوید که در حقیقت، خدا معجزات را «از طریق عیسی» انجام داد. عیسی در صحبت از خود گفته بود:

"من به تنهایی نمی توانم کاری انجام دهم" یوحنا 5:30

بنابراین، او نمی توانست به تنهایی معجزه کند. بنابراین، این پدرش بود که از طریق او عمل می کرد و معجزات را انجام داد. قدرت از طرف پدرش بود و خدا معجزه گر بود. عیسی وسیله ای است که خداوند برای انجام معجزات از آن استفاده می کند، همانطور که خود عیسی می گوید:

"زیرا من از آسمان نازل شدم، نه برای انجام اراده خود، بلکه اراده فرستنده" یوحنا 6:38

به معنای دقیق، او که همه چیز را آفرید، در حقیقت یکی بود - خدای پدر مکاشفه 14 می گوید: "کسی که انجام داد" - مفرد. اگر عیسی را هم شامل می شد، می گفتم: «آنها» جمع. تا اینجا پیام فرشته اول را مطالعه کردیم. در فصل بعد به بررسی پیام فرشته دوم خواهیم پرداخت.

## فصل 8

### دومین پیام فرشته

«و فرشته دیگری به دنبال آمد، دومی گفت: «بابل بزرگ سقوط کرد، سقوط کرد، که جمیع امتها را از شراب خشم زناکاری خود نوشیده است.» مکاشفه 8:14



متن نقل شده با این جمله آغاز می شود: «فرشته دیگری به دنبالش آمد». اولین فرشته نماینده 14400 نفری بود که پیام می دادند. این دوم نماینده همان گروه است و پیام دوم را اعلام می کند. فرشته دوم می گفت: "بابل بزرگ سقوط کرد، سقوط کرد." ما قبلاً در مطالعه مکاشفه 17 دیدیم که او کیست. این کلیسای حواری کاتولیک رومی است. گفته می شود که او "بزرگ" است، زیرا او خود را مادر کلیساها یا کلیسای "مادر" می داند، همانطور که معمولاً از روحانیون کاتولیک می شنویم که می گویند (مکاشفه 5: 17) گفته می شود که او "سقوط" کرد. از آنجایی که پیامی که به یوحنا داده شده از جانب خدا می آید، اصطلاح «سقوط» نشان دهنده سقوط در چشم خدا است. سقوط از اطاعت به گناه، از اعتقاد به آموزه های کلام خدا به اعتقاد به آموزه های انسان. ما می دانیم که کلیسای کاتولیک از زمان تأسیس خود آموزه های مردانه را موعظه کرده است. یکشنبه به عنوان روز استراحت، برخلاف شنبه چهارمین فرمان شریعت خداوند، پرچم اصلی این کلیسا است. و این که از گناه حمایت می کند و این امکان را که کلام خدا داده است، انکار می کند که انسان می تواند در نظر خدا کامل باشد و همه احکام او را حفظ کند، نیز از زمان پیدایش این کلیسا دیده شده است.

اما کلمه "سقوط" به تمام کلیساهایی نیز اطلاق می شود که زمانی در پیشگاه خدا پاک بودند و با آموزه های انسان ها و شرارت و ریاکاری رهبران آنها فاسد شدند. همچنین به نهادهایی اشاره دارد که در میان خود آموزه های مردان را که توسط کلیسای مادر تعلیم داده می شد حفظ کردند. کلیساهایی که خطاهای کلیسای مادر را حفظ کردند، از نظر اعتقادی «دختران» آن هستند.

با یافتن خود در این وضعیت، کلیساها به عنوان "سقوط" توسط بهشت دیده می شوند. پیام: بابل سقوط کرده است در مورد آنها صدق می کند. توجه داشته باشید که این آیه دو بار کلمه "Caiu" را نشان می دهد. کلمه اول "سقوط" به سقوط کلیسای کاتولیک اشاره دارد و دومی به سقوط دختران روحانی آن اشاره دارد، کلیساهای پروتستانی که زمانی خدا و شریعت او را گرمی می داشتند، اما امروزه آموزه هایی مانند برگزاری یکشنبه، عبادت مقدسین را حفظ می کنند. تصاویر و غیره

«کسی که جمیع امت ها را شراب خشم زناکاری خود نوشیده است.» در مکاشفه 17 زن دیده شد که «پیاله ای پر از زشتی ها و پلیدی های زنا داشت» (مکاشفه 17:4) قبلاً دیدیم که یک زن نماینده کلیسا است و مسیح شوهر کلیسای واقعی است. نماد فحشا زن نشان دهنده خیانت به مسیح و حقایق اوست تا با دشمن ارواح شیطان و فریبکاری های او همراه شود. سبت توسط خدا برپا شد و مسیح آن را گرمی داشت. کلیسای کاتولیک با قرار دادن یکشنبه به عنوان روز استراحت، خود را فحشا کرد، به معنای نمادین، خود را با شیطان، که در واقع مربی یکشنبه به عنوان روز استراحت است، مرتبط ساخت. بنابراین، نگه داشتن یکشنبه بخشی از فحشایی است که یوحنا در رؤیای مکاشفه 17 در داخل جامی که زن در دست داشت، دید. شراب این فحشا است که آیه مکاشفه 14:8 می گوید که این زن داد. برای نوشیدن به ملت ها کلیسای کاتولیک، از طریق آخرین پاپ، همه ملت ها را وادار خواهد کرد که یکشنبه را به عنوان روز استراحت بپذیرند و تحمیل کنند. متن همچنین می گوید که این شراب شراب "خشم" بود. تاریخ نشان می دهد که پاپ و رهبری کلیسا بر علیه کسانی که از آموزه های انسانی خود اطاعت نمی کنند خشمگین هستند. به همین دلیل در گذشته مقدسین را می کشت. امروز آنها را نمی کشد. با این حال، کتاب مقدس نشان می دهد که این کار را فقط به این دلیل انجام نمی دهد که در جایی که ناتوان است، مدارا می کند. همانطور که پیشگویی می گوید، به محض اینکه آخرین پاپ قدرت ده پادشاه زمین را دریافت کند، خود را متعهد به مبارزه با مقدسین خواهد کرد. در مکاشفه 13 گزارش شده است که وحش و یارانش چه خواهند کرد:

«و باعث شد همه کسانی که تصویر وحش را نمی پرستیدند کشته شوند. و بر همه اعم از کوچک و بزرگ و غنی و فقیر و آزاد و برده علامتی بر دست یا بر پیشانی آنها بگذار تا کسی جز کسی که نشان یا نام او را دارد خرید و فروش نکند. وحش یا شماره نام او.» مکاشفه 17-15: 13

این واقعیت که مکاشفه 8: 14 می گوید که ملت ها شراب "خشم" فحشا خود را نوشیدند نشان می دهد که در زمانی که این کلمات پیشگویی می کنند، ملت ها با همان خشم پاپ علیه مسیحیان روز سبت آغشته خواهند شد. و کلیسا امروز گنبد کلیسای کاتولیک را دارد. در نتیجه، سخنان مکاشفه 7: 13 "به او داده شد" [به وحش داده شد] تا با مقدسین بجنگد و بر آنها غلبه کند. پادشاهان زمین مردان خود را در دسترس پاپ قرار خواهند داد تا او بتواند از آنها در کار آزار و شکنجه و کشتار مقدسین استفاده کند. همه اینها امروز ممکن است بسیار دشوار به نظر برسد، اما وقتی انسانها از شریعت خدا رویگردان شوند تا تسلیم حکومت شیطان شوند، بسیار ظالم خواهند شد. همانطور که بزرگان کلیسا و قدرت سکولار (کاهنان یهودی و پاپاوس) گرد هم آمدند تا عیسی را بکشند، در آینده نیز همین اتفاق خواهد افتاد. پس قوم خدا به ایمانی نیاز خواهند داشت که بتواند در این زمان آزمایش مقاومت کند و همچنان آنها را تشویق کند که به هر قوم، قبیله، زبان و قوم موعظه کنند:

«بابل بزرگ سقوط کرد، سقوط کرد، که همه امت ها را شراب خشم زناکاری خود نوشاند.» مکاشفه 14:8

تا اینجا پیام فرشته دوم را مطالعه کردیم. در فصل بعد پیام فرشته سوم را تحلیل خواهیم کرد.

## فصل 9

### سومین پیام فرشته

«و فرشته دیگر، سومی، به دنبال آنها رفت و با صدای بلند گفت: اگر کسی وحش و تصویر او را پرستش کند و نشان او را بر پیشانی یا بر دست خود بگیرد، از شراب خشم خدا نیز خواهد نوشیدند. از جام خشم او، بدون مخلوط، آماده شد و با آتش و گوگرد، در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره عذاب خواهد شد. دود عذاب او تا ابدالابد بالا می‌رود و کسانی که وحش و تصویر او را می‌پرستند و هر که نشان نام او را می‌گیرد، نه روز و نه شب آرامی ندارد.» مکاشفه 11-9: 14

همانطور که فرشته دوم نشان دهنده یک پیام اضافی برای اولی است، فرشته سوم نیز نشان دهنده پیامی علاوه بر دو مورد اول است. توسط همان افرادی که پیام اول و دوم را اعلام می کنند تبلیغ می شود. توجه داشته باشید که در این پیام دوباره عبارت "با صدای بلند" را پیدا می کنیم. این نشان می دهد که به قدرت روح القدس داده خواهد شد، زیرا، همانطور که در هنگام مطالعه دیدیم

پیام اول، رسولان پس از پر شدن از روح القدس با "صدای بلند" صحبت می کنند. متن ادامه می دهد که پیام اعلام شده چیست:

«هر کس وحش و تصویر او را بپرستد و نشان او را بر پیشانی یا بر دست خود بگیرد، او نیز شراب خشم خدا را خواهد نوشید.» معنای «پرستش وحش و تصویر او» و همچنین «دریافت علامت روی پیشانی یا روی دست» قبلاً در مطالعه قبلی مکاشفه 13 مورد توجه قرار گرفته است.

دیدیم که «پرستش وحش و تصویر او» به منزله شناخت اقتدار کلیسای کاتولیک و کلیساهایی است که از نظر اعتقادی دختران آن شدند و به جای شنبه فرمان چهارم، یکشنبه را نگه داشتند. با انجام این کار، ما قدرتی را که از طریق آن تغییر ایجاد شد، بیشتر از قدرت کسی که قانون را وضع کرد - خود خدا - تشخیص می دهیم. ما همچنین مطالعه کردیم که وقتی، در این زمان که در نبوت نشان داده شده است، از کار برای نگه داشتن یکشنبه خودداری می کنیم و یکشنبه را روز واقعی خداوند می دانیم و از اطاعت خدا نافرمانی می کنیم، نشان وحش را روی دست یا روی پیشانی «دریافت» می کنیم. فرمان . اخطار پیام سوم فرشته در مکاشفه 14 خطاب به مردان است تا یکشنبه را به جای سبت فرمان خدا به عنوان روز استراحت نپذیرند و نشناسند و این روز استراحت دروغین را حفظ نکنند. هشدار می گوید: «اگر کسی چنین کند، شراب خشم خدا را خواهد نوشید». این چه شرابی است؟ وحی می گوید:

«بعد از این نگرستم و محراب خیمه شهادت در آسمان گشوده شد. و هفت فرشته که هفت بلا را داشتند، در حالی که کتان خالص و درخشان پوشیده بودند، از قدس بیرون آمدند و کمربندهای طلایی بر سینه های خود بستند. یکی از چهار موجود زنده هفت کاسه طلائی به هفت فرشته داد که پر از خشم خدایی است که تا ابد زنده است.» مکاشفه 7-15:5

آخراً زمان نشان می دهد که در پایان زمان فیض اعطا شده به مردم، قبل از بازگشت عیسی، 7 طاعون ریخته می شود که در آیات ذکر شده در داخل "هفت کاسه طلا"، "پر از خشم" نشان داده شده است. خدا، در مورد مردان. و جام خشم خدا در آفت هفتم ریخته می شود:

«فرشته هفتم جام خود را به هوا ریخت. و صدای بلندی از عبادتگاه بیرون آمد که می گفت: تمام شد... و شهرهای امتها سقوط کردند. و خدا بابل بزرگ را به یاد آورد تا جام شراب خشم شدید خود را به او بدهد. همه جزایر فرار کردند و کوه ها دیگر یافت نشدند. و تگرگ بزرگی از آسمان بر مردان بارید، سنگهایی به وزن یک استعداد. و مردم به خاطر طاعون تگرگ به خدا کفر گفتند. زیرا طاعون او بسیار بزرگ بود.» مکاشفه 16:17-21

خدا بابل را به یاد آورد تا «پایاله شراب قهر خشم خود» را به او بدهد. خدا جام خشم خود را بر او خواهد ریخت، زیرا از سوی او، کلیسای حواری کاتولیک روم بود که روز کاذب استراحت در سراسر جهان مسیحیت و سپس در سراسر جهان گسترش یافت. با این حال، از آنجایی که در زمان طاعون هفتم، همه طبقات قبلاً در مورد حقیقت سبت روز خداوند هشدار داده شده بودند، کسانی که در اشتباه باقی ماندند، داوطلبانه تصمیم گرفتند که سهم خود را با کلیسای «بابلی» داشته باشند. آنها در عدالت با هم خواهند نوشیدند

او جام خشم خدا

همین مکاشفه نشان می‌دهد که خداوند از مرگ او لذت نمی‌برد  
بدجنس:

«و عبادتگاه از جلال خدا و قدرت او پر از دود شد. و هیچ کس نمی‌توانست وارد محراب شود تا زمانی که هفت بلای هفت فرشته کامل شود.» مکاشفه 15:8

از نظر خداوند، عمل تنبیه و نابودی مردانی که آفریده است، با فطرت او بیگانه است و باعث اندوه عمیق او می‌شود. پس چون هفت بلا به محبت مخلوقاتش سرازیر شود، نمی‌گذارد غم او را ببینند.

همانطور که پدری اشک هایش را از پسر کوچکش پنهان می‌کند، چون دردش را نمی‌فهمد، وقتی برای عزیزی که از دنیا رفته گریه می‌کند، ما معتقدیم که خداوند اشک هایش را از مخلوقاتش یعنی فرزندانش پنهان می‌کند تا آنها غم و اندوه او را برای آن موجوداتی نخواهم دید که در طی بلاها خواهند مرد و سرانجام دوباره برمی‌خیزند تا برای همیشه، پس از داوری نهایی، بمیرند. کتاب مقدس درباره مسیح شهادت می‌دهد و او خدا را آشکار می‌کند. بنابراین، وقتی داستانی درباره شخصیت‌های باستانی از کتاب مقدس می‌خوانیم، می‌توانیم مطمئن باشیم که این داستان در میان داستان‌های بسیاری از افرادی که در همان زمان زندگی می‌کردند تصادفی انتخاب نشده است. این انتخاب شد که در کتاب مقدس باشد زیرا نشان دهنده بخشی از کار مأموریت مسیح و رفتار خدا با انسان است. سخنان عیسی نشان می‌دهد که این درست است:

"کتاب مقدس را جستجو کنید، زیرا فکر می‌کنید در آنها زندگی جاودانی دارید و آنها هستند که در مورد من شهادت می‌دهند." یوحنا 5:39

داستان های کتاب مقدس بخشی از رسالت مسیح و مسیح را نشان می‌دهد  
آمد تا رفتار خدا را با مردم آشکار کند، زیرا گفت: "هر که مرا دیده، پدر را دیده است" یوحنا 14:9 بنابراین، گریه داوود برای ابشالوم، پسر سرکشی که در پی مرگ او بود، که در کتاب مقدس گزارش شده است، نشان دهنده غم و اندوه خدا از دیدن مخلوقاتش است که سرکش شدند. با این حال، غم و اندوه خداوند از دیدن نابودی فرزندانش، عدالت رفتار او با مردان را تغییر نخواهد داد. در پایان زمان فیض، کسانی که کاملاً متقاعد شده بودند که سبت توسط خدا تعیین شده است، ترجیح دادند پاپ و کلیسای کاتولیک را گرامی بدارند، یکشنبه را نگه دارند و سبت را تحقیر کنند و به درخواست های روح گوش ندادند. خدایا بالاخره هفت بلا را خواهند گرفت. پیام فرشته سوم به انسان ها هشدار می‌دهد که از خدا اطاعت کنند و به آنها نشان می‌دهد که لازم نیست آنها دچار بلاها شوند. راه اطاعت از اوامر خداوند، راه امن انسان است.

پیام فرشته سوم تهدید دوم را بیشتر اعلام می‌کند  
کسانی که وحش را به شکل او می‌پرستند و نشان او را می‌گیرند:

«و در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره با آتش و گوگرد عذاب خواهد شد. دود عذاب او تا ابدالابد بالا می‌رود و پرستندگان وحش و تصویر او و هر که نشان نام او را می‌گیرد، نه روز و نه شب، آسایشی ندارند.» مکاشفه 11:14،

امروز هنوز افرادی هستند که اگرچه روز سبت را نگه نمی‌دارند، اما اظهار نمی‌کنند که یکشنبه را نگه دارند.  
با این حال، کلام خدا پیش بینی می‌کند که فقط وجود خواهد داشت

دو طبقه در آن زمان که توسط نبوت مشخص شده است: نگهبانان سبت فرمان چهارم و نگهبانان یکشنبه. بنابراین، این پیام برای هر کسی که آن را می شنود، وزن مرگ و زندگی خواهد داشت: هر فرد را به تصمیم نهایی خود سوق می دهد.

او با آتش و گوگرد عذاب خواهد شد.» کتاب مقدس اعلام می دارد که وقتی عیسی به زمین بازگردد، کسانی که با ایمان به عیسی برای نجات جان خود را از دست داده اند، زنده خواهند شد: «زیرا خود خداوند با فریاد، با صدای یک فرشته و با شیپور خدا از آسمان فرود خواهد آمد. و کسانی که در مسیح مردند اول برمی خیزند.» اول تسالونیکیان 4:16 «اما دیگران تا زمانی که هزار سال تمام نشد، دوباره زندگی نکردند. این اولین معاد است. خوشا و قدوس آن کسی است که در قیامت اول سهم دارد. مرگ دوم بر اینها قدرتی ندارد، اما آنها کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد.»

مکاشفه 6، 20:5، مقدسینی که در اولین رستاخیز زنده می شوند، کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد. "مرگ دوم" هیچ قدرتی بر آنها ندارد. در ادامه در مورد این "مرگ دوم" صحبت خواهیم کرد. «و چون هزار سال به پایان رسید... تخت بزرگ سفید و کسی را دیدم که بر آن نشسته بود که زمین و آسمان از حضور او گریختند و جایی برای آنها یافت نشد. و مردگان بزرگ و کوچک را دیدم که در برابر تخت ایستاده بودند و کتابها گشوده شد. و کتاب دیگری گشوده شد که کتاب زندگی است. و مردگان بر حسب آثارشان بر اساس آنچه در کتابها نوشته شده بود داوری می شدند. و دریا مردگانی را که در آن بودند تسلیم کرد. و مرگ و جهنم مردگانی را که در آنها بودند، بخشیدند. و برحسب اعمالشان داوری شدند.» مکاشفه 13-11، 20:7 پس از هزار سال، قضاوتی خواهد بود.

در مورد این قضاوت، متن می گوید که "مردگان مورد قضاوت قرار گرفتند". این مردگان کدامند صالح یا بدکار؟ بیایید به یاد داشته باشیم که همانطور که دیدیم، مردگان در مسیح قبلاً چنین کرده اند آنها قبل از هزار سال زنده شده بودند. صحنه قضاوت شرح داده شده در بالا پس از هزار سال اتفاق می افتد. بنابراین، این قضاوت مربوط به مردگانی است که مسیح شریک را نپذیرفتند. حکمشان چه بود؟ «و کسی که در کتاب حیات نوشته نشده بود، در دریاچه آتش افکنده شد» مکاشفه 20:15 کتاب زندگی، کتاب زندگی بره است:

«و همه ساکنان روی زمین او را پرستش کردند که نام او در کتاب حیات بره نوشته نشده است» مکاشفه 13:8

بره نشان دهنده عیسی است که برای ما قربانی شد. فقط کسانی که قربانی او را که بر روی صلیب کالواری برای گناهان انسان ها انجام شده است، می توانند در کتاب زندگی "بره" بنویسند. شریکان سرانجام در طول زندگی خود از پذیرش این قربانی و دریافت بخشش خدا امتناع کردند و زندگی آنها با قدرت او متحول شد. بنابراین نام شریکان در کتاب زندگی نوشته نخواهد شد. بنابراین، شریکان که پس از هزار سال زنده می شوند، به دریاچه آتش انداخته می شوند، همانطور که آخرالزمان می گوید: «و آنکه در کتاب حیات نوشته نشده بود، در دریاچه آتش افکنده شد» مکاشفه 20:15

تهدید فوق همان چیزی است که در پیام سوم فرشته در مکاشفه 14 وجود دارد. در پایان هزار سال، دریا، مرگ و جهنم «مردگانی را که در آنها بودند» تسلیم کردند (مکاشفه 20:13 تا آنها را مورد قضاوت قرار دهند. این نشان می دهد که مردگان شریک برای دریافت حکم نهایی در پایان هزار سال برخیزند. و پس از دریافت حکم به «دریاچه آتش» انداخته می شوند. شریک دو بار خواهد مرد: اولین مرگ همان است که ما می شناسیم. این

دوم کنار دریاچه آتش کتاب مقدس می گوید: "این مرگ دوم است، دریاچه آتش" مکاشفه 20:14 پس خوشا به حال کسانی که با ایمان نجات بخش به مسیح می میرند، زیرا بر آنها «مرگ دوم قدرت ندارد»، یعنی متحمل مرگ دوم نخواهند شد. برعکس، آنها زنده می شوند و جاودانه زندگی می کنند.

"دود عذاب او تا ابدالباد بالا می رود" مکاشفه 14:11 متن ذکر شده از محکومیت دریاچه آتش صحبت می کند که پرستندگان وحشی که به تازگی آن را مطالعه کرده ایم دریافت خواهند کرد. گفته می شود که «دود» عذاب او در «اعصار قرون» بالا می رود. آیا این بدان معناست که شریران سرانجام برای همیشه خواهند سوخت؟ اجازه دهید کلام خدا معنای واقعی این «آتش ابدی» را که دود آن برای همیشه بالا می رود، قبل از این که به این نتیجه برسیم، به ما بدهد:

«همچنین سدوم و عموره و شهرهای اطراف که مانند آنها فاسد شدند و بدنبال انسانهای دیگر رفتند، نمونه شدند و به عذاب آتش ابدی مبتلا شدند.» یهودا 1:7

کتاب پیدایش مجازاتی را که این شهرها دریافت کردند گزارش می کند:

«آنگاه خداوند گوگرد و آتش از جانب خداوند از آسمان بر سدوم و عموره بارید. و آن شهرها و تمامی آن دشت و تمامی ساکنان آن شهرها و آنچه را که از زمین روییده بود ویران کرد.» پیدایش 19:25

سدوم و عموره با آتش و گوگرد ویران شد. این همان نابودی است که در مکاشفه 14 اعلام شده است: "او با آتش و گوگرد عذاب خواهد شد." آنها همان ویرانی را متحمل شدند که شریران بعد از داوری نهایی متحمل خواهند شد.

این دو شهر در جایی قرار داشتند که کشور عراق امروزی است. تا به امروز غلظت گوگرد در آن مکان وجود دارد، اما از آن زمان، هزاران سال، تا به امروز آتشی در آتش نبوده است. بنابراین، متوجه می شویم که آتش ابدی آتشی نیست که تا ابد، به طور نامحدود، بدون اینکه قربانیانش را بیلعد، به سوختن ادامه دهد، بلکه برای همیشه نابود می کند. سدوم و گومورا که از مجازات آتش ابدی رنج بردند، دیگر هرگز مطرح نشدند. همچنین، هنگامی که شریران مجازات آتش ابدی را دریافت کنند، چنان خواهند بود که گویی هرگز وجود نداشته اند (عبودیا 1:16). آنها برای همیشه نابود خواهند شد. این واقعیت که آخرالزمان می گوید که دود عذاب شریران برای همیشه و همیشه بلند می شود به این معنی نیست که آتش همچنان می سوزد. وقتی آتش می زنیم، حتی پس از خاموش شدن آتش، باز هم می بینیم که دود بلند می شود. دود در این مورد به عنوان یادآوری آتش سوزی در آن مکان است.

به معنای نمادین، این واقعیت که به یوحنا گفته می شود که «دود» عذاب «برای همیشه بالا می رود» به این معنی است که نابودی شریران برای همیشه و همیشه به یاد خواهد ماند. گناه همیشه به عنوان عاملی که بر بدن مجروح عیسی اثر گذاشته است، به یاد خواهد ماند. مردم آن را خواهند دید که او را سوراخ کردند -

عیسی - از طریق گناهان شما، و سپس گناه هرگز دوباره ظهور نخواهد کرد.

پیام فرشته سوم با این جمله خاتمه می یابد که «کسانی که وحش و تصویر او را می پرستند و هر که نشان نام او را می گیرند، نه روز و نه شب، استراحتی ندارند.» مکاشفه 14:11 چگونه پرستندگان وحش استراحت ندارند؟ کلام خدا آن را به ما آشکار می کند. عیسی هنگامی که بر روی زمین بود، دعوتی برای انسان ها گذاشت که تا امروز ادامه دارد:

«بیاید نزد من، ای همه زحمتکشان و گران بارها، و من به شما آرامش خواهم داد. یوغ مرا بر خود بگیرید و از من بیاموزید، زیرا من نرم و فروتن هستم. و برای روح خود آرامش خواهید یافت.» متی 29، 11:28

یوغ ابزاری است که بر روی گردن گاوها قرار می‌گیرد تا هنگام کار روی زمین آنها را در مسیر درست هدایت کند. ما همچنین به چیزی نیاز داریم که ما را راهنمایی کند تا هماهنگ با خواست خدا قدم برداریم. این راهنما یا «یوغ» که عیسی دارد، قانون خداست. احکام او می‌تواند ما را راهنمایی کند تا در راهی که او را خشنود می‌کند قدم برداریم. وقتی در اطاعت از شریعت قدم برمی‌داریم، یوغ مسیح را بر عهده می‌گیریم و آرامش می‌یابیم. پرستندگان وحش روز یکشنبه را نگه می‌دارند و سبت چهارم فرمان را تحقیر می‌کنند و تجاوز می‌کنند. از آنجا که قانون شکن هستند، نمی‌توانند بقیه وعده داده شده به کسانی را که به آن عمل می‌کنند بیابند. به همین دلیل است که پیام فرشته سوم می‌گوید: «کسانی که وحش و تصویر او را می‌پرستند و هر که نشان نام او را می‌گیرد، نه روز و نه شب، استراحتی ندارند.» مکاشفه 14:11 عیسی استراحت خود را به ما پیشنهاد می‌کند. هنگامی که به او، عدالت خود اعتماد می‌کنیم، و از او می‌آموزیم، در زندگی و شخصیت او تعمق می‌کنیم، با ایمان زنده به او، با شریعت او هماهنگ می‌شویم و به این ترتیب بقیه مسیح را می‌یابیم. باشد که همه ما این آرامش را پیدا کنیم. این آرزوی بهشت برای ماست.

نتیجه پذیرش پیام فرشته سوم چه خواهد بود؟ کتاب مقدس می‌گوید:

"اینجا استقامت مقدسین است که احکام خدا و ایمان عیسی را نگه می‌دارند." مکاشفه 14:12

این پیام زندگی کسانی را که آن را دریافت می‌کنند متحول خواهد کرد. با ایمان عیسی، مقدسین احکام خدا را حفظ خواهند کرد.

«آنگاه صدایی از آسمان شنیدم که می‌گفت: بنویس: خوشا به حال مردگانی که از این پس در خداوند می‌میرند. آری، روح می‌گوید، تا از زحمات خود آرام بگیرند، زیرا اعمالشان با آنها همراه است.» مکاشفه 14:13

متن ذکر شده روشن می‌کند که در زمانی که پیش‌گویی مکاشفه 13 و 14 نشان می‌دهد، بسیاری از کسانی خواهند بود که در خداوند خواهند مرد. کسانی خواهند بود که برای ایمان خود خواهند مرد، زیرا گفته می‌شود که به وحش داده شد تا با مقدسین بجنگد و بر آنها غلبه کند (مکاشفه 7: 13 با این حال، ما باید استوار بمانیم، هر چه که در این زمان داریم، همانطور که خود کلام خدا در آیه قبل اعلام می‌کند که کسانی که در این زمان می‌میرند «برکت» هستند. Blessed به معنای "خوشبخت" است. خوشا به حال کسانی که در ایمان خداوند عیسی در این زمان می‌میرند، متن می‌گوید، "تا از تلاش خود آرام بگیرند." این زمان آزار و شکنجه وحشتناک خواهد بود، و به همین دلیل است که خدا می‌گوید کسانی که در این زمان با ایمان به خداوند عیسی می‌میرند، از کار خود آرام خواهند گرفت. اما خداوند آیه را با وعده شگفت‌انگیزی به این مردم خاتمه می‌دهد: «زیرا اعمالشان با آنها همراه است.»

این سخنان نشان می‌دهد که چنین افرادی برای وفاداری خود به آنها پاداش دریافت خواهند کرد

خداوند عیسی و شریعت خدا. به همین دلیل است که عیسی با علم به آنچه که وفاداران باقی می‌مانند به ارث می‌برند، قبلاً گفته بود:

«دوستان من به شما می‌گویم: از کسانی که جسد را می‌کشند و دیگر کاری ندارند نترسید.» لوقا 12:4

صبح باشکوه رستاخیز مسیح پاداش همه کسانی است که به خداوند عیسی، به شریعت خدا و سبت، روز هفتم، فرمان چهارم وفادار می‌مانند. باشد که وفادار بمانیم، خواننده عزیز، و چه برای زندگی و چه برای مرگ، در کنار پروردگار ادامه دهیم. او وفادار است و بسیار بیشتر از آنچه ما بخواهیم یا فکر می‌کنیم به ما خواهد داد. «چیزهایی را که خدا برای دوستدارانش مهیا کرده است، چشم ندیده و گوش نشنیده و در دل انسان وارد نشده است.» اول قرنتیان 2:9 و عیسی گفت: «اینک من به سرعت می‌آیم و پاداش من با من است تا به هر کس برحسب کارش بدهم» مکاشفه 22:12. اکنون خداوند عیسی بیا!